

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیر مردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود. می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر سازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را در هم بشکنند.

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور

۱۳۹۱/۱۲/۱۶

رهتوشه راهیان نور

متون علمی - آموزشی مبلغان

رمضان ۱۴۳۶ ه.ق - ۱۳۹۴ ه.ش

ویژه خواهران

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

شناسه افزوده:

شماره کتابشناسی ملی:

ره‌توشه راهیان نور

متون علمی - آموزشی مبلغان

رمضان ۱۴۳۶ هـ. ق - ۱۳۹۴ هـ. ش

ویژه خواهران

- تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- نویسندگان: گروهی از پژوهشگران
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۴
- شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۸۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

تلفن گروه تأمین منابع: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۳۹۷ پست الکترونیکی: tabligh@dte.ir

با قدردانی از همکارانی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: علی خانی • صفحه‌آرا: سید علی موسوی کیا • طراح گرافیک: سید محمود موسوی • کارشناس تحریریه: علی‌رضا انصاری • مسئول چاپ و نشر: محمود نوراللهی
- کارشناس امور اجرایی: سیدحسین موسوی مجاب

تمام حقوق این اثر، برای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن نخست	۱۵
آسیب‌های فردی و اجتماعی روابط دختر و پسر	۱۷
اشاره	۱۷
الف) آسیب‌های فردی	۱۸
۱. اضطراب و افسردگی	۱۸
۲. خودکشی و قتل	۱۹
۳. اُفت تحصیلی	۲۰
۴. ناراحتی وجدان	۲۳
ب) آسیب‌های اجتماعی	۲۴
۱. عدم شناخت معیارهای ازدواج	۲۴
۲. کاهش ازدواج	۲۶
۳. خیانت به همسر آینده	۲۷
۴. اعتمادزدایی	۲۹
۵. طلاق	۳۰
سخن آخر	۳۱

۳۵بایستگی مهارت‌های شوهرداری پیش از ازدواج.....
۳۵اشاره.....
۳۶مهارت‌های زندگی.....
۳۶۱. مهارت‌های شناختی.....
۳۶- خودآگاهی.....
۳۷- آگاهی از تفاوت مرد و زن.....
۳۸- شناخت وظایف زن و مرد.....
۳۹۲. مهارت‌های عاطفی.....
۳۹- همدلی.....
۳۹- ابراز محبت.....
۴۰۳. مهارت‌های ارتباطی.....
۴۰- احترام متقابل.....
۴۱- بخشش و گذشت.....
۴۲- درک و فهم متقابل.....
۴۳- واکنش و حساسیت مناسب.....
۴۳۴. مهارت‌های رفتاری.....
۴۴۵. مهارت تصمیم‌گیری.....
۴۶۶. مهارت حل اختلافات.....
۴۹معیارهای گزینش همسر در آموزه‌های دینی.....
۴۹اشاره.....
۵۰معیارها و ملاک‌های ازدواج.....
۵۰۱. ایمان و تقوآمداری.....

۵۳ ۲. شرافت و اصالت خانوادگی
۵۶ ۳. اخلاق نیکو
۵۹ ۴. سلامت عقل
۶۱ ۵. زیبایی
۶۳ ۶. تناسب سنی و تحصیلی
۶۵ ۷. مصونیت از آلودگی شراب
۶۹ بررسی روابط عروس و مادرشوهر
۶۹ اشاره
۷۰ علل اختلاف عروس و مادرشوهر
۷۰ ۱. پیش‌داوری
۷۱ ۲. اختلاف دو نسل
۷۱ ۳. ترس از کم‌رنگ شدن موقعیت
۷۲ ۴. نیاز به احترام و اثبات هویت
۷۲ ۵. حمایت‌های افراطی
۷۲ راه حل‌ها
۷۳ ۱. اصلاح نگرش
۷۳ ۲. شناخت
۷۴ ۳. احترام متقابل
۷۶ ۴. اظهار محبت
۷۸ ۵. مدارا
۷۹ ۶. تعافل

۷. عفو و گذشت ۸۰
۷. استفاده از مهارت‌های خاص ۸۱
- رفتارشناسی زن در برابر همسر..... ۸۵**
- اشاره ۸۵
۱. شناخت شوهر..... ۸۵
۲. آراستگی ۸۶
۳. تأمین نیاز جنسی..... ۸۸
۴. محبت ۹۰
۵. احترام..... ۹۱
۶. مدیریت‌پذیری ۹۲
۷. ارتباط کلامی ۹۳
۸. عذرپذیری ۹۴
۹. روحیه‌دادن به شوهر ۹۵
۱۰. سامان‌بخشی در امور خانه ۹۶
۱۱. کسب اجازه برای تصرف در اموال شوهر ۹۶
۱۲. سپاسگزاری ۹۷
۱۳. قناعت ۹۷
۱۴. اخلاق‌مداری..... ۹۸
- وظیفه زن در تعامل جنسی..... ۱۰۱**
- اشاره ۱۰۱
- مقدمه ۱۰۱

مرحله اول: فراهم نمودن مقدمات رابطه جنسی.....	۱۰۴
۱. نشاط.....	۱۰۴
۲. بهداشت و نظافت.....	۱۰۴
۳. لباس.....	۱۰۵
۴. زیور.....	۱۰۶
۵. بوی خوش.....	۱۰۷
۶. آرایش.....	۱۰۷
۷. محیط مناسب.....	۱۰۸
مرحله دوم: پاسخگویی به نیاز شوهر.....	۱۱۰
۱. اجابت.....	۱۱۰
۲. عَرَضه.....	۱۱۱
۳. مشارکت فعال.....	۱۱۲
مادر، تجلیگاه صفات الهی.....	۱۱۵
اشاره.....	۱۱۵
گرامیداشت مادر از نگاه دین.....	۱۱۶
قابلیت زادوولد.....	۱۱۷
مربی بودن.....	۱۱۸
شیر مادر، بهترین غذا.....	۱۱۹
توجه به سلامت جسمانی.....	۱۲۰
اهتمام به سلامت روحی و روانی.....	۱۲۱
جلوه رأفت و رحمت.....	۱۲۳

- جلوه آمرزش الهی ۱۲۴
- ملجأ و پناهگاه ۱۲۵
- جمع بندی ۱۲۶
- رقابت های ناسالم زنان** ۱۲۷
- اشاره ۱۲۷
- اهمیت و مفهوم شناسی ۱۲۷
- ریشه ها و علل چشم و هم چشمی ۱۲۹
۱. علل اجتماعی و فرهنگی ۱۲۹
۲. عوامل تربیتی، خانوادگی و فردی ۱۳۱
- محرومیت های دوران کودکی ۱۳۱
- سرایت چشم و هم چشمی از والدین به فرزندان ۱۳۱
- بی توجهی والدین به مسائل تربیتی ۱۳۱
- احساس حقارت و خودکم بینی ۱۳۲
- ابعاد چشم و هم چشمی ۱۳۲
۱. ازدواج ۱۳۲
۲. جراحی زیبایی ۱۳۳
۳. پوشش و آرایش ۱۳۳
۴. نوع پذیری در مهمانی ها ۱۳۴
۵. سایر جلوه های چشم و هم چشمی ۱۳۴
- پیامدها و آسیب های چشم و هم چشمی ۱۳۵
۱. آسیب های فردی ۱۳۵

۲. آسیب‌های خانوادگی ۱۳۵
- مقروض بودن خانواده ۱۳۵
- اختلاف‌های زناشویی ۱۳۶
- احتمال افزایش خیانت مرد به همسر ۱۳۶
۳. پیامدهای اجتماعی ۱۳۶
- افزایش آمار طلاق ۱۳۶
- بی‌توجهی به نیازمندان جامعه ۱۳۷
- سایر ناهنجاری‌های اجتماعی ۱۳۷
- راهکارها ۱۳۷
۱. تقویت روحیه قناعت و شکرگزاری ۱۳۷
۲. مقایسه خود با افراد فرودست در امور مادی ۱۳۸
۳. توجه به آسیب‌های دینی و اخروی حسادت ۱۳۸
۴. مدیریت معاشرت‌ها ۱۳۸
۵. مجهز شدن مردان به مهارت‌های مهرورزی ۱۳۹
۶. افزایش علاقه به مطالعه ۱۳۹
۷. توجه رسانه‌ها به محتوا ۱۳۹
- سخن پایانی ۱۴۰
- آسیب‌شناسی شبکه‌های ماهواره‌ای ۱۴۱**
- اشاره ۱۴۱
- انواع برنامه‌های ماهواره و آسیب‌های اجتماعی آن ۱۴۲
- زیان‌ها و پیامدهای منفی ماهواره ۱۴۴

۱. بی‌خوبستن شدگی مخاطبان ۱۴۴
۲. اشاعه فساد و برهنگی ۱۴۵
۳. ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی ۱۴۸
۴. گسترش ناهنجاری‌ها ۱۵۰
۵. تزلزل جایگاه زنان ۱۵۱
۶. ایجاد روحیه تنوع‌طلبی جنسی ۱۵۲
۷. تزلزل بنیان خانواده ۱۵۳
- راهکارها و پیشنهادات ۱۵۴
- ارائه راهکارها و پیشنهاداتی به خانواده ۱۵۶

احکام ویژه بانوان ۱۵۷

- اشاره ۱۵۷
- جنابت ۱۵۸
- حیض ۱۶۱
- استحاضه ۱۶۲
- یائسه ۱۶۷
- نماز جماعت ۱۶۸
- روزه ۱۶۹
- خمس جهیزیه ۱۷۱
- تلقیح ۱۷۴
- رقص ۱۷۵
- آلات موسیقی ۱۷۷

۱۸۰	کاشتن ناخن
۱۸۰	زینت
۱۸۱	سُرمه
۱۸۲	تاتوی ابرو و خالکوبی
۱۸۳	پوشش
۱۸۶	تفقه
۱۸۷	تصرف در اموال شوهر
۱۸۸	کتابنامه
۱۸۸	کتاب:
۱۹۷	مجلات:
۱۹۸	روزنامه:
۱۹۹	پایگاه اینترنتی:
۲۰۰	منابع انگلیسی:

سخن نخست

تاریخ بشری گواه است که زنان در پیشبرد علم و فرهنگ در میان اقوام و ملل گوناگون نقش سازنده‌ای داشته‌اند. اگر جایگاه و منزلت زن به‌درستی شناخته شود و خود او نیز کرامت انسانی و شرافت الهی خویش را بازیابد، بر کارآمدی و ثمربخشی این ودیعه الهی افزون می‌گردد و جامعه انسانی از برکات و نتایج انسان‌ساز آن بهره‌مند خواهد شد؛ چه اینکه زن، مربی و هدایتگر جامعه به سوی ارزش‌هاست و تأثیر ژرفی در سازندگی و بالندگی آحاد اجتماع و شکوفایی استعدادهای نهفته آنان دارد.

در همین راستا، آموزه‌های اسلام، میانه‌روترین و والاترین حقوق و وظایف را برای زنان مطرح کرده و از هر گونه افراط و تفریطی مبرا است و در عمل، توانایی حل مؤثر بسیاری از مشکلات جامعه انسانی را دارا می‌باشد.

اثر پیش رو، تحت عنوان «ره‌توشه خواهران» که نخستین بار از سوی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم منتشر می‌شود، گام نوینی است در راستای احیای فرهنگ اصیل اسلامی در حوزه مسائل مربوط به زنان که با ارائه مقالاتی چند، دست‌مایه‌های دینی و راهکارهای آموزنده و مفیدی را در این زمینه عرضه نموده است. معرفی سبک زندگی اسلامی، تحکیم نهاد مقدس خانواده، ترویج

طهارت جامعه از انحراف‌های اخلاقی و آسیب‌های روانی و نیز تبیین راه و روش درست و سالم زندگی برای بانوان گرامی، از جمله مزایای این اثر به شمار می‌رود. این مجموعه، ضمن اشاره به مقام و منزلت مادر در نظام خلقت الهی، مطالب کاربردی و ارزنده‌ای را در زمینه‌های فردی و اجتماعی در معرض استفاده مبلغان ارجمند قرار می‌دهد و احکام و معارف ارائه‌شده در آن، خاصه برای بانوان محترم، بسیار راهگشاست و ایشان را با چگونگی رفتار و تعامل سازنده با همسر و فرزندان، آشنا می‌سازد.

گفتنی است، با توجه به ویژگی‌های خاص این اثر و اختصاصی بودن برخی مطالب عرضه‌شده در این مقالات برای بانوان، مبلغان عزیز باید هنگام ارائه مطالب، شرایط زمانی و مکانی و نیز سطح سنی مخاطبان خویش را مورد دقت و توجه لازم قرار دهند.

همچنین، از مبلغان محترم انتظار می‌رود، ما را از نظرات سازنده خویش مطلع نمایند تا به توفیق الهی و مساعدت همگان، بر کیفیت و کارآمدی مجموعه‌های بعدی افزوده شود.

در پایان، ضمن تشکر از نویسندگان گرامی این اثر، از تمام کسانی که در آماده‌سازی و سامان‌دهی کتاب حاضر صادقانه تلاش نمودند، به‌ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع فرهنگی و تبلیغی، سپاسگزاری می‌نمایم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

آسیب‌های فردی و اجتماعی روابط دختر و پسر

حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌رضا انصاری

اشاره

پژوهش درباره موضوع روابط دختر و پسر، از بایسته‌های جامعه‌های ماست؛ زیرا امروزه این امر به بحران اخلاقی و اجتماعی تبدیل شده است. اگرچه نمی‌توان آمار دقیقی از میزان این رابطه ارائه نمود، اما برخی گزارش‌ها حاکی از آمار بالای این نوع روابط است.^۱ این، همان هنجارشکنی است که زیربنای جامعه، یعنی نهاد مقدس خانواده^۲ را به طور جدی تهدید می‌نماید.

متأسفانه، روابط دختر و پسر، تمایل جوانان به ازدواج را کاهش داده و نظام برخی خانواده‌ها را متزلزل کرده، از این‌رو، بایسته است که از دو منظر روان‌شناسانه^۳ و جامعه‌شناسانه^۴ به این امر بپردازیم.

مقصود از روابط دختر و پسر، روابط مخفیانه و خارج از چارچوب قانون و

۱. ر.ک: پایگاه اینترنتی تابناک: www.tabnak.ir/fa/news.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲. رسول اکرم ﷺ فرمود: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ در اسلام بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خدا ساخته نشده است.»

3. Sociological.

4. Psychological.

شرع است که با بافت فرهنگی ما همسویی ندارد. البته روابط دختر و پسر، ابعادی گسترده دارد که نوشتار پیش رو، تنها برخی آسیب‌های فردی و اجتماعی آن را بیان می‌نماید.

الف) آسیب‌های فردی

مقصود از آسیب‌های فردی روابط دختر و پسر، آن است که این امر سبب زیان‌هایی مانند افسردگی و افت تحصیلی می‌شود. در اینجا به برخی از این نوع آسیب‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. اضطراب و افسردگی

موفقیت جوانان در عرصه‌های مختلف زندگی، در سایه آرامش شکل می‌گیرد؛ اما استرس و اضطراب، آنان را از فتح قله‌های رفیع زندگی باز می‌دارد. اگرچه ممکن است روابط دختر و پسر با لذت توأم باشد، اما این امر زودگذر بوده، سرانجام به استرس و اضطراب منجر می‌شود؛ زیرا چنین ارتباطی، خلاف شرع و سنت جامعه دینی است و دختر و پسر، همیشه نگران فاش شدن این رابطه هستند. از سوی دیگر، دختر و پسر از بی‌وفایی و خیانت طرف مقابل نیز نگران‌اند؛ چون این پیوندها بیشتر وقت‌ها به ازدواج نمی‌انجامد و باعث یأس فرد گردیده، بیش از همه، موجبات افسردگی دختر را فراهم می‌کند؛ چراکه به دوست بی‌وفای خویش دل بسته و اینک درد جدایی و چشیدن طعم نامردی، روان او را آزار می‌دهد. افزون بر آن، این پیوندها آسیب‌هایی مانند باج‌گیری را در پی دارد که اضطراب آنها، به‌ویژه دختر را به شدت رنج می‌دهد.

اینک به نمونه‌های زیر توجه شود:

۱. پسر، دوست دخترش را تهدید می‌کند که کلیه‌ات را بفروش و پولش را به من بده تا فیلمت را در اینترنت منتشر نکنم. پسر جوان، پس از رابطه دوستی

با دختران، با طعمه‌های خود ارتباط جنسی برقرار می‌کرد و از این عمل مخفیانه، فیلم تهیه نموده، آنها را تهدید به انتشار فیلم مذکور می‌کرد و این گونه، مبالغی را از دختران اخاذی می‌نمود.^۱

۲. خانم دکتری می‌گوید: با بیمار تحت درمان خود به نام «م» حدود چهار سال رابطه داشتم؛ ولی اوایل امسال بود که به عقد مردی از بستگانمان درآمد و رابطه‌ام را به پایان رساندم؛ اما «م» به رابطه پایان نداد و شروع به اخاذی و مزاحمت برای بنده نمود.^۲

۳. پسر جوانی، پس از مواجه شدن با مخالفت والدین دوست دخترش، برای ادامه ارتباط و انجام ازدواج، با پاشیدن اسید روی دختر، زندگی زیبایی او را لگدمال کرد.^۳

۲. خودکشی و قتل

اگرچه همه روابط دختران و پسران به خودکشی یا قتل منجر نمی‌شود، اما در برخی موارد، این امور اتفاق می‌افتد؛ زیرا چنین روابطی، بین آنان وابستگی شدیدی ایجاد می‌نماید. از این رو، جدایی همدیگر را بر نمی‌تابند. افزون بر آن، به دلیل اینکه بیشتر این روابط به ازدواج نمی‌انجامد، پسر، ازدواج دوست دختر با کسی دیگر را تحمل ننموده، در صدد انتقام برمی‌آید. همچنین، برخی پسران، بعد از مدتی از دوست دختر خود جدا شده، دل به دلبری دیگری می‌دهند که این امر، تنفر دختر از او و شکست وی را در پی دارد. بنابراین، گاهی دختر دست به خودکشی می‌زند.

۱. روزنامه خراسان، صفحه حوادث، دوشنبه ۵ خرداد ۱۳۹۳.

۲. باشگاه خبرنگاران، سوم خرداد ۹۳، کد خبر: ۴۸۴۹۷۲۸.

۳. ر.ک: پایگاه اینترنتی تبیان: www.tebyan.net، مقاله «تأملی بر روابط دختر و پسر در

دخترخانم هفده ساله‌ای می‌نویسد: «در زندگی شکست خورده‌ام و دیگر چاره‌ای جز خودکشی ندارم؛ چون دیگر حاضر نیستم بعد از این کار، مهر هیچ پسری را در دل جای دهم و همیشه در خود فرو رفته‌ام و از همه کس متنفرم. به هیچ یک از آنها اطمینان ندارم و همه آنها بی‌معنا هستند.»^۱

دختر جوانی، بعد از مطمئن شدن از اینکه دوست پسرش با دختر دیگری طرح دوستی ریخته، در پی تعقیب وی برآمد و آنان را در پارکی در حال قدم‌زدن دید. وقتی به خانه بازگشت، در اطافش را قفل نمود و با گاز شهری خود کشی کرد.^۲

دختر ۲۵ ساله‌ای که عاشق مردی شده بود، به قتل فجیع همسر باردار وی اعتراف کرد. دختر جوان در این باره به قاضی می‌گوید: «عاشق «ح» (همسر مقتول) بودم و او را خیلی دوست داشتم؛ ولی او همواره به من دروغ می‌گفت که می‌خواهد با من ازدواج کند. من به قصد قتل همسر باردارش به منزل او رفتم، فقط می‌خواستم زندگی آنها را با گفتن حقیقت ماجرا خراب کنم؛ چراکه خانواده‌ام از ماجرای رابطه من و «ح» خبر داشتند و آبرویم رفته بود؛ ولی با یکدیگر درگیر شدیم که من او را کشتم و طلاهایش را نیز سرقت کردم.»^۳

۳. اُفت تحصیلی

یکی از بارزترین آسیب‌های روابط دختر و پسر، شکست تحصیلی آنان است. با توجه به ماهیت و مکانیسم یادگیری، هر فراگیر باید به طور مستمر در جهت هرچه غنی‌تر ساختن دانش در تمامی دروس و یادگیری‌ها تلاش کند. مسلم است که دستیابی به آن، تنها با داشتن بهره‌مندی از فکری فعال و تمرکز ذهن، ممکن می‌شود. در این مسیر، گرایش به جنس مخالف، یکی از عوامل مختل‌کننده تمرکز حواس

۱. علی اصغر احمدی، تحلیل تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، ص ۱۲۳.

۲. ر.ک: پایگاه اینترنتی عصر ایران: www.asriran.com

۳. روزنامه خراسان، چهارشنبه ۹۳/۳/۷، شماره انتشار ۱۸۶۹۷.

دانش‌آموزان و دانشجویان است. اگر برخی ادعا می‌کنند که این روابط، مشکلی ایجاد نمی‌کند، خلاف داده‌های روان‌شناسی است؛ زیرا نتیجه تحقیقات و مطالعات، بیانگر ایجاد تزلزل در تحصیل چنین افرادی است. آسیب در برخی موارد به ترک تحصیل و گوشه‌گیری نیز می‌انجامد.^۱ شاید بر این اساس باشد که برخی متصدیان امور علمی مدارس و دانشگاه‌ها توصیه می‌کنند که ایام عقد و نامزدی جوانان، در بجهت تحصیلات نباشد.

اگر پسر و دختری در محیط جداگانه‌ای تحصیل کنند، بهتر درس می‌خوانند یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر باشد؟ مطالعات دانشمندان تربیتی نشان داده: در مدرسی که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، عقب‌افتادگی و عدم مسئولیت دیده شده است.^۲ در پژوهشی که چند تن از دانشجویان علوم پزشکی اصفهان انجام دادند، از بین ۴۹۴ نفر از دانشجویان، ۹۰ درصد آنها علت اصلی گسترش فشار اخلاقی و انحرافات را اختلاط نامشروع زن و مرد عنوان کرده‌اند.^۳

فوکویاما، متفکر آمریکایی می‌گوید: دانش‌آموزان آمریکایی شرکت‌کننده در المپیادهای جهانی، در مقایسه با کشورهای صنعتی دیگر، نازل‌ترین رتبه را داشته‌اند؛^۴ زیرا این کشور، از جمله کشورهایی است که دختران و پسران آن، بیشترین روابط آزادانه را دارند. دانشجویی که عاشق استاد خود شده بود، یادآور می‌شود که ارتباط، مانع تحصیل من شده است؛ چون همیشه به یاد استاد هستم و درس نمی‌خوانم.^۵

۱. شهلا خطیبی، مجله پیوند، ش ۳۰۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۵.

۳. محمود اکبری، دختران و پسران؛ پندها و هشدارها، ص ۱۴۵-۱۴۶.

۴. نشریه پگاه، ش ۲۲، ص ۸.

۵. محمدرضا احمدی، روابط دختر و پسر، ص ۷۶.

گفتنی است که ازدواج‌های قانونی که در محیط برخی دانشگاه‌ها و در ایام تحصیل صورت می‌گیرد، با روابط خارج از چارچوب قانون و شرع، متفاوت است.

روابط دختر و پسر، نه تنها سبب اُفت تحصیلی می‌شود که گاهی ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی در محیط درس را نیز در پی دارد. نشریه آمریکایی «ریدرز دایجست» در سپتامبر ۱۹۹۶م در گزارشی درباره دخترانی که عموماً در مدارس مختلط درس خوانده و ناخواسته مادر شده و در کنار فرزندان خود زندگی دشواری را سپری می‌کنند، می‌نویسد:

«هرساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین ۱۵ - ۱۹ سالگی در دوره دبیرستان، فرزندان غیرقانونی خود را به دنیا می‌آورند که این آمار، در دهه‌های اخیر در حال افزایش است. این دختران که با رؤیاهایی مانند ازدواج با دوستِ پسر خود و اتمام تحصیلات و شروع یک زندگی ایده‌آل، به این گونه ارتباطات روی آورده‌اند، بسیار زود پرده‌های سراب‌گونه این اوهام از پیش رویشان کنار رفته، واقعیت زندگی، چهره خود را می‌نمایاند.»^۱

این روزنامه در ادامه، علت بروز ناهنجاری‌های جنسی را روابط آزاد دختر و پسر در مدارس دانسته، طی گفت‌وگویی با تعدادی از این دختران، به نقل از یکی از آنان می‌نویسد:

«ای کاش زمان به عقب برمی‌گشت! ای کاش به عنوان عضوی از خانواده در میان والدینم جای داشتم. ای کاش هنگامی که زمینه‌های ایجاد یک ارتباط نامشروع برایم فراهم شده بود، کمی هم به زندگی آینده‌ام می‌اندیشیدم و این گونه به پایان خط نمی‌رسیدم.»^۲

۱. فصلنامه کتاب نقد، ش ۳۱، ص ۸۴.

۲. میر احمدرضا حاجتی، عصر امام خمینی علیه‌السلام، ص ۳۰۴.

۴. ناراحتی وجدان

یکی از ویژگی‌های دوران جوانی و نوجوانی، بیداری وجدان اخلاقی است؛ چه اینکه طبق آیه: «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»،^۱ انسان وقتی به سوی امور ضد ارزشی می‌رود، وجدان بیدارش او را سرزنش کرده، دردی درون او ایجاد می‌نماید؛ همان‌گونه‌که علی علیه السلام فرمود: «لَا وَجَعَ أَوْجَعُ لِلْقُلُوبِ مِنَ الذُّنُوبِ»^۲ هیچ دردی برای قلب‌ها، بدتر از گناه نیست.» حال اگر کسی به علت عدم آگاهی و غفلت در دوره جوانی، مرتکب چنین رفتاری شد، مدت‌زمانی نمی‌گذرد که به خود می‌آید و دچار پشیمانی شده، احساس گناه می‌کند و همین امر، منشأ بسیاری از ناگواری‌های روحی و روانی می‌شود. البته تجدیدنظر نسبت به اعمال غیر مشروع گذشته و پشیمان شدن از آنها، امری ضروری است اما آنچه به عنوان یک پیامد منفی از آن یاد می‌شود، ناامید شدیدی است که بر فضای فکری فرد حاکم شده، دیگر توان خارج شدن از آن را در خود نمی‌بیند.^۳

در این میان، به جوانان توصیه می‌شود که از زمینه‌های روابط ناسالم، مانند نگاه به نامحرم پرهیز نمایند و در گفتار و رفتارشان خدا را در نظر داشته باشند. از این رو، قرآن به لزوم چشم‌فرو بستن از نامحرم تصریح کرده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»^۴ به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند... و به زنان با

۱. قیامت، آیه ۲: «و سوگند یاد می‌کنم به نفس [و وجدان بیدار] سرزنش‌گر [که رستاخیز حق است].»

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۳. محمدرضا احمدی، روابط دختر و پسر، ص ۳۲-۳۳.

۴. نور، آیه ۳۰-۳۱.

ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند.»
پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ
أَعْطَاهُ إِيَّانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ؛^۱ نگاه، تیری مسموم از تیرهای شیطان است. هرکس
به سبب خوف الهی از نگاه خود پاسبانی کند، خدا ایمانی را در قلب او قرار
می‌دهد که شیرینی آن را احساس کند.»
این نظر از دور چون تیر است و سم عشقت افزون می‌شود صبر تو کم^۲

ب) آسیب‌های اجتماعی

مقصود از آسیب‌های اجتماعی، آن است که روابط دختر و پسر در بروز مسائلی
مانند: ناهنجاری‌های اجتماعی، تزلزل نظام خانوادگی و کاهش ازدواج،
نقش آفرینی می‌نماید. برخی از این آسیب‌ها عبارت‌اند:

۱. عدم شناخت معیارهای ازدواج

روابط دختر و پسر با بهانه‌هایی مانند تأمین نیاز عاطفی و ازدواج انجام
می‌گیرد؛ یعنی بیشتر موارد، تقاضای رابطه از طرف پسر، با بهانه ازدواج مطرح
می‌شود؛ زیرا این امر، پوششی به ظاهر منطقی است که فرد، به این وسیله
می‌تواند با جنس مخالف ارتباط برقرار کند؛ اما متأسفانه برخی با این ترفند، در
پی به دام انداختن افراد ساده‌لوح و خوش‌بین هستند و در واقع، این افراد، طرف
مقابل را قربانی غریزه جنسی خویش می‌کنند؛ البته برخی تصور می‌نمایند که
روابط دختر و پسر، گزینه خوبی برای شناخت دختر و پسر جهت ازدواج
است؛ چون این دو با روند و فرایند زندگی همدیگر بیشتر آشنا می‌شوند؛ حال
آنکه این امر، نه تنها سبب شناخت واقع‌بینانه نمی‌گردد، بلکه در بیشتر موارد
مانع آن می‌شود؛ زیرا روح حاکم بر این گونه دوستی‌ها، عشق‌ورزی کورکورانه

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۸.

۲. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیت ۶۴۶.

است و نه خردورزی. آری، پای عقل در میدان عاشقی، لنگ است.

عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود، عاقبت ننگی بود

علی علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ الشَّيْءِ يَمِيزُ وَيَصِمُّ»^۱ دوست داشتن چیزی، انسان را کور و کر می‌کند. «تصمیم‌گیری درست و معقول در ازدواج، تنها با تکیه بر عقلانیت و تحقیق ممکن است. دوستی‌های پیش از گزینش همسر، راه عقل را می‌بندد و اجازه نمی‌دهد تصمیم پیراسته از اشتباه گرفته شود. ازاین‌رو، این نوع انتخاب‌ها، زندگی مشترک را تلخ نموده، آینده را تیره‌وتار می‌سازد. از سوی دیگر، بیشتر دختران و پسران در این گونه روابط، واقعیت‌های زندگی را به هم نمی‌گویند؛ زیرا تصور می‌نمایند که این امر ممکن است به جدایی آنان منجر گردد. افزون بر آن، بیشتر دختران و پسران در این پیوند، در صدد ازدواج نیستند تا معیارهای انتخاب همسر آینده خود را رصد کنند.

یکی از کارشناسان می‌گوید: جوانانی که یگدیگر را در پارک‌ها و خیابان‌ها می‌یابند، یا از طریق تماس‌های تلفنی به همدیگر علاقه‌مند می‌شوند، اصولاً مبنا و اساس علاقه‌مندی خود را بر نگاه‌های اولیه پایه‌گذاری می‌کنند و این دوستی، قاعدتاً پس از مدت‌زمانی به تحلیل می‌رود. ازاین‌رو، می‌بینیم که اغلب چنین ازدواج‌هایی، حتی بعد از مدت‌زمان کوتاهی، به طلاق می‌انجامد.^۲ این، در حالی است که در اسلام به معیارهای ازدواج، مانند: تقوا، دین‌داری و اصالت خانوادگی توجه خاص شده است. این مطلب نشان می‌دهد که ازدواج باید با نهایت دقت و خردورزی انجام شود.

نتایج یک تحقیق انجام‌شده از سوی انجمن مددکاری علمی ایران نشان می‌دهد که تنها ده درصد از ارتباطات پیش از ازدواج در میان دختران و پسران، به ازدواج منجر می‌شود و در نود درصد باقی، این ارتباطات قطع خواهد شد.

۱. محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. روزنامه مردم‌سالاری، ش ۲۷۱۰، مورخه ۱۳۹۰/۵/۲۷.

نتایج برآمده از یک تحقیق که در پنج استان بزرگ کشور و از بین سی هزار نفر نمونه انجام گرفته، نشان می‌دهد که از بین همه این افراد، تنها ده درصد با دوست خود ازدواج کرده‌اند و بقیه ارتباطها، با گذشت زمان به جدایی ختم شده است.^۱

۲. کاهش ازدواج

داده‌های آماری نشان می‌دهد که رغبت جوانان به ازدواج کم گردیده و تأخیر در آن، در حال تبدیل شدن به امتیاز اجتماعی است. مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور گفت: کل جمعیت جوانان هرگز ازدواج نکرده - اعم از تحصیل کرده و بدون تحصیلات عالی - بر اساس آخرین سرشماری، یازده میلیون و ۲۴۰ هزار تن هستند که پنج میلیون و ۵۷۰ هزار تن از این جوانان را مردان، و پنج میلیون و ۶۷۰ هزار تن را زنان تشکیل می‌دهند.^۲ توجه به بالارفتن سن ازدواج در کشور، زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که کاهش چهارساله بلوغ در دختران و تنزل سه‌ساله آن در پسران را، کنار هم قرار دهیم.

بر اساس برخی تحقیقات، سن بلوغ دختران از ۱۴ سال به ۱۰ سال، و سن بلوغ پسران از ۱۵ سال به ۱۲ سال کاهش یافته است. در حال حاضر، سن ازدواج در میان دختران، ۲۵ سال و در پسران، ۲۷ سال است. بر این مبنای، بین زمان رسیدن دختران و پسران به سن بلوغ، با زمان ازدواج آنها، ۱۵ سال فاصله است؛ در حالی که در گذشته، بلوغ دختران در ۱۲ تا ۱۴ سالگی رخ می‌داد و سن ازدواج در دختران، ۱۶ تا ۱۸ سال، و بلوغ در پسران در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال بود.^۳

۱. ر.ک: پایگاه اینترنتی میگنا: www.migna.ir/vdcaownu

۲. ر.ک: پایگاه اینترنتی ایرنا: www.irna.ir/fa/News/81482462.

۳. ر.ک: پایگاه اینترنتی جهان‌نیوز: www.jahannews.com

در کاهش ازدواج، عوامل متعددی تأثیر دارند؛ یکی از آنها، روابط آزاد دختر و پسر است. وقتی جوان دچار این گونه پیوند شود، تمایل به ازدواج ندارد؛ به عبارت ساده‌تر، اگر جوان بتواند در بازار آزاد نیاز جنسی خویش را تأمین کند، دیگر به ازدواج تن نمی‌دهد؛ زیرا یکی از عوامل مهم ازدواج، نیاز جنسی است. از این رو، جوانانی که دوست دختر و پسر ندارند، برای ازدواج لحظه‌شماری می‌نمایند. اساسی‌ترین راه برای نجات از این روابط، ازدواج است. ویل دورانت می‌نویسد: «اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سال‌های طبیعی انجام گیرد، بیماری‌های روانی و انحرافات جنسی تا نصف کاهش خواهد یافت.»^۱ اسلام نیز جوانان را به ازدواج زمان‌مند سفارش نموده؛ زیرا این امر، بهترین راه اشباع غریزه جنسی و عامل مهم بازدارندگی از روابط آزاد دختر و پسر است. رسول خدا ﷺ فرمود:

«إِنَّ الْأَبْكَارَ بِمَنْزِلَةِ النَّمْرِ عَلَى الشَّجَرِ إِذَا أُذْرِكَ نَمْرُهُ فَلَمْ يَجْتِنِي أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَتَرْتُهُ الرِّيحُ وَكَذَلِكَ الْأَبْكَارُ إِذَا أُذْرِكَ مَا يَدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ هُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ وَإِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفَسَادُ لِأَمْنِ بَشَرٍ»^۲ دختران بکر، مانند میوه درخت‌اند. موقعی که می‌رسد، اگر چیده نشود، شعاع آفتاب فاسدش می‌کند و وزش باد آن را پراکنده می‌سازد. همچنین دختران وقتی به حد بلوغ رسیدند و مانند زنان در خویشتن تمایل جنسی احساس کردند، داریویی جز شوهر ندارند و اگر همسر نگیرند، از فساد ایمن نیستند؛ چه آنکه بشرند و آدمی از خطا و لغزش مصون نیست.»

۳. خیانت به همسر آینده

در نظام خانواده، زن و شوهر حقوق شرعی و عرفی متقابل دارند و هرکدام باید

۱. مجله پیام زن، فروردین ۱۳۸۹، ش ۲۱۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

آنها را رعایت نمایند. یکی از حقوق، آن است که پیش از ازدواج، با جنس مخالف رابطه نداشته باشد و حال اینکه بیشتر دخترها و پسرهایی که با هم ارتباط دارند، با هم ازدواج نمی‌کنند و این، خیانتی به همسر آینده‌شان است؛ چراکه همه سرمایه‌های جسمی، روانی و معنوی دختران و پسران، از آن همسر آینده‌شان می‌باشد و حق ندارند برای افراد دیگری که از سر فریب با او دوست شده‌اند، این سرمایه را هزینه کنند؛ اما متأسفانه، برخی با ارتباط نامشروع با جنس مخالف، حق همسر آینده خویش را از بین می‌برند که این عمل، خیانت به وی محسوب می‌شود.

شاید بر همین اساس باشد که در روایات بر قداست خانواده، تقوا و تعهد زن و شوهر تأکید شده، این امر، با دو عنوان «امانت» و «تعهد دینی» مطرح گردیده است؛ یعنی اسلام دستور می‌دهد حتی در گزینش همسر، دیانت و تعهد بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار گیرد. امام حسن علیه السلام در پاسخ سؤال پدری که گفت: «دخترم را به کدام خواستگارش تزویج کنم؟ فرمود: به داماد با تقوا دهید؛ چه اینکه اگر دوست بدارد، محبت می‌کند و چنانچه دوست نداشته باشد، اذیت نمی‌کند.»^۱ همچنین امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: اگر «خواستگار» دارای تعهد دینی و اخلاقی بود، او را بپذیرید.^۲ نیز حضرت، بهترین شوهران را با ویژگی «تقوا» توأم با «پاکیزگی» معرفی نموده،^۳ بهترین همسر، از نظر حضرت کسی است که از نفوذ بیگانه در امان باشد.^۴

نمونه‌های زیر، نشان قداست‌زدایی خانواده و ناهنجاری ناشی از روابط

۱. حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۴ و ۲۲۲.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۶.

۳. ر.ک: همان، ص ۳۴.

۴. ر.ک: همان، ص ۲۹.

نامشروع را نشان می‌دهد:

طبق گزارشی که از طرف اداره تحقیقات اجتماعی آمریکا انتشار یافته، تعداد نوزادان غیرقانونی نسبت به ده سال گذشته، ۴۷ درصد افزایش یافته است. میزان کورتاژهای یک‌ساله ایالات متحده آمریکا، بالغ بر یک میلیون فقره است که پنجاه درصد آن، مربوط به دختران شوهر نکرده است.^۱

امروزه، زندگی بدون ازدواج، یکی از شیوه‌های رایج زندگی در غرب است. در سال ۱۹۹۴م، حدود هفت میلیون و سیصد هزار زوج آمریکایی، بدون ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کردند و نزدیک به اواخر دهه ۱۹۹۰م، حداقل پنجاه تا شصت درصد زوج‌ها، پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر می‌گذراندند.^۲

۴. اعتمادزدایی

یکی از عوامل مهم پایداری خانواده، اعتمادسازی است؛ یعنی زن و شوهر باید به همدیگر اعتماد داشته باشند و از عوامل بدگمانی پرهیز نمایند. از این رو، اسلام از بدگمانی زن و شوهر نسبت به یکدیگر نهی کرده است.^۳ از جمله آسیب‌های مهم روابط دختر و پسر، بدبینی و اعتمادزدایی است؛ زیرا این گونه روابط، اگر به ازدواج بینجامد، پس از مدتی جوّ بدبینی را به دنبال خواهد داشت؛ پسر تصور می‌کند که این دختر وقتی به راحتی با من پیوند نامشروع برقرار کرد، از کجا معلوم که پیش از ارتباط با من، با فرد دیگری طرح دوستی نریخته باشد! از کجا که در آینده با اینکه همسر من است، با دیگری ارتباط

۱. محسن عباسی ولدی، بشقاب‌های سفره پشت بامان، ص ۴۴.

۲. پایگاه خبری تحلیلی سیر نیوز: www.seirnews.com

۳. حجرات، آیه ۱۲.

برقرار نکند! دختر نیز همین تصور را نسبت به پسر دارد.

بر اساس یک یافته پژوهشی در آمریکا، زوج‌هایی که پیش از ازدواج، با یکدیگر زندگی می‌کنند، زندگی زناشویی آنها با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست و منجر به طلاق می‌شود. به گزارش ایسنا، دکتر کاترین کوهان، استاد دانشگاه ایالت پنسیلوانیا گفت: طبق آخرین تحقیقات، افرادی که پیش از ازدواج، با یکدیگر رابطه داشته‌اند، پس از ازدواج، در حل مشکلات خود عاجزند؛ چراکه نسبت به یکدیگر بسیار بدبین هستند.

کوهان می‌گوید: طبیعت ارتباطات آزاد، این است که زوجین چندان انگیزه‌ای برای حل درگیری‌ها و حمایت از مهارت‌های خود ندارند. وی می‌افزاید: به نظر می‌رسد، ارتباطات این افراد، زودتر از افرادی که با یکدیگر دوست نبوده‌اند، سرد می‌شود و به طلاق می‌انجامد.

وی در پایان اظهار می‌دارد: می‌توانم بگویم، رابطه پیش از ازدواج، به‌هیچ‌وجه سبب دوام زندگی زناشویی نمی‌شود.^۱

۵. طلاق

خانواده، رکن اساسی هر جامعه و نقطه آغاز سازندگی در هر کشوری به شمار می‌رود. چنانچه این بنا از استحکام برخوردار باشد، چشم‌اندازهای روشنی در افق پیشرفت اجتماع نمود پیدا می‌کند؛ اما گاهی ستون فقرات این بنای الهی سست شده، سرانجام فرو می‌ریزد. در فروریزی، عوامل متعددی نقش آفرینی می‌نمایند که یکی از آنها، روابط دختر و پسر است.

با توجه به شواهد آماری، مشخص شده که بیشتر ازدواج‌های متکی بر احساسات و جذابیت‌های ظاهری، به طلاق منتهی می‌شود؛ زیرا معیارهای

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۶۵۷۱، مورخه ۱۳۸۰/۱۱/۲۹، ص ۵.

عقلی و دینی، در آنها لحاظ نشده است. طبق برخی آمار، ۷۶ درصد طلاق‌های زیر سه سال زندگی، و ۸۹ درصد کل طلاق‌ها، از آن کسانی است که خود، بانی آشنایی شده و با وجود مخالفت خانواده، بر ادامه آن پافشارده‌اند؛ به عبارت دیگر، حتی روابطی که در نهایت به تشکیل خانواده منجر می‌شود، با آسیب‌هایی مانند: سوء ظن نسبت به همسر، اضطراب، تنوع طلبی جنسی و لغزیدن در فساد، همراه است. با توجه به آمار گزارش شده از کشورهای غربی، به حداقل رسیدن ازدواج‌ها و افزایش طلاق‌ها، بسیار درخور توجه‌اند؛ چراکه همه موارد مزبور، به سستی بنیان خانواده می‌انجامند.^۱

سخن آخر

اگرچه عوارض برقراری ارتباط دختر و پسر، گریبان هر دوی آنها را می‌گیرد، اما بر اساس همه شواهد، دختران در این زمینه آسیب‌پذیرترند^۲ و نخستین قربانی، دختران می‌باشند. از این رو، دختران نباید به این رابطه تن دهند؛ چون پس از آنکه خوشی‌های خیابانی و تلفنی به سرعت به پایان رسید، زمستانی سرد و پُر درد و حسرت‌زا فرا می‌رسد. از همه مهم‌تر اینکه ارزش دختر مسلمان به پارسایی و دیانت اوست^۳ و مقام انسان، با بی‌عفتی همسویی ندارد؛ چنان‌که قرآن همگان را به پاکدامنی فرا خوانده و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ يُقْرُونَ هُمْ حَافِظُونَ»^۴. امام علی علیه السلام فرمود: «أَهْلُ الْعَفَافِ أَشْرَفُ الْأَشْرَافِ»^۵ پاکدامنان، بالاترین شرافت‌ها را دارند.»

۱. فصلنامه اخلاق، ش ۱۶.

۲. علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، ص ۷.

۳. مجله طوبی، اسفند ۱۳۸۴، ش ۳، ص ۱۳۴.

۴. مؤمنون، آیه ۵: «مؤمنان پاکدامن‌اند.»

۵. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۱۲۵.

آیت الله ابراهیم امینی در این باره می‌نگارد:

«جوانان، به‌ویژه دختران، باید بدین نکته مهم توجه نمایند که همه پسران صلاحیت اخلاقی و صداقت کامل ندارند که بتوان بدان‌ها اعتماد کرد. چه بسا جوانان شیاد و فریب‌کاری که به بهانه ازدواج، دختر پاک‌دامن و ساده‌لوحی را به دام می‌اندازند و به وادی‌های فساد می‌کشند. دختران باید هوشیار باشند و فریب این شیادان هوسباز را نخورند. بنابراین، همسریابی‌های خیابانی یا در پارک‌ها و سینماها، یا به وسیله نامه‌نگاری یا تماس‌های تلفنی یا اینترنتی را به صلاح و مصلحت جوانان و به‌ویژه دختران نمی‌دانم.»^۱

دختر زیبای من از صحبت مردان بترس	زانکه اغلب رند و شیادند، از آنان بترس
مرد چون صیاد ماهر هر دلی آرد به دام	هوش دار از دام عشق این ستمکاران بترس
نوگل نشگفته گلزار عشق و زندگی	از فریب بلبل شیدای خوش‌الحان بترس
بحر افسون و فریب مرد ساحل کجاست	تا نگردي غرق در دریای بی‌پایان بترس
عاشق دل‌داده شیدا سر و پا حيله است	زین بلای جان و از این رهن ایمان بترس ^۲

اگر اسلام با روابط غیر مشروع دختر و پسر مخالف است، به دلیل پیامدهای زیان‌بار این رابطه است. از نظر اسلام، جوانان آینده‌سازان جامعه محسوب شده، نظام مدیریتی و اقتصادی کشور به دست توانمند آنان می‌چرخد. خانواده موفق نیز در سایه رعایت چارچوب شرع و عقل، تشکیل و حفظ می‌گردد. به‌یقین، روابط دختر و پسر، با تشکیل خانواده مطلوب و نقش‌آفرینی جوانان در جامعه آرمانی، همسویی ندارد.

در خصوص موضوع این نوشتار، به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

۱. احمدی، علی‌اصغر، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران؛

۱. ابراهیم امینی، جوان و همسرگزینی، ص ۱۲۱.

۲. محمود اکبری، دختران؛ پندها و هشدارها، ص ۷۲.

۲. محمدی‌نیا، اسدالله، بهشت جوانان؛
۳. احمدی، محمدرضا، روابط دختر و پسر؛
۵. رضایی، محمدعلی، روابط دختر و پسر؛
۶. غلامی، یوسف، روابط دختر و پسر؛
۷. مقیمی، ابوالقاسم، جوانان و روابط؛
۸. اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده؛
۹. شجاعی، محمد، درّ و صدف؛
۱۰. ذکایی، محمدسعید، جامعه‌شناسی جوانان ایران.

بایستگی مهارت‌های شوهرداری پیش از ازدواج

سیده طاهره موسوی

اشاره

یکی از عوامل مهم آسیب‌پذیری ازدواج‌ها، نبود مهارت‌های کافی در همسران است که موجب تنش و رنجش می‌شود و نیز خطری جدی برای دوام و پایداری زندگی به حساب می‌آید. امروزه با توجه به پیشرفت ارتباطات، ضرورت یادگیری مهارت‌های زندگی در دختران و پسران، بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین، عدم آشنایی مناسب همسران با این مهارت‌ها پیش از ازدواج، باعث ایجاد مشکلات بسیاری در ابتدای زندگی مشترک می‌شود؛ زیرا همسران، در مورد چگونگی گفتار، رفتار و یا واکنش در موقعیت‌های مختلف زندگی دانشی ندارند و فقدان مهارت‌ها در برخی ازدواج‌ها، موجب فروپاشی این پیوند مقدس می‌شود. ازاین‌رو، یادگیری مهارت‌ها ضامن بقای ازدواج‌هاست؛ همچنین، بهترین دوران برای آموزش مهارت‌ها، نوجوانی و ابتدای جوانی و از موثرترین نهادهای آموزشی، پس از خانواده، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها هستند. با توجه به اهمیت موضوع و رسالت مراکز آموزشی، انتظار می‌رود که آموزش مهارت‌ها در چندین واحد درسی در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزشی قرار گیرد. این نوشتار، با استفاده از منابع دینی و روان‌شناسی، به ضرورت یادگیری

چندی از مهارت‌های مهم زندگی توسط دختران، پیش از انتخاب همسر می‌پردازد.

مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی، توانایی انجام رفتار سازگارانه و مثبت است؛ به گونه‌ای که فرد بتواند با چالش‌ها و ضروریات زندگی روزمره کنار بیاید.^۱ به دست آوردن این مهارت‌ها، در همه جنبه‌های زندگی، به ویژه ازدواج، ضروری است؛ چراکه به داشتن یک زندگی شاد، روابطی عاشقانه و سازگارانه منجر خواهد شد. برای ازدواج موفق، دختر و پسر، پیش از ازدواج، نیازمند آموختن مهارت‌ها هستند تا با یاری آنها، مشکلات، اختلافات و کاستی‌های زندگی مشترک را برطرف کنند. اگرچه استفاده از مهارت‌ها پس از ازدواج، عملی و کامل می‌شود، اما یادگیری حداقلی مهارت‌ها پیش از ازدواج، باعث محکم‌تر شدن پایه‌های روابط سالم همسران و بقای زندگی آنها می‌شود. برخی از مهم‌ترین مهارت‌ها عبارت‌اند از:

۱. مهارت‌های شناختی

مهارت‌های شناختی، به آگاهی از شخصیت خویش، وظایف و تفاوت‌های زن و مرد تقسیم می‌شود. برای کسب دیگر مهارت‌های لازم جهت ازدواج، ابتدا باید این شناخت به طور کاملی تحقق یابد.

- خودآگاهی

خودآگاهی، توانایی شناخت خود و آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قوت، توانایی و ناتوانایی‌هاست که باعث می‌شود فرد به تمام ویژگی‌های خود بنگرد و تصمیم بگیرد که چگونه باشد.^۲

1. www.who.int/mental health/media

۲. فرهاد کارمیان، مهارت‌های زندگی، ص ۲۱.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ؛^۱ برترین شناخت، شناخت انسان به خویشتن است.» این شناخت، موجب خودارزیابی صحیح، خودآگاهی هیجانی، استحکام شخصیت و اعتماد به نفس می‌شود. کسب این مهارت پیش از ازدواج، باعث می‌شود دختران بر اساس شناخت صحیح ارزش‌ها و باورها، عواطف و استعدادها، نیز علاقه‌ها و ایده‌آل‌های خود، معیارها و اهدافی برای انتخاب شریک زندگی خویش مشخص کنند.

- آگاهی از تفاوت مرد و زن

زن و مرد، با هم تفاوت دارند. شناخت تفاوت‌ها، باعث تفاهم و رفتار مناسب هنگام تعامل بین آنها می‌شود. عدم شناخت تفاوت‌ها، موجب می‌شود بنخواهیم «همسرمان، همان رفتار و واکنشی را داشته باشد که ما در مورد کسی که دوستش داریم، اعمال می‌کنیم.»^۲

به طور کلی، مردها به دنبال مدیریت و تصمیم‌گیری، اعمال قدرت، حل مشکلات، نتیجه‌گیری، شایستگی، استقلال، کارایی و نیازهای جنسی و زیستی هستند. در همین راستا، زنان باید با توجه به ویژگی‌های مردان، از پیشنهاد دادن به طور مستقیم، پرسش‌های مکرر، انتقاد و نفی توانایی‌ها، ابراز خواسته‌ها در زمان نامناسب و یا برخورد ناشایست دوری کنند؛ به طور مثال، مردها هنگام تصمیم‌گیری برای حل مشکلات، به سکوت نیاز دارند. از این‌رو، زنان به دلیل درگیری ذهنی مرد، نباید در این مواقع صحبت کنند. موقعیت‌شناسی در صحبت کردن، به‌ویژه در زندگی مشترک، بسیار مهم است؛ امام حسین علیه السلام

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۶۲، ح ۱۲۳۲۶؛ عبدالواحد آمدی تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۲۹۳۵؛ علی بن محمد لثی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۱۸.

۲. جان‌گری، مردان مریخی - زنان ونوسی، ص ۲.

می فرماید: «لَا تَتَكَلَّمَنَّ فِيهَا يَعْنِيكَ حَتَّى تَرَى لِلْكَلامِ مَوْضِعاً؛^۱ تا موقعیت مناسب نیافته‌ای، گفتار سودمند نگو.»

آگاهی نسبی و ابتدایی از این ویژگی‌ها و تفاوت‌ها توسط دختران، موجب اصلاح برخی از باورهای نادرست نسبت به مرد، و رفتار، گفتار و تصمیم‌های مناسب در مراحل مختلف انتخاب، نامزدی و ازدواج می‌شود.

- شناخت وظایف زن و مرد

اطلاع از وظایف خویش، پیش از زندگی مشترک، در چگونگی انجام مسئولیت‌ها پس از ازدواج تأثیر می‌گذارد؛ زیرا دختران سعی می‌کنند با الگوبرداری مناسب، آمادگی‌های لازم جهت انجام وظایف خود را به دست آورند.

دخترانی در انجام‌دادن وظایف در زندگی مشترک، دچار مشکل می‌شوند که شخص نامناسبی را برای الگوبرداری انتخاب کرده‌اند. بنابراین، بهتر است دختران برای خانه‌داری، تربیت فرزندان، مهرورزی و رفتار با همسر، از سیره حضرت زهرا علیها السلام الگوبرداری کنند و سپس آن را با نیازهای روز و امکانات موجود تطبیق دهند. بر اساس حدیثی از امام باقر علیه السلام، تقسیم کار در زندگی حضرت زهرا علیها السلام بدین‌گونه صورت می‌گرفت: «فاطمه علیها السلام کارهای داخلی را بر عهده داشت و امیر مؤمنان، علی علیه السلام کارهای بیرون خانه را انجام می‌داد.»^۲ با توجه به حدیث پیش‌گفته، منظور از کارهای داخلی، صرفاً خانه‌داری نیست؛ بلکه مدیریت خانه، حل هر گونه مشکل، ایجاد محیطی امن و بانشاط، مهرورزی و تربیت فرزندان است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۳۱.

۲. مهارت‌های عاطفی

شامل مواردی همچون: همدلی، همدردی و مدیریت استرس است که به دو مهارت اشاره می‌شود:

- همدلی

همدلی، نوع خاصی از توجه کردن به دیدگاه دیگران است؛ به گونه‌ای که بتوان با درک حالت عاطفی آنها، رفتار عاطفی از خود بروز داد. برخی از دختران و پسران، به اشتباه تصور می‌کنند که شباهت کامل تفکر و عقیده زن و مرد، موجب تفاهم می‌شود؛ درحالی‌که با توجه به تفاوت انسان‌ها در باورها، نگرش‌ها و علاقه‌مندی‌ها، تنها همدلی است که منجر به تفاهم می‌شود. همدلی، علاوه بر درک و فهم همسر، موجب پذیرش و حمایت از رفتارها و گفتارهای او نیز می‌شود. دختران برای پرورش مهارت همدلی، باید بیاموزند که چگونه فعالانه به صحبت‌های دیگران گوش بسپارند تا بتوانند تمام احساسات خود را بیان کنند یا چگونه می‌توان بدون ارائه راه‌حل، کنایه و مقایسه، با دیگران هم‌ذات‌پنداری کنند و یا چگونه با یادگیری مهارت خویشتن‌داری، هوش هیجانی خود را کنترل نمایند. به فرموده امام سجاد علیه السلام: «همه خیر و خوبی، در خویشتن‌داری است.»^۱ خودنگه‌داری، باعث تسلط بر احساسات و هیجانات و در نهایت، ارائه رفتار و گفتار مناسب و مؤثر هنگام بروز مشکلات و ناملازمات زندگی می‌شود.

- ابراز محبت

دختران باید بدانند که یکی از مهم‌ترین وظایف آنان پس از ازدواج، عشق‌ورزیدن و محبت به همسر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷۸.

«بهترین زنان، زن‌هایی هستند که دارای محبت باشند.»^۱ قرآن می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ و میان شما مودت و رحمت آفرید. «چه نیکوست که دختران هنر برقراری ارتباط صمیمی و عاطفی را در خانواده یاد بگیرند تا پس از ازدواج، مودت و رحمت خدادادی را به نیکویی به همسرشان ابراز کنند.

۳. مهارت‌های ارتباطی

ارتباط، انگاره‌ای برای سنجش افراد و وسیله‌ای برای تغییر در سطح رفتار است. ارتباط، شامل تبادل اطلاعات و چگونگی معنا بخشیدن به اطلاعات است.^۳ زمینه‌های ارتباطی اشخاص، در طول زندگی‌شان به وجود می‌آید و بر تمام روابط آنها تأثیر می‌گذارد. ارتباط در خانواده پدری، از فرهنگ، جنسیت، چگونگی برقراری رابطه با دیگران و تجربه‌های روابط صمیمانه پیشین، سرچشمه می‌گیرد.^۴ روابط صمیمانه در دراز مدت، نیازمند ارزش نهادن به شریک زندگی است که می‌توان آن را به چند مهارت ارتباطی جداگانه تقسیم کرد^۵ و لازم است که دختران، پیش از ازدواج، این مهارت‌ها را بیاموزند:

- احترام متقابل

احترام، نگرشی است که در آن، همسران برای هم احترام بسیاری قائل‌اند و یکدیگر را ارزشمند می‌دانند. احترام در اصیل‌ترین شکل خود، به صورت توانایی گوش‌دادن و توجه به همسر، نشان داده می‌شود. روشن است که این توانایی‌ها، از نگرش صرف فراتر می‌روند و به ارزش‌گذاری فعالانه و قدردانی

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.

۲. روم، آیه ۲۱.

۳. ویرجینا ستیر، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ص ۳ و ۴۴.

۴. فرانک فینچام و دیگران، رابطه همسران، ص ۴۷.

۵. داوود حسینی، راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده، ص ۴۰.

احترام‌آمیز تبدیل می‌شوند.^۱ امام صادق علیه السلام درباره احترام گذاشتن زن به شوهر می‌فرماید: «هر زنی که به شوهرش احترام بگذارد و آزارش نرساند، خوش‌بخت و سعادت‌مند خواهد بود.»^۲

دختران باید بدانند برای احترام به همسر خود، بایسته است که جنبه‌های مختلفی مثل: نگاه کردن به همسر هنگام صحبت، صدا کردن همسر به نام شایسته، سلام کردن و یا سپاسگزاری نمودن را رعایت کنند؛ به طور مثال، با سلام کردن به همسرشان، مهر و محبت بین خود و او را بیشتر کنند؛ زیرا خداوند در قرآن کریم فرموده: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً»^۳ چون به خانه‌هایی [که گفته شد] درآمیدید، به یکدیگر سلام کنید؛ درودی که نزد خدا مبارک و خوش است.»

همچنین دختران باید بیاموزند که به گونه شایسته و نیکو با همسر خود سخن بگویند؛ زیرا بدزبانی و زشت‌گویی، در اسلام نکوهش شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «الْجَنَّةُ حَرَامٌ عَلَىٰ كُلِّ فَاحِشٍ أَنْ يَدْخُلَهَا»^۴ بهشت، بر همه کسانی که بدزبان و زشت‌گو هستند، حرام است.»

- بخشش و گذشت

به غیر از معصوم، هر کسی خطا و لغزش دارد. دو نفر که با هم زندگی می‌کنند و از جهتی اشتراک مساعی و همکاری دارند، باید لغزش‌های یکدیگر را ببخشند تا زندگی آنها ادامه پیدا کند. اگر بخواهند در این باره سختگیری کنند، ادامه همکاری غیر ممکن می‌شود. اگر اعضای خانواده بخواهند نسبت به یکدیگر

۱. حمیدرضا سهرابی، شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۳. نور، آیه ۶۱.

۴. ملامحسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۵، ص ۲۱۵.

سختگیری نمایند و خطاهای یکدیگر را دنبال کنند، زندگی آنها از هم می‌پاشد و یا بدترین زندگی را تجربه خواهند کرد.^۱

بخشش و گذشت، موجب پایداری و دوام زندگی مشترک خواهد شد. دختران با بخشش اطرافیان (دوستان، خانواده و همکاران) باید روحیه مدارا و گذشت را پیش از ازدواج در خود ایجاد کنند تا در طول زندگی، با خطاپوشی، موجب آرامش زندگی خویش شوند. بخشیدن و چشم‌پوشی از خطاها، سبب نزدیکی قلب‌ها به یکدیگر می‌شود که این نزدیکی قلب‌ها، موجب ارزشمندتر شدن انسان خواهد شد؛ چنان‌که حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید: «ارزشمندترین مردم، کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده‌اند.»^۲

- درک و فهم متقابل

درک و فهم در زندگی مشترک، بسیار ضروری و فرآیند پیچیده‌ای است که همسران به وسیله آن، اطلاعات متقاعدکننده و توضیح‌دهنده‌ای از یکدیگر کسب می‌کنند.^۳ برای درک و فهم متقابل در زندگی مشترک، باید توانایی‌های همسر را در نظر گرفت و بر اساس آن، از او در برخورد با مسائل انتظار داشت. درک متقابل به جای درگیری، باعث سازش و سازگاری میان همسران می‌شود.^۴ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پس از ایمان به خدا، نعمتی بالاتر از همسر موافق و سازگار نیست.»^۵ این نعمت، موجب دوام و پایداری زندگی مشترک می‌شود.

۱. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۲۱.

۲. علاء‌الدین متقی، دلائل الامامه، ج ۷، ص ۲۲۵.

۳. احمد حسینی، بهداشت روانی ازدواج و همسراری، ص ۱۲۵.

۴. مجید رشیدپور، تعادل و استحکام خانواده، ص ۱۵۳ (با اندکی تغییر).

۵. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۲.

- واکنش و حساسیت مناسب

آگاهی از نیازهای همسر، از عناصر اساسی فرآیند ارتباط است. عدم آگاهی از این نیازها، موجب واکنش نامناسب و در نتیجه، بروز مشکل می‌شود. برخی از همسران، در شناخت خواسته‌های همسرشان کوتاهی می‌کنند و زمانی را برای شنیدن نیازهای اینان اختصاص نمی‌دهند. همچنین، زوج‌هایی هستند که از بیم سوء استفاده، تصمیم می‌گیرند که نسبت به یکدیگر حساس نباشند. در همه این موارد، نتیجه نهایی، یکسان است؛ چون همسران در شناسایی یا ارضای نیازهای یکدیگر شکست می‌خورند. بنابراین، از هم دور و دورتر می‌شوند.^۱

دختران برای واکنش مناسب در موقعیت‌ها، باید در مورد ویژگی‌های کلی مرد و شیوه برخورد با او، مطالب روان‌شناسی را مطالعه کنند و تمام تلاش خود را برای شناختن طرف مقابل به کارگیرند تا بتوانند اندیشه‌ها، علاقه‌ها و خواسته‌های همسر خود را به خوبی بشناسند و بتوانند پس از ازدواج و در موقعیت‌های گوناگون، واکنشی مناسب در تعامل با همسر بروز دهند.^۲

۴. مهارت‌های رفتاری

مهارت‌های رفتاری، یعنی انجام رفتارهایی که موجب ایجاد احساس خوشایند و هیجان مثبت در همسر می‌شود. این مهارت‌ها، به مبادله رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی طرف مقابل منجر می‌شود. افزایش تبادلات رفتاری مثبت، نیازهای عاطفی - روانی همسران را ارضا نموده، باعث ایجاد احساس مثبت در آنها نسبت به یکدیگر می‌شود. رفتارهای خوشایند، طیف گسترده‌ای دارد؛ از قبیل: انجام خدمت به همسر، دادن هدیه، رفتار نیکو، تهیه غذای

۱. مجید رشیدپور، تعادل و استحکام خانواده، ص ۱۵۳.

۲. داوود حسینی، راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده، ص ۴۲ (با اندکی تغییر).

مطبوع، تقدیم گل و یا نوشتن پیام‌های مثبت و عاشقانه.^۱

در روایات نیز بر این گونه رفتارها تأکید بسیار شده؛ همان گونه که نبی گرامی اسلام فرموده: «حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ إِنَارَةُ السَّرَّاحِ وَاصْلَاحُ الطَّعَامِ وَأَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرْحَبَ بِهِ وَأَنْ تُقَدِّمَ إِلَيْهِ الطَّشْتَّ وَالْمِنْدِيلَ وَأَنْ تُؤَضِّضَهُ وَأَنْ لَا تَمْتَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ»^۲ حق مرد بر زن، این است که چراغ خانه را روشن سازد، غذای مطبوع فراهم کند، تا در خانه‌اش به پیشواز او برود و به او خوشامد بگوید، تشت آب و حوله را برای او آماده کند و دست‌های او را بشوید و بدون دلیل، مانع شوهر نسبت به برقراری رابطه با خودش نشود.»

این رفتارها، علاوه بر افزایش احترام و مودت بین زوجین، آثار تربیتی ویژه‌ای دارد؛ برای مثال، در روایات تأثیر هدیه در کینه‌زدایی مورد توجه قرار گرفته است؛^۳ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به یکدیگر هدیه دهید تا زمینه‌ساز محبت شما به هم شود. همانا هدیه، کینه‌ها را از بین می‌برد.»^۴

آشنایی دختران با این رفتارهای خوشایند، سبب برخورد مناسب با همسر و به‌کارگیری آنها در طول زندگی و در نهایت آرامش، آسایش و پایداری زندگی می‌شود.

۵. مهارت تصمیم‌گیری

اگر چه همه افراد در زندگی تصمیم می‌گیرند، ولی همیشه تصمیم‌های آنها هوشمندانه نیست. در روایت ذیل، روش تصمیم‌گیری هوشمندانه از نظر پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شده است:

۱. سیده مریم طباطبایی ندوشن، مهارت‌هایی برای یک ازدواج موفق، ص ۵۶.
۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۴.
۳. سیده مریم طباطبایی ندوشن، مهارت‌هایی برای یک ازدواج موفق، ص ۵۶.
۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴.

«روزی مردی خدمت پیامبر اکرم ﷺ شرفیاب شد و با اصرار بسیار، از ایشان اندرزی خواست. حضرت به او فرمود: اگر بگویم، به کار می‌بندی؟ عرض کرد: بلی، ای رسول خدا.

حضرت دوباره فرمود: اگر بگویم، به کار می‌بندی؟ عرض کرد: بلی، ای رسول خدا.

حضرت برای بار سوم فرمود: اگر بگویم، به کار می‌بندی؟ وی گفت: بلی، ای رسول خدا.

رسول اکرم ﷺ پس از اینکه سه بار از او قول گرفت و وی را متوجه اهمیت مطلبی که می‌خواهد بگوید، کرد، به او فرمود: هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، اول در اثر و نتیجه و عاقبت آن فکر کن و بیندیش. اگر دیدی نتیجه و عاقبتش صحیح است، آن را دنبال کن اما اگر عاقبتش گمراهی و تباهی است، از تصمیم خود صرف نظر کن.^۱»

بنا بر این روایت، تصمیم‌گیری‌های نادرست به پیامدهای ناخوشایند منجر می‌شود و مهارت تصمیم‌گیری، به افراد کمک می‌کند با سنجیدن جوانب مختلف راه‌حل‌ها و انتخاب‌ها، و پیامدهای مثبت و منفی هر یک، به طور صحیح در مورد عملکرد خود تصمیم شایسته بگیرند.^۲

برخوداری از مهارت تصمیم‌گیری پیش از ازدواج، برای انتخاب همسر و در زندگی مشترک بسیار تأثیرگذار است؛ زیرا کمک می‌کند پایان شیرینی برای زندگی رقم بخورد. حضرت علی ؑ می‌فرماید: «لِكُلِّ امْرِئٍ عَاقِبَةٌ حُلْوَةٌ أَوْ مُرَّةٌ؛ هر کس را پایانی است؛ تلخ یا شیرین.»^۳

۱. حَزَّ عَامِلِي، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۷.

۲. مهرنوش اکبری، توانایی‌ها و مهارت‌های زندگی، ص ۶۰.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۱، ص ۶۶۵.

دختران هنگام تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر، باید فرد را با ایده‌آل‌های مورد نظر خویش بسنجند و سپس، از مراکز مشاوره برای مشورت یاری بگیرند. هنگام تصمیم‌گیری در زندگی مشترک، زن و مرد باید با هم مشورت کنند، آن‌گاه با توجه به ویژگی‌های مرد، بهتر است تصمیم نهایی بر عهده وی قرار بگیرد و زن به او اعتماد کند.

۶. مهارت حل اختلافات

باید توجه داشت که حذف کامل اختلاف در زندگی مشترک، ناممکن است؛ اما می‌توان با برقراری ارتباط شایسته، گفتار نیکو و منطقی و نیز رفتار محبت‌آمیز با همسر، بروز آن را کمتر کرد.

قرآن کریم در مورد وظیفه زن و مرد هنگام بروز اختلاف می‌فرماید: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»^۱ و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گرایند که سازش، بهتر است.»

با توجه به این آیه، پس از بروز اختلاف یا سوء تفاهم، در مرحله نخست، دو طرف باید آن را بی‌درنگ با رضایتمندی یکدیگر حل کنند؛ چون با گذشت زمان، به رنجش تبدیل می‌شود؛ اما اگر نتوانستند صلح کنند، بهتر است که از دیگران مشورت بگیرند.

دختران پیش از ازدواج، باید مهارت حل مسئله را برای برطرف کردن اختلاف‌هایی که در زندگی مشترک رخ می‌دهد، بیاموزند. برای کسب این

مهارت، ابتدا باید برای حل هر مشکلی در زندگی، راه‌هایی را در نظر بگیرند و بعد بهترین راه را انتخاب نموده، سپس آن را پیاده‌سازی کنند.

برای حل اختلاف در زندگی مشترک، زنان باید با حفظ ادب و احترام، بدون پرخاش و تندى با همسر، صحبت کنند و از بیان کلمات منفی و تحریک‌کننده بپرهیزند. اگر دختران این مهارت را به‌خوبی در گروه خانواده و دوستان، پیش از ازدواج بیاموزند، پس از ازدواج با توجه به ویژگی‌های همسرشان می‌توانند مشکل خود را به‌خوبی حل کنند.

معیارهای گزینش همسر در آموزه‌های دینی

حجت الاسلام والمسلمین عسکری اسلام‌پور کریمی

اشاره

یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی قبل از ازدواج، در نظر گرفتن معیارهایی برای انتخاب همسر است. به جرئت می‌توان گفت بیشترین مشکلاتی که در زندگی مشترک به وجود می‌آید، ناشی از رعایت نکردن معیارهای انتخاب همسر است. اکثر روان‌شناسان و متخصصان خانواده معتقدند: هر اندازه زن و مرد قبل از ازدواج، اطلاعات صحیح و دقیق‌تری نسبت به یکدیگر داشته باشند، ازدواج موفق‌تری خواهند داشت.

به هر حال، باید توجه داشت که انتخاب همسر، مانند انتخاب لباس و یا گزینش نوکر نیست؛ زیرا شخص با انتخاب همسر می‌خواهد شریک زندگی برگزیند؛ شریکی که تا پایان عمر همراه و همراز او باشد. از این رو، عقل حکم می‌کند که انسان درباره همسر آینده‌اش تحقیق کند و از شتاب‌زدگی و اغماض بپرهیزد. در آموزه‌های دینی نیز به این امر توجه ویژه‌ای شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمَرْأَةَ قِلَادَةٌ فَإِنْ نَظَرُ مَا تَتَقَلَّدُ؛^۱ همانا زن همانند گردن بندی است که به گردن انسان افکنده می‌شود؛ دقت کن چه گردن بندی بر گردن

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۳.

زندگی خود می‌افکنی.» پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دستور داده‌اند: هنگام انتخاب همسر، ابتدا وضو بگیرید و دو رکعت نماز بخوانید و آن‌گاه از خداوند مهربان بخواهید، همسری شایسته نصیب شما گرداند و سپس سراغ انتخاب همسر بروید.^۱

اسلام برای گزینش همسر معیارهای را معین کرده است که رعایت و به‌کار بستن آنها موفقیت تشکیل خانواده را افزایش می‌دهد. بی‌تردید یکی از علل شکست خانواده‌ها، نادیده گرفتن معیارهای دینی است. در این نوشتار سعی شده، معیارها و ملاک‌های انتخاب همسر شایسته، تبیین گردد.

معیارها و ملاک‌های ازدواج

۱. ایمان و تقوamداری

از مهم‌ترین عوامل ازدواج موفق، هم‌شان بودن زن و مرد است که از آن با واژه «کفو» یاد می‌گردد. «کفو» در لغت به معنای یکسانی، برابری، شباهت، شایستگی و صلاحیت است.^۲ از مهم‌ترین مصداق هم‌کفو بودن، دینداری و تقوا است. چنان که قرآن می‌فرماید: «الْحَيِّثَاتُ لِلْخَيْثِثِينَ وَالْحَيُّثُونَ لِلْحَيَّثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ...»^۳؛ زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند! و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند...».

در این که مراد از «خبیثات» و «خبیثین» و نیز «طبیات» و «طبیین» در این آیه شریفه چه کسانی هستند، بین مفسران اختلاف است؛ ولی در مجموع می‌توان گفت:

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۹.

۲. ر.ک: احمد سیاح، فرهنگ سیاح، ج ۳، ص ۱۶۷.

۳. نور، آیه ۲۶.

مراد از «خبیثات» و «خبیثین»، مردان و زنانی هستند که به سبب نداشتن ایمان و تقوا، به خبثت توصیف شده، حالتی پلید دارند و به خاطر کفر، وضعی ناخوشایند به خود می‌گیرند و اگر زنان خبیث را به مردان خبیث و مردان خبیث را به زنان خبیث اختصاص داده، به دلیل یکی بودن مرام آنها است.

همچنین مراد از «طیبین» و «طیبات»، مردان و زنانی هستند که به جهت ایمان و تقوایی که دارند، به پاکی توصیف شده‌اند.

در روایات کتاب نکاح^۱ نیز می‌خوانیم: یاران ائمه علیهم‌السلام، گاه از ازدواج با زنان «خبیثه» سؤال می‌کردند که با جواب منفی روبه‌رو می‌شدند، این بیانگر این است که «خبیثه» اشاره به زنان ناپاک است.^۲ طبق قرآن کریم از ازدواج انسان پاک، یعنی انسان مؤمن با انسان ناپاک منع و به ازدواج با زنان با عفت تأکید شده است.

درباره «هم‌کفو و هم‌تا»، روایات متعددی وجود دارد که به چند روایت بسنده می‌کنیم:

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَآمَانَتَهُ يَخْطُبُ إِلَيْكُمْ فَرَوْجُوهُ إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»^۳ کسی که برای خواستگاری نزد شما آمد و نسبت به دین و امین بودن وی رضایت داشتید، حتماً زمینه این ازدواج را فراهم نمایید، که منع ازدواج هم‌کفو، از جانب شما زمینه‌ساز فتنه در روی زمین و فساد بزرگ است.» به نمونه زیر توجه شود.

(جُوْبِرَ) جوانی است که از یمامه به مدینه آمده و مسلمان شده بود. او مؤمنی متعهد، ولی در عین حال سیاه پوست، کوتاه قد و مستمند بود. روزی

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

پیامبر ﷺ به او فرمود: «چرا ازدواج نمی کنی؟» عرض کرد: «چه کسی به این بینوا زن می دهد؟» فرمود: «اسلام، هر خوار و ذلیلی را عزیز کرده است.» نزد «زیاد بن بُبَید» که از اشراف انصار است، برو و دخترش را خواستگاری کن. جویبر نزد زیاد آمد و از قول حضرت دختر او را خواستگاری کرد. زیاد گفت: «ما دختران خود را تنها به همدریفان خود از انصار می دهیم و با آنها وصلت می کنیم.» جویبر، نزد پیامبر ﷺ آمد و جریان را عرض کرد؛ آن گاه حضرت به «زیاد» فرمود: «ای زیاد! جویبر مؤمن است و هر مرد مؤمنی، کفو زن مؤمنه و هر مرد مسلمانی کفو زن مسلمان است.»^۱ در نتیجه این ازدواج صوت گرفت.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «ما مِنْ رُزْءَةٍ أَشَدَّ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَأْتِيَهُ إِسْنُ أَخِيهِ فَيَقُولَ رَوَّجْنِي فَيَقُولَ لَا أَفْعَلُ أَنَا أَغْنَى مِنْكَ؛^۲ مصیبتی از این شدیدتر نیست که جوان مؤمنی دختر برادر مؤمنش را خواستگاری کند، و پدر دختر پاسخ دهد، من از این ازدواج عذر می خواهم، زیرا تو از نظر مالی در رتبه من نیستی!»

بر این اساس در ازدواج، نباید فقر و غنا و... ملاک قرار گیرد، چون همه دختران و پسران، دختران و پسران یک پدر و مادرند، و امتیاز، جز تقوا نیست.^۳ در ضمن در هم کفو بودن، لزومی ندارد که اگر زن ثروتمند است، مرد نیز حتماً ثروتمند باشد؛ از این رو امام صادق علیه السلام فرمود: «الْكَفْوُ أَنْ يَكُونَ عَفِيفاً وَ عِنْدَهُ يَسَارٌ؛^۴ کفو بودن این است که عقیف باشد و بتواند مخارج اهلیش را بپردازد.»

۱. این حدیث به طور مشروح در فروع کافی، ج ۵، ص ۳۴۰ آمده است.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۳-۵۴.

۳. حجرات، آیه ۱۳.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲؛ کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷؛ محمدباقر

مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ؛^۱ همه مؤمنین و معتقدین به دین اسلام و دستورات آن، کفو یکدیگرند.» لذا خداوند بهترین ازدواج را، وصلت متقیان با یکدیگر می‌داند.^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ؛^۳ کسی که به خاطر دین و ایمان زنی، ازدواج کند، خداوند نیز دنیایش را برای او فراهم می‌کند.»

در روایتی آمده فردی به امام حسن علیه السلام عرض کرد: دختری دارم او را به ازدواج چه کسی در آورم؟ حضرت فرمود: «زَوِّجْهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ، فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَطْلُبْهَا؛^۴ برای دخترت همسری باتقوا و مؤمن انتخاب کن؛ زیرا اگر او را دوست بدارد، اکرامش می‌کند و اگر از او خوشش نیاید، به وی ستم روانمی‌دارد.»

۲. شرافت و اصالت خانوادگی

یکی از اساسی‌ترین ملاک‌های ازدواج، شرافت و اصالت خانوادگی است. منظور از این امر شهرت و ثروت نیست بلکه «نجابت و پاکی و... است. همچنین اصالت به معنای سلامت اعضای خانواده، خوشنام‌بودن آنان است. به عبارت دیگر آنچه در اصالت خانوادگی اهمیت دارد، توجه به دو عامل وراثت و تربیت است. از نظر اسلام صفات و خصوصیات والدین در فرزندان آینده تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل باید قبل از انتخاب همسر، درباره سابقه خانوادگی همسر و به خصوص مراتب ایمانی و اخلاقی آنها، تحقیق لازم صورت گیرد؛ زیرا ازدواج، به معنای پیوند با یک خانواده و فامیل و نسل است؛ ازاین‌رو در

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹.

۲. نور، آیه ۲۶.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۱.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳.

انتخاب همسر، معقول نیست که انسان بگوید: «من می‌خواهم با خود این شخص ازدواج کنم و به خانواده و خویشان و فامیل او کار ندارم؛ زیرا این فرد، جزیی از همان خانواده و فامیل، است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی و جسمی آن خانواده و فامیل، از راه وراثت و تربیت به این فرد منتقل شده است.

دکتر آلکسیس کارل می‌گوید: «در علم ژنتیک ثابت شده است که برخی از صفات پسندیده یا ناپسندیده والدین، از طریق «ژن‌هایی» که در «کروموزوم» وجود دارد به فرزندان منتقل می‌شود. بنابراین فرزند به هنگام گام نهادن به عرصه حیات، نسخه خلق و خوی والدین خود را همراه دارد.»^۱

علم جدید وراثت ثابت کرده است که خواص موروثی از والدین به وسیله توزیع «کروموزوم‌هایی» که در هسته یاخته‌ها هستند به فرزندان منتقل می‌شوند.^۲

دکتر آلکسیس کارل در این باره می‌گوید: «هیچ کس نباید با افرادی که نشانه‌های بیماری‌های ارثی دارند، زناشویی کند. تقریباً تمام بدبختی‌های آدم ناشی از نقایص ساختمان عفونی و روانی و عوامل ارثی اوست...»^۳

اسلام قبل از آن که علم جدید در این باره (انتقال صفات والدین به فرزندان) ابراز نظر نماید، نظر خود را در این خصوص ابراز نموده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «تَخَيَّرُوا لِطُفْلِكُمْ، فَإِنَّ الْعَرَقَ دَسَّاسٌ»^۴؛ برای خود همسر شایسته انتخاب کنید؛ زیرا ژن‌ها خصایص والدین را، به نسل‌های بعد انتقال می‌دهند..»

پیامبر اکرم ﷺ در اهمیت این موضوع فرمود: «أَنْظُرُ فِي أَى شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ

۱. الکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه عنایت الله شکیباپور، ص ۲۵۳.

۲. دکتر ابوالقاسم رضوانی، بهداشت جسمی و روانی کودک، ص ۸.

۳. الکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، ص ۳۱۲.

۴. نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تصحیح: آصف فیضی، ج ۲، ص ۵۷۴.

العِرْقَ دَسَّاسٌ؛^۱ بنگر که [نطفه] فرزندان را در چه جایی قرار می‌دهی، زیرا «عِرْق» (ژن) بسیار انتقال‌دهنده است.» همچنین فرمودند: «تَخَيَّرُوا لِطُفْئِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخْوَانِهِنَّ؛^۲ برای نطفه‌های خود گزینش کنید؛ زیرا، زنان بچه‌هایی همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند.»

واژه «عِرْق» در لغت به معنای ریشه و اساس یک پدیده است، و اساس آفرینش انسان «نطفه» می‌باشد و «دَسَّاس» به معنای انجام کاری مخفیانه و پنهانی است؛ بنابراین مقصود از «دَسَّاس» بودن نطفه، این است که صفات موروثی از طریق نطفه به طور مخفی به فرزند منتقل می‌گردد، این سخن پیامبر اکرم ﷺ «العِرْقُ دَسَّاسٌ» به صورت ضرب المثل در میان عرب معروف است.^۳ پیامبر اکرم ﷺ با این بیان به مسلمانان فهماند که از قانون وراثت غافل نباشند و در انتخاب همسر دقت لازم را داشته باشند. حضرت از واژه «عِرْق» استفاده نمود که امروزه در محافل علمی از آن به واژه «ژن» تعبیر می‌شود.

پزشکان امراض روحی، ثابت کرده‌اند که ۶۶٪ کودکان مبتلا به امراض روحی بیماری را از مادران خود به ارث برده‌اند.^۴

خلاصه آن‌که در خانواده‌های اصیل و شریف کمتر اتفاق می‌افتد که فرزندان ناصالح پرورش یابند و برعکس در خانواده‌های غیراصیل و ناصالح، کمتر اتفاق می‌افتد که فرزندان صالح و نجیب، پرورش یابند.

در نهج البلاغه نامه‌ای است که امام علی علیه السلام در پاسخ خودستایی‌های «معاویه» نوشته و طی آن میان دو خانواده بنی‌هاشم و بنی‌امیه مقایسه کرده و

۱. شهاب الدین محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹۲.

۳. لَا تَخْطِئَنَّ سَوِيَّ كَرِيمَةٍ مَعَشَرٍ *** فَالْعِرْقُ دَسَّاسٌ مِنَ الطَّرْفَيْنِ (ر.ک: شرتونی لبنانی،

سعید الخوری، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ج ۱، ماده «دسس»، ص ۱۳۸).

۴. ملا محسن فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ج ۳، ص ۹۴.

نشان داده است که در برابر هر فضیلت و امتیاز در خانواده بنی هاشم، یک رذیلت و انحطاط در خاندان بنی امیه وجود دارد. حضرت در فرازی از آن می فرماید: «...مِنَّا النَّبِيُّ وَمِنْكُمْ الْمُكَذِّبُ؛ در خاندان ما (پیامبر) ﷺ است و در خاندان شما (ابوجهل) که کارش تکذیب حق بود.» «وَمِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَمِنْكُمْ أَسَدُ الْأَخْلَافِ»^۱ و ما «حمزه» شیر خدا داریم و شما ابوسفیان، شیر پیمان‌های باطل دارید.» امام حسین علیه السلام نیز عزت‌مندی خویش را به خانواده خویش مستند نمود.^۲

۳. اخلاق نیکو

هرچه علم و تکنولوژی رشد می‌کند، نیاز بشر به اخلاق افزایش می‌یابد و لازم است به موازات آن، آموزه و دستورات اسلام مورد نظر قرار گیرد؛ زیرا، علم به تنهایی درباره اخلاق‌مداری و تربیت انسان‌ها راه‌حلی جامع و مفیدی ارائه نمی‌دهد.

افزایش آمار جرائم، جنایات، فساد، متلاشی‌شدن خانواده‌ها و... شاهد بر این ادعا است، زیرا استعمارگران، علم و صنعت را به نفع خویش استخدام نموده‌اند، افزون بر آن علم از شناخت برخی مسائل عاجز است.

عامل مهمی که می‌تواند روح سرکش انسان را جهت دهد، اخلاق نیک است. البته اخلاق نیک، تنها خنده‌رویی و خوش‌خلقی نیست، بلکه منظور، داشتن صفات و خلق و خویهای پسندیده و مدارا با افراد است. اساس زندگی زناشویی، نیز در پرتو حسن اخلاق فراهم می‌شود.^۳

اخلاق هر انسانی تأثیر مستقیم در زندگی او دارد. این تأثیر در محیط

۱. شریف رضی، تصحیح: صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۲۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸، ص ۸۳، ح ۱۰.

۳. محمدرضا سالاری فر، خانواده از نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۳۶.

خانواده نقش آفرین تر است؛ زیرا مسائل عاطفی در خانواده بر مسائل دیگر غلبه دارد، اگر اعضای خانواده از اخلاقی نیکو بهره‌مند باشند، محیط خانواده تبدیل به بهشت و در غیر این صورت، به جهنمی سوزان تبدیل خواهد شد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بِحُسْنِ الْأَخْلَاقِ يَطِيبُ الْعَيْشُ؛^۱ با خوش اخلاقی، زندگی نیکو و مطلوب می‌گردد»، از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ زَوْجَةٍ تُشِيبِي قَبْلَ أَوَانِ مَشِيئِي؛^۲ خدایا! به تو پناه می‌برم از همسری که قبل از رسیدن پیری، پیرم کند.» براین اساس در روایات اسلامی از ازدواج با افراد بد اخلاق نهی شده و به خوش اخلاقی تأکید گردیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که برای خواستگاری نزد شما آمد و نسبت به دین و امین بودن وی رضایت داشتید، حتماً زمینه این ازدواج را فراهم نمایید، که منع ازدواج کفو با کفو از جانب شما زمینه‌ساز فتنه در روی زمین و فساد بزرگ است.»

امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم، امام سجاد علیه السلام، در یکی از موافق حجج به زنی برخورد که «اخلاق نیکش» حضرت را جذب کرد، سؤال کردند این زن دارای همسر است؟ گفتند: خیر؛ پدرم بدون این که از حسب و نسب وی تحقیق کند، از او خواستگاری کرد، و این خواستگاری منجر به ازدواج شد. فردی از انصار از داستان آگاه شد، ازدواج به این سادگی برای او بسیار سنگین و گران آمد، تصور نمود که آن زن فردی بی‌اصل و نسب باشد و سبب سرزنش امام چهارم شود. مدتی در مقام جست‌وجو برآمد و معلوم شد آن زن از طایفه «شیبان» است، خدمت امام چهارم علیه السلام رسید و جریان را با حضرت در میان گذاشت که خدا را شکر همسر شما از فامیل معروف و محترم است، حضرت فرمود: من شما را خردمندتر از این می‌دانستم که به این امور پایبند باشی، مگر نمی‌دانی

۱. عبدالواحد بن احمد تمیمی آمدی، ص ۲۵۵.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۶.

خداوند عزّ و جَلّ به برکت اسلام پستی‌ها را برداشت و نقص‌ها را جبران فرمود، بزرگواری و کرامت را جایگزین پستی و دنائت نمود، اینک مسلمان در هر موقعیتی باشد، محترم است و پستی از آن جاهلیت است.

حسین بن بشار واسطی به امام رضا علیه السلام نامه نوشت که یکی از بستگانم خواستار ازدواج با من است، ولی بد اخلاق است؛ حضرت فرمود: «اگر اخلاقش بد است، با وی ازدواج نکن.»^۱ بنابراین، خوش اخلاقی همسر، نقش مؤثری در زندگی انسان دارد و به کانون خانواده صفا می‌دهد. خوش اخلاقی مصداق متعدد دارد، یکی از مصادیق مهم آن ارتباط کلامی زن و شوهر است. مثلاً اگر زن شوهرش را و بر عکس مرد همسرش را با واژه‌های زیبا محبت‌آمیز صدا کنند، نتیجه مطلوب خواهد داشت و در غیر این صورت نتیجه عکس خواهد داد. نمونه‌های زیر را ملاحظه فرمایید.

مرد ۲۲ ساله‌ای همسر ۱۹ ساله خود را به علت این که وی را خر گور خطاب کرده بود، با ۱۵ ضربه چاقو به قتل رسانید. وی در دادگاه گفت: یک سال پیش با همسرم ازدواج کردم. در آغاز زندگی، مرا بسیار دوست می‌داشت، اما به زودی تغییر رویه داد و شروع به ناسازگاری کرد. بر سر هر مسئله کوچکی به من فحاشی می‌کرد و به خاطر این که یکی از چشم‌هایم کمی چپ است، مرا با لقب «خر گور» خطاب می‌کرد.

وی در روز حادثه، شوهر خود را خر گور خطاب می‌کند. او چنان خشمگین می‌شود که به جان همسرش افتاده و او را با ۱۵ ضربه چاقو از پای درمی‌آورد.^۲

مرد ۷۱ ساله‌ای که زنش را کشته، درباره علت قتل او می‌گوید: ناگهان رفتار

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.

۲. ابراهیم امینی، آیین همسرداری، ص ۴۱.

همسر نسبت به من تغییر کرد و به من بی‌اعتنا شد. یک بار هم مرا پیرمرد غیرقابل تحمل صدا کرد و با این حرف نشان داد که دوستم ندارد. من نیز دچار سوءظن شدم و با دو ضربه تبر، او را کشتم.^۱

۴. سلامت عقل

یکی از معیارهای مهم ازدواج سلامت عقل است، یعنی دختر و پسر از نظر رشد عقلی باید هم‌کفو باشند، زیرا از عوامل مؤثر در اختلافات خانوادگی، عدم تناسب «عقل» بین زوجین است و یکی از عوامل استحکام خانواده رشد عقلی و بلوغ فکری است. نقص در رشد و تحول اجتماعی و عقلانی و به عبارتی دیگر، عدم پختگی، موجب رفتارهای نسنجیده و نامناسب با شرایط مختلف می‌شود. افزون بر این، واکنش مناسب به رفتارهای دیگران نیز نیازمند تحول‌یافتگی مناسب است. همین مسئله، زمینه اختلاف زن و شوهر را فراهم می‌کند.^۲

تفاوت زیاد در بهره‌های هوشی زن و مرد، زمینه‌ای برای اختلاف آنهاست. از آنجا که هوش در انجام رفتار سازگار بسیار مؤثر است، فاصله زن و شوهر در آن به فاصله در رفتارها می‌انجامد. افزون بر این، درک متقابل نیز در صورت تفاوت هوشی زیاد دشوار می‌شود و افراد در ابراز واکنش مناسب، دچار تعارض خواهند شد.^۳

امام علی علیه السلام فرموده است:

«صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقٌ سِرَّةٌ وَ لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَ لَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ وَ لَا

۱. همان.

۲. محمد حسین فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده و طلاق، ص ۱۵۴.

۳. حسین عسکری، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی‌ناشویی، طلاق، ص ۲۶۰.

مَالٌ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا عَقْلٌ كَالْتَدْبِيرِ؛^۱ سینه خردمند، صندوق اسرار اوست، هیچ بی‌نیازی بسان خردورزی نیست، هیچ فقری مانند نادانی نیست، هیچ میراثی همانند، تربیت نیست، و هیچ ثروتی چون عقل ثمربخش نیست و هیچ خردمندی چون آینده‌نگری و تدبیر نیست.»

اگر زن و شوهر با هم تفاهم داشته باشند و موقعیت یکدیگر و شرایط و امکانات زندگی را خوب درک کنند می‌توانند زندگی موفقیت‌آمیز داشته باشد و با عقل و درایت مشکلات را حل و فصل نمایند، چون بیشتر اختلافات خانواده و کشمکش‌های زندگی، معلول جهالت و نادانی زن و شوهر یا یکی از آنها است. زوجین هر چه عاقل‌تر باشند بهتر می‌توانند همسررداری کنند و وسیله آسایش و خوشی یکدیگر را فراهم سازند و از اختلافات و مشکلات بکاهند. همسر عاقل، گذشت و بردباری دارد و با بهانه‌های کوچک و جزئی زندگی را متلاشی نمی‌سازد.^۲

عقل و هوش زن و شوهر در فرزندان نیز تأثیر دارد. فرزندان خانواده خوش فهم و با هوش، غالباً زیرک می‌شوند و برعکس، حماقت و نادانی پدر و مادر نیز - معمولاً - به فرزند منتقل می‌شود همسر با هوش و عاقل بهتر می‌تواند در تعلیم و تربیت فرزندان انجام وظیفه نماید. بر این اساس عقل و درایت یکی از عوامل باارزش خوش‌بختی و تحکیم خانواده محسوب می‌شود که به هنگام گزینش همسر باید مورد توجه قرار گیرد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»؛^۳ اساس موجودیت انسان عقل او است، و آن کس که عقل ندارد دین ندارد.»

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۴.

۲. ابراهیم امینی، انتخاب همسر، ص ۱۰۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۴، ح ۹۴.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ، وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛^۱ هر کس عاقل باشد، دین دارد و هر کس دین داشته باشد بهشت می‌رود.» و نیز در روایت دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الثَّوَابَ عَلَى قَدْرِ الْعَقْلِ؛^۲ ثواب و پاداش عمل هر کس به اندازه عقلش است.»

شریعت اسلام برای جلوگیری از مشکلات تأکید می‌کند که ازدواج با احمق صورت نپذیرد. «احمق» کسی است که از نظر هوشی عقب مانده است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَتَزْوُجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَوَلَدُهَا ضِيَاعٌ؛^۳ پرهیزید از ازدواج با «احمق»! زیرا، مصاحبت و زندگی با او بلاست و فرزندانش نیز تباه می‌شوند.»

۵. زیبایی

یکی از معیارهای دیگر ازدواج زیبایی است. این امر در کنار معیارهای دیگر از عوامل مهم استحکام خانواده محسوب می‌شود. افزون بر این زیبایی عامل مهم حفظ عفت و ضامن جلوگیری همسر از انحراف و چشم‌چرانی می‌گردد.

ناگفته نماند که چند نکته درباره زیبایی درخور توجه است:

الف. گرچه زیبایی ظاهر و تناسب اندام را در انتخاب همسر نمی‌توان نادیده گرفت، ولی این مسئله نباید به عنوان بزرگ‌ترین هدف و معیار ازدواج محسوب شود، به گونه‌ای که دیگر معیارها را تحت الشعاع قرار دهد، بلکه این امر باید در کنار معیارهای دیگر مانند: ایمان، تقوا، حیا، و... مد نظر قرار گیرد. متأسفانه باور عمومی آن است که زیبایی معیار اصلی ازدواج می‌باشد، از این رو است که - در هنگام انتخاب همسر - اولین سؤال از زیبایی دختر و پسر است؛

۱. کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۰.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۰۶.

اما اسلام ضمن این که برای زیبایی اهمیت قایل است، به دینداری توجه خاصی نموده است. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَ أَقْلُهُنَّ مَهْرًا»^۱ برترین زنان امت من زنی است که زیبایی اش بیشتر و صداقش کمتر باشد. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ إِمْرَأَةً... لِحِبَاهَا، رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ»^۲ کسی که (فقط) به خاطر زیبایی زنی با او ازدواج کند، در او امور ناخوشایند خواهد دید.»

همچنین فرمود: «إِنَّا كُفُّمُ وَ خَضْرَاءُ الدَّمَنِ»، قیل: «يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟» قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَثَبِ السُّوءِ؛^۳ از خضراء الدمن (گیاه روئیده در میان کثافات) بپرهیزید. گفته شد: ای رسول خدا! خضراء الدمن چیست؟ فرمود: زن زیارویی که در خانواده‌ای فاسد رشد کرده است.»

همچنین زیبایی باید در کنار اصالت خانوادگی لحاظ گردد. به همین جهت است که وقتی شخصی خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و در امر ازدواج مشورت کرد، حضرت به او فرمود: «عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ بِدَاكٍ»^۴ بر تو باد که همسر دیندار اختیار کنی، دست‌هایت نیازمند خداوند خداوند باد.»

جالب این است که رهبران اسلام، به افرادی که در انتخاب همسر، اصالت را به دینداری می دهند، وعده مال و جمال داده‌اند. امام صادق عليه السلام می فرماید: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحِبَاهَا أَوْ لِمَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ، وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ»^۵

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۴۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۱.

۳. کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۶۰، ح ۷۸۵۸؛ فیض محمد محسن کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۹۳.

۴. کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲؛ محمد تقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۸، ص ۱۱۴.

۵. محمدبن یعقوب کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

هرگاه مرد، زنی را به خاطر زیبایی و ثروتش به همسری برگزیند، به همان واگذار می‌شود و هرگاه او را به خاطر دینش به همسری برگزیند، خداوند زیبایی و مال، روزی او می‌سازد.»

ب. گرچه زیبایی ظاهری، امری پسندیده است و در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد، اما نباید از حد معمول تجاوز کند و به صورت «مشکل پسندی» درآید و انسان را از ازدواج به موقع باز دارد.

ج. بهتر است زن و مرد در مراسم خواستگاری، با اجازه و رضایت والدین، یکدیگر را ببینند و واقعیت‌ها را به هم بگویند.

امام خمینی علیه السلام فرمود: «هر یک از زوجین می‌توانند (در مراسم خواستگاری) مستقیماً از یکدیگر درباره هم تحقیق کنند، مشروط به آن‌که این تحقیق مستلزم حرام نباشد. هر یک از زوجین می‌توانند بدن دیگری را با شرایط زیر ببینند:

۱. نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد؛ ۲. ازدواج متوقف بر این نگاه باشد؛
۳. مانعی از ازدواج این دو در میان نباشد؛ ۴. بهتر است این دیدن از روی لباس نازک باشد؛ ۵. باید این نگاه آخرین تحقیقی باشد که هر یک از زوجین انجام می‌دهند و...»^۱

۶. تناسب سنی و تحصیلی

به طور کلی، تناسب سنی و جسمی در زناشویی مسئله مهمی است و عدم توجه به آن عواقب ناگواری را در پی دارد. سن زن و مرد در ازدواج از دو جنبه دارای اهمیت است:

۱. جنبه روانی: انسان در فرآیند رشد از نظر روانی، در سنین مختلف، دارای

۱. سیدروح الله موسوی الخمینی، تحریرالوسیله (کتاب النکاح)، مسئله ۲۸.

ویژگی‌های متفاوت می‌باشد.

۲. جنبه فیزیولوژیکی: علاوه بر جنبه‌های روانی، ارضای غرایز جنسی خود مسئله مهم است.

سن ازدواج در شرایط جغرافیایی و اقلیمی مختلف، متفاوت است. معمولاً در مناطق گرمسیر، سن بلوغ پایین‌تر از مناطق سردسیر و کوهستانی است. مهم نیست که فرد در چه سنی بالغ می‌شود، مسئله مهم این است که فرد احساس کند که از نظر فیزیولوژیکی و روانی نیاز به ازدواج دارد. تشخیص زمان مناسب ازدواج و فاصله سنی زوجین از سوی افراد تازه بالغ، مشکل است. در این مورد، استفاده از راهنمایی‌های والدین و مشاوران خانواده ضروری است.

در مجموع آنچه از دیدگاه اسلام مهم است بلوغ فکری و جسمی است. با توجه به تحقیقات انجام شده، بهترین سن ازدواج برای دختران ۱۶ الی ۲۰ سالگی و برای پسران ۱۸ الی ۲۳ سالگی می‌باشد و مناسب‌ترین فاصله سنی، در ازدواج بین ۱ الی سال است و اگر هم، سن آنها مساوی باشد، اشکالی ندارد. این تفاوت بدین جهت است که زنها در اثر بارداری و زایمان و شیردادن کودک، غالباً از مردها زودتر پیر می‌شوند و طراوت و شادابی خویش را از دست می‌دهند. زن اگر چند سالی از شوهر کوچک‌تر باشد، مدت بیشتری می‌تواند نظر شوهر را به خود جلب کند و تمایلات روحی، روانی و جنسی او را ارضا نماید؛ در نتیجه، برای همیشه صلح، صفا، دوستی، عشق و محبت در کانون گرم خانوادگی حاکم خواهد شد.

نکته شایان توجه این است که در امر ازدواج شرط سنی در اسلام مطرح نیست، یعنی این‌گونه نیست که اگر زوجین توافق سنی نداشته‌اند، عقد باطل باشد، در عین حال نباید سن زوجین تفاوت فاحش داشته باشد؛ زیرا تجربه نشان داده است که بسیاری از درگیری‌ها و اختلافات ناشی از تفاوت فاحش

سنی بین زن و مرد است. چه بسا یکی از طرفین به خاطر کمی سن نتواند دیگری را تحمل کند و یا احیاناً آن که از سن بالایی برخوردار است، از لحاظ غریزه جنسی ضعیف باشد و نتواند دیگری را که قوی است، ارضا و اشباع نماید، از این رو ممکن است زن به اعمال خلاف عفت روی آورد و اساس خانواده را درهم ریزد و حیثیت خانواده یا طایفه‌ای را در معرض خطر قرار دهد. از این رو، این که احیاناً ثروتمندان در دوران کهولت سنی و تحلیل قوا در صدد ازدواج با دوشیزه‌ای برمی‌آیند و دوشیزگانی هم به طمع مال و ثروت آنان حاضر به ازدواج با آنان می‌شوند، کار صحیحی نیست و تحقیقات نشان داده است که در موارد قابل توجهی این‌گونه ازدواج‌ها مفساد و خطرهایی در پی داشته است؛ پس باید از این ازدواج‌ها جداً پرهیز شود.

همچنین یکی دیگر از معیارهایی که باید در ازدواج در نظر گرفته شود، تناسب تحصیلی است. بسیار شایسته است که زن و شوهر از نظر معلومات و تحصیلات علمی، در یک سطحی نزدیک به هم باشند و فاصله زیادی نداشته باشند؛ بنابراین، زن یا مردی که تحصیل کرده است، صلاح نیست با فردی غیرتحصیل کرده، ازدواج نماید. البته در موارد خاص ممکن است با وجود عدم تناسب تحصیلی، ازدواج موفقیت‌آمیز باشد، اما این امر محدود است.

۷. مصونیت از آلودگی شراب

گرچه مصونیت از شرابخواری یکی از مصادیق دین‌داری است، لذا می‌توانست این موضوع در معیار اول ازدواج (ایمان و تقوآمداری) بررسی شود، اما به دلیل تأکید روایات بر اجتناب از آلودگی به شراب، این موضوع را جداگانه بررسی نمودیم؛ بر این اساس از جمله شرایط لازم در انتخاب همسر، آن است که وی آلوده به مشروبات الکلی نباشد.

اولیای گرامی اسلام برای آن که جامعه را از خطر موالید معلول و

ناقص الخلقه مصون نگاهدارند، به پیروان خود توصیه کرده‌اند که با شارب الخمر ازدواج نکنند و دختران پاک خود را به همسری افراد الکلیست در نیاورند.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ شَارِبَ الْخُمْرِ لَا يُزَوِّجُ إِذَا حَطَبَ؛^۱ شرابخوار اگر خواستگاری کرد، به او دختر داده نمی‌شود.»

همچنین آن حضرت فرمودند: «مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ الْخُمْرِ فَكَأَنَّمَا سَاقَهَا إِلَى الرَّزْنَا؛^۲ هر کس دختر خود را به همسری شارب الخمر در آورد، مانند آن است که وی را به راه زنا و بی‌عفتی سوق داده باشد.»

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ أَنْ تُزَوِّجَ شَارِبَ الْخَمْرِ، فَإِنَّ زَوَّجْتَهُ فَكَأَنَّمَا قُدَّتْ إِلَى الرَّزْنَا؛^۳ بترس از این که دختر به شرابخوار بدهی، که اگر او را به چنین تبهکاری شوهر دهی، گویا آن عقیفه کریمه را به زنا داده‌ای!!» امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ الْخُمْرِ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهَا؛^۴ کسی که دخترش را به شرابخوار بدهد، با این کار خود قطع رحم کرده است.»

شاید مراد از قطع رحم در این روایت این باشد که با این ازدواج سبب نازایی او شده است و یا مراد این است که او را از یک پیوند درست و ازدواج محکم و استوار محروم ساخته است.

بدینسان؛ آن کس که پای بند به واجبات الهی نیست، و از فسق و فجور پرهیز ندارد، اهلیت ندارد که دختری پاک و مؤمنه که امانت الهی است به او سپرده شود، که نه تنها دختر ضایع می‌گردد، بلکه فرزندان آنها متأثر از آثار سوء

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۴۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴،

ص ۵۳، ح ۲.

۲. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ص ۱۹۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۴۲.

۴. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه،

ج ۱۴، ص ۵۳.

وجودی آن شوهر خواهند شد. داده‌های علمی نیز نشان می‌دهد که شراب‌خوری والدین در خلقت فرزند اثر می‌گذارد؛ چه بسا فرزند در اثر آلودگی والدین به شراب، ناقص‌الخلقه متولد شود؛ حضرات معصومین علیهم‌السلام این حقیقت را اعلام فرموده‌اند: «الْحُرَامُ يَبِينُ فِي الذَّرِّيَّةِ»^۱ آثار حرام در نسل آشکار می‌گردد! از این روایات می‌توان فهمید که چون شرابخوار، هتک حرمت فرمان خداوند کرده و به آن بی‌اعتنایی نمود و دست به سرکشی و طغیان زده است، نسبت به همسر و فرزندان نیز چنین خواهد کرد، حرمتشان را خواهد درید؛ حقوقشان را ادا نخواهد کرد و موجبات آزار و اذیتشان را فراهم خواهد ساخت و صفات رذیله و ناپسند او به همسر و فرزندان منتقل شده و فطرت پاکشان را آلوده خواهد کرد.

گفتنی است: یکی از مشکلات جدی جامعه ما، افراد معتاد به مواد مخدر است: لذا این سؤال پیش‌رو است که آیا دختران را می‌توان به عقد معتادها درآورد؟ در جواب باید گفت: گرچه عدم اعتیاد از معیارهای ازدواج نیست، اما نباید از این امر غافل بود، زیرا اعتیاد سبب اختلال در نظام خانوادگی می‌گردد. متأسفانه معتادان خود را پایبند به هیچ مقرراتی نمی‌دانند و به خاطر تأمین نیازشان به هر کاری زشت دست می‌زنند؛ ارزش‌های خانوادگی را زیر پا می‌گذارند و حقوق همسر و فرزندان را رعایت و ادا نمی‌کنند، از این رو، ازدواج با این‌گونه افراد، ازدواج موقفی نخواهد بود. امروزه نقش زیانبار این آلودگی‌ها در ویرانی خانواده‌ها و نابودی نسل جوان بر همگان روشن است و در ضمن، آثار زیانبار اینها در تولد فرزندان ناقص‌العقل و عقب‌افتاده نیز ثابت شده است.

بنابراین، به صلاح انسان نیست که با شخص فاسق، مشروب‌خوار، قمارباز،

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب ۱، ص ۸۱.

معتاد، ازدواج کنند، گرچه ثروت مند و دارای جاه و مقام باشد، زیرا ازدواج با چنین افرادی هم به حیثیت و آبروی انسان لطمه وارد می‌سازد، هم موجب ناراحتی و اختلاف و ناسازگاری می‌گردد، و به طور خلاصه ازدواج با چنین افرادی هم به دین و آخرت انسان لطمه می‌زند، هم سعادت و آرامش خانوادگی را سلب می‌کند.^۱

۱. ر.ک: ابراهیم امینی، جوان و همسر گزینی، ص ۱۳۵.

بررسی روابط عروس و مادرشوهر

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا

اشاره

روابط بین عروس و داماد با خانواده همسر، از دیرباز در فرهنگ ایرانی و حتی در فرهنگ‌های دیگر، مسئله‌ای قابل اهمیت بوده است. اگر بگوییم رابطه عروس و مادرشوهر، جزء پیچیده‌ترین، معنادارترین و پرفراز و نشیب‌ترین رابطه‌ها در گستره روابط اجتماعی فرد پس از ازدواج است، بیراه نگفته‌ایم. زن و مرد، حتی با بیشترین تناسب، پس از ازدواج با اختلاف نظرها و سلیقه‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند که میان آنها و یا بستگان مرتبط با آنان وجود دارد؛ از جمله، بسیاری از مشکلات ارتباطی بین مادرشوهر و عروس، ناشی از نگرش‌های نادرست، سوء تعبیرها، دلخوری‌های مداوم، حساسیت‌ها، توقعات بیجا، خودخواهی‌ها، نداشتن شناخت کافی از یکدیگر و پیش‌زمینه‌های غرض‌ورزانه است.

معمولاً عروس خانم‌ها از بی‌احترامی مادرشوهر و به رسمیت نشناختن هویت آنها و دخالت‌های نابجا در زندگی زن و شوهر گله دارند و مادرشوهرها نیز از بی‌تجربگی و غرور عروس و بی‌توجهی به شوهر و آشفتگی خانه و گوش سپردن مدام به حرف‌های مادر و خواهرش شکایت می‌کنند. این مشکل،

در واقع، چالشی فرهنگی است. در این نوشتار، به بررسی روابط عروس و مادرشوهر می‌پردازیم.

علل اختلاف عروس و مادرشوهر

دلایل را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. پیش‌داوری

خیلی وقت‌ها رابطه مادرشوهر و عروس، آغشته به پیش‌داوری و سوء تعبیرهاست که از حرف‌های اطرافیان و گفتن تجربه‌های منفی آنان و دیدن رفتارهای ناپسند مادرشوهر، ناشی شده است. متأسفانه، آن‌چنان فضای موجود تیره‌وتار جلوه داده شده که گویی هرگز نباید سازش و انعطافی بین عروس و مادرشوهر حاصل شود. در بسیاری از گفتگوها، مادرشوهر، تیغ‌های کنار گل و دخالت‌کننده و فضول‌زدگی تلقی شده، عروس نیز غریبه‌ای غاصب و غالب بر فرزندی که بزرگش کرده و دو دستی تقدیم هووی خود کرده است!

گاهی اطرافیان ناآگاه، حتی پیش از وارد شدن عروس به خانه جدید، مادرشوهر ساده‌لوح را تحریک می‌کنند که عروس را از همان روز اول، تحت امر و سلطه خود در آور و به اصطلاح، گربه را دم حجله بکش، یا به دخترانمان به طور ناخودآگاه یاد می‌دهیم که وقتی به خانه بخت رفتند، مواظب خواهر و مادرشوهر خود باشند و کم نیاورند! به این ترتیب، آنان را با سپر دفاعی به خانه بخت می‌فرستیم. کم نیستند دختران جوانی که از ترس گرفتار نشدن در دام و دامن مادرشوهر ازدواج نمی‌کنند و یا با ذهنیتی غلط، وارد زندگی زناشویی شده، از اوان زندگی، با دیدی منفی و جهت‌دار به چالش‌های تلخ و فرساینده با مادرشوهر می‌پردازند، گویی مجبور است در مقابل خانواده همسر همواره جبهه‌گیری کند. بر اساس این واقعیت که «از کوزه همان برون تراود که در

اوست»، وقتی ذهن، منفی باشد، زبان هم تلخ و گزنده و زندگی آزاردهنده و پُرتنش خواهد بود. اگر این ذهنیت غیرواقعی و نادرست دوسویه باشد، آسیب‌ها و چالش‌های عروس و مادرشوهر همچون سیل و زلزله‌ای مرگبار، ذهن و زندگی هر دو سورا نابود خواهد ساخت.

۲. اختلاف دونسل

نتایج برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد که حتی اگر عروس و مادرشوهر برای هم احترام بالایی قائل باشند و بین آنها کمترین حد تعارض و اختلاف وجود داشته باشد، باز از نظر روان‌شناختی، نوعی گسست بین آنان وجود خواهد داشت. بعضی روان‌شناسان اجتماعی، نوعی تعارض بین نسلی را در این زمینه دخیل می‌دانند. افکار و رفتار نسل‌ها با یکدیگر متفاوت است و اختلاف سلیقه‌ها و خواسته‌ها، به تعارض مادرشوهر و عروس می‌انجامد.

۳. ترس از کم‌رنگ شدن موقعیت

علت اصلی وجود مشکل و اختلاف بین عروس و مادرشوهر، این است که پسر برای مادر ثمره تلاش‌ها و درگیری‌های عاطفی اوست. بدیهی است که مادر، فرزند خویش را دوست دارد و او را جگرگوشه خود می‌داند. مادر، خود را تنها حامی و دلسوز پسر می‌داند و با ازدواج فرزندش، خویش را در کنار پسر نمی‌بیند. او در خانه‌ای که خود در ساخت و برپایی‌اش نقش داشته، هویت خویش را می‌یابد. طبیعی است که هر فردی یا وضعی که این نقش را با مخاطره روبه‌رو کند یا عشق و عواطف فرزندان را از او به جانب دیگری بازگرداند، نوعی تهدید محسوب می‌شود. از سوی دیگر، عروس با دنیایی از آرزوها پای به زندگی جدیدی گذاشته و می‌خواهد به دور از دخالت دیگران، زندگی‌اش را اداره کند. او همه توجه، محبت و فکر همسرش را برای خود می‌خواهد و

نمی‌تواند جایگاه اول محبت همسرش را به جای خویش، به مادرشوهرش بدهد. او مایل نیست که کس دیگری جز وی به شوهرش چیزی بگوید، از او چیزی بخواهد، نیز این فکر و اندیشه را نمی‌پذیرد که: پیش از اینکه شوهر تو باشد، پسر من است.

۴. نیاز به احترام و اثبات هویت

با نگاهی اجمالی به علل ایجادکننده تعارض‌ها، می‌توان دریافت که نیاز اولیه مادرشوهر، کسب احترام و حرمت در روابط و درک عواطف و دلسوزی اوست. نیاز اولیه عروس، دارا بودن عرصه برای تجربه، آزمون و خطا، یادگیری مدیریت زندگی تازه تشکیل شده و اثبات هویت و توانایی خویش است. دعوا و اختلاف از اینجا شروع می‌شود که عروس کلام یا رفتار مادرشوهر را نوعی دخالت در زندگی خود و اهانت به خویش تلقی می‌کند و از طرف دیگر، مادرشوهر هم انتظار دارد که عضو تازه خانواده، احترام او را نگه دارد و جایگاهی خاص برایش در نظر بگیرد.

۵. حمایت‌های افراطی

مادر، فرزند خویش را بیش از حد دوست دارد و او را، هنوز همان پسر خردسال، نوجوان و جوان سال‌های پیش می‌پندارد که در آغوشش پرورش یافته است؛ اما عروس خانم نمی‌خواهد شوهرش را آقا پسر همیشه مادر و یا «بچه ننه» ببیند! این گونه پندارها و حمایت‌های افراطی ناشی از آن، زمینه‌ساز پدیدآیی نگرش‌ها و رفتارهای نه چندان مطلوب نسبت به شخصیت عروس خانواده می‌شود.

راه حل‌ها

اختلاف داشتن در زندگی، امری کاملاً طبیعی است و مشکل محسوب نمی‌شود؛ بلکه شیوه حل اختلاف است که همواره می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

اگرچه نمی‌توان برای همه عروس‌ها و مادرشوهرها، یک نسخه پیچید، اما توجه به برخی مهارت‌های ارتباطی می‌تواند بخشی از مشکلات را تا حدی برطرف سازد:

۱. اصلاح نگرش

رابطه میان عروس و مادرشوهر، در بسیاری اوقات آغشته به پیش‌داوری است. گاهی مادرشوهر با عروس صحبتی می‌کند که عروس آن را کنایه می‌پندارد و گاهی عروس حرفی به مادرشوهر می‌زند که مادرشوهر آن را مغرضانه قلمداد می‌کند. شاید اگر دختران جوان به گونه‌ای تربیت شوند که ذهنیت بدی از مادرشوهر نداشته باشند، بسیاری از مشکلات میان آنها به وجود نخواهد آمد. برای اصلاح عملکرد و تعامل نامطلوب بین عروس و مادرشوهر، باید نگاه معیوب آنان را که محصول فرهنگ و عادت‌ها و تلقین‌های غلط جاهلان و بیماردلان است، اصلاح کرد. در مواردی دیده شده که عروس خانواده، از صحبت‌هایی که از مادرشوهر خود می‌شنود، ناراحت می‌شود؛ درحالی‌که چه بسا همان حرف‌ها را از مادر خود می‌شنود، ولی ناراحت نمی‌شود؛ زیرا در قبال مادرش حساسیت نشان نمی‌دهد و راحت از کنار آنها می‌گذرد؛ در صورتی که اگر همین روش در برابر مادرشوهر نیز به کار گرفته شود، مشکلی پیش نخواهد آمد. همچنین مادرشوهر این ذهنیت غلط را باید به زباله‌دان زندگی بیندازد که عروس جای مادرشوهر را گرفته و دل و دیده پسرش را از آن خود ساخته است. همه مادرشوهرها بدانند هیچ زنی نمی‌تواند جای مادر را اشغال کند.

۲. شناخت

عموماً خانم‌ها و همین‌طور آقایان، با یک نگاه ایده‌آل وارد خانواده جدید می‌شوند؛ درحالی‌که باید بپذیرند همه انسان‌ها نقص‌هایی دارند. تجربه نشان داده است بین خانواده‌ها و زوج‌های جوان در اوایل زندگی مشترکشان به دلیل

عدم آشنایی از روحیه و خلق و خوی همدیگر و اختلاف نظرها و سلیقه‌ها، در مسائل جزئی دچار تنش می‌شوند. کمال خواهی، مطلق‌نگری و ایده‌آل‌گرایی آنها، شیرینی زندگی را به تلخی تبدیل می‌کند. برای اینکه زوجها در آغاز زندگی مشترک بتوانند ارتباط خوبی با خانواده همسر خویش برقرار کنند، ابتدا باید میزان آگاهی خود را از خصوصیت‌ها و روحیه‌های خانواده‌ها بالا ببرند. پس از شناخت و درک، به‌راحتی می‌توانند از برخی رفتارها که موجب تحریک مادرشوهر و بروز اختلاف می‌گردد، دوری کنند و بعضی رفتارهای آنان را بدون اینکه ناراحت شوند، بپذیرند. هرکسی رگ خوابی دارد. هوشمندی عروس، در پیدا کردن رگ خواب همسر و خانواده اوست. آگاهی پیدا کردن نسبت به خلق و خواسته‌ها و نیازهای مادر همسر، نه تنها از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری می‌کند، بلکه رعایت هرکدام از این موارد، می‌تواند به شکل‌گیری رابطه مثبت بینجامد.

۳. احترام متقابل

با نگاهی اجمالی به علل ایجادکننده تعارض‌های بین عروس و مادرشوهر، می‌توان دریافت که نیاز اولیه مادرشوهر کسب احترام و حرمت در روابط و درک عواطف و دلسوزی اوست. این مسئله، خیلی برای والدین ارزشمند است که حتی اگر مخالف نظرشان هستیم، با حوصله و احترام سخنانشان را بشنویم و به آنها بگوییم که حتماً راهکارها و تجربه‌های شما را مدنظر قرار می‌دهیم و به آنها احترام می‌گذاریم. این مسئله مهم نیست که عروس ممکن است مادرشوهر خویش را دوست نداشته باشد؛ آنچه مهم است، احترام‌نهادن به تفکر و عواطف مادرشوهر است.

رابطه‌ای که در آن احترام حاکم باشد، هرگز به تنش و دعوا و درگیری متمایل نمی‌شود. احترام به مادر و پدر همسر و تکریم شخصیت ایشان توسط

عروس خانم، از اصول مهم زندگی مشترک و از معیارهای اصلی حُسن تدبیر در حیات زوج‌های جوان است. احترام نسبت به خانواده همسر، نشانه پذیرش و درک همسرمان می‌باشد.

احترام به بزرگ‌ترها، از دستورعمل‌های اخلاقی اسلام است و کانون خانواده‌ها را گرم و باصفا می‌سازد و این، توصیه امام صادق علیه السلام است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كِبِرَنَا وَ لَمْ يُرْحَمْ صَغِيرَنَا؛^۱ کسی که بزرگ ما را احترام نکند و کوچک ما را مورد مهربانی و عطوفت قرار ندهد، از ما نیست.» این سخن را نیز از امیر مؤمنان علی علیه السلام به یاد داشته باشیم: «يَكْرَهُ الْعَالِمُ الْعِلْمِيَّ وَ الْكَبِيرُ لِسْتَهٗ؛^۲ دانشمند را به جهت علمش، و بزرگسال را به دلیل سن او، باید احترام کرد.» امام علی علیه السلام در یکی از سخنان خویش، ضمن انتقاد از اوضاع زمانه و ناهنجاری‌های رفتاری مردم، از جمله بر این دو مسئله تأکید می‌نماید: «إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ... لَا يُعْظَمُ صَغِيرُهُمْ كِبِرُهُمْ وَلَا يَعُولُ غَرِيْبُهُمْ فَفَقِيرُهُمْ؛^۳ در زمانه‌ای به سر می‌برید که کوچک‌تر، بزرگ‌تر را گرامی نمی‌دارد و ثروتمند، به فقیر رسیدگی نمی‌کند!» البته احترام گذاشتن اصلاً به معنای منفعل بودن و غلام حلقه‌به‌گوش بودن نیست؛ اما کافی است که عروس گاهی خود را جای پدر یا مادر همسرش بگذارد. از سوی دیگر، مادرشوهر نیز به منظور حفظ حرمت خود، باید به عروس جوان خویش احترام بگذارد و او را همچون دختر عزیز خویش دوست داشته باشد و آرامش و راحتی او را آرزوی قلبی خود بداند. به جای زبان انتقاد و رفتار دخالت‌آمیز، باید رفتار حمایتی همراه با تکریم شخصیت زوج جوان داشته باشد. گفتار و رفتارش به گونه‌ای باشد که بقیه فرزندان (خواهر و برادر شوهر) تأیید و تکریم را از او بیاموزند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۴۷۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۶۹.

۴. اظهار محبت

زن آگاه و دانا و بادرایت، رفتاری پسندیده و صمیمی با خویشان شوهر خود در پیش می‌گیرد. قرآن درباره روابط با دیگران می‌فرماید: «ادْفَعِ بِلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۱ بدی را با شیوه‌ای که نیکوتر است، دفع کن که ناگاه خواهی دید همان که میان تو و او دشمنی بود، چون دوستی صمیمی گشته است.»

«واکنش مثبت در برابر کنش و عمل منفی»، سیره معصومان عليهم السلام است. یکی از مهم‌ترین قوانین روابط انسانی می‌گوید: «الانسان عيبُ الاحسان»؛ یعنی به هرکسی که محبت کنی، او را اسیر خود کرده‌ای. گفته‌اند: «دختری پس از ازدواج نمی‌توانست با مادرشوهرش کنار بیاید و هر روز با او جروب‌بحث می‌کرد. عاقبت دختر نزد داروسازی که دوست صمیمی پدرش بود رفت و از او تقاضا کرد که سمی به او بدهد تا بتواند مادرشوهرش را بکشد! داروساز گفت: اگر سم خطرناکی به او بدهد و مادرشوهرش بمیرد، همه به او شک خواهند کرد. پس معجونی به دختر داد و گفت: هر روز مقداری از آن را در غذای مادرشوهرت بریز تا سم معجون کم‌کم در او اثر کند و وی را بکشد. او همچنین توصیه کرد: در این مدت، با مادرشوهرت مدارا کن تا کسی به تو شک نبرد. دختر، معجون را گرفت و خوشحال به خانه برگشت و هرروز، مقداری از آن را در غذای مادرشوهر می‌ریخت و با مهربانی به او می‌داد. هفته‌ها گذشت و با مهر و محبت عروس، اخلاق مادرشوهر هم بهتر و بهتر شد؛ تا آنجا که یک روز دختر نزد داروساز رفت و به او گفت: دیگر از مادرشوهرم متنفر نیستم. حالا او را مانند مادرم دوست دارم و دیگر دلم نمی‌خواهد که بمیرد. خواهش می‌کنم داروی دیگری به من بدهید تا سم را از بدنش خارج کند. داروساز لبخندی زد و گفت:

دخترم، نگران نباش! معجونی که به تو دادم، سم نبود؛ بلکه سم در ذهن خود تو بود که حالا با عشق به مادرشوهرت، از بین رفته است.»^۱

اسلام سفارش کرده است به محبت قلبی اکتفا نکنید؛ بلکه آن را اظهار نمایید. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ؛^۲ اگر به کسی علاقه و محبت داشتی، او را آگاه کن.» در روایت است که مردی از مسجد گذر کرد، درحالی که امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مسجد نشسته بودند. یکی از اصحاب گفت: به خدا قسم! این شخص را دوست می‌دارم. امام فرمود: پس به او خبر بده؛ چراکه خبر دادن، هم مودت و دوستی را پایدارتر می‌کند و هم در ایجاد الفت، خوب است.^۳ از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز روایت است: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ أَوْ أَوْأَاهُ فَلْيُعَلِّمْهُ؛^۴ هرگاه کسی از شما دوست یا برادر دینی‌اش را دوست بدارد، به او اعلام کند.»

شیوه‌های جلب محبت عبارت‌اند از: گذشت، صداقت، نقدپذیری، توقعات مناسب نه بیجا، داشتن خوش‌بینی، خرج نتراشیدن برای شوهر، حفظ اموال شوهر، عدم توجه به دخالت‌های افراد بیگانه، مقایسه نکردن، انتقاد به سبک بسیار محترمانه و خیلی دقیق و ظریف، دستورندادن، تواضع، تبسم، پرهیز از احترام ریاکارانه، انصاف، وفاداری، هدیه، نرمی در گفتار، دعا و صلۀ رحم.

از محبت خارها گل می‌شود از محبت سرکه‌ها مِل می‌شود

۱. محمدحسین قدیری، ماهنامه خانه خوبان ویژه خانواده‌ها، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۲، ش ۵۲ و ۵۳، ص ۸.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۸۱.
۳. همان.
۴. همان، ص ۱۸۲.

۵. مدارا

یکی از عناصری که در تحقق سازگاری و آرامش زندگی، به خصوص ایجاد آرامش در زندگی مشترک، نقش بسزایی دارد، مداراست. کمتر عاملی را می‌توان یافت که در این حد بتواند در ایجاد و تثبیت آرامش نقش ایفا کند. اساساً بدون رفق و مدارا نمی‌توان از زندگی بهره برد. خودروه‌های شخصی که میلیون‌ها انسان را از جایی به جای دیگر انتقال می‌دهند، قطعاً بدون وجود انعطاف در لاستیک‌های چرخ، نمی‌توانند تحرکی داشته باشند. زندگی انسان نیز محتاج مدارا کردن و رفق و انعطاف است؛ در یک مثال ساده، می‌توان گفت: هراندازه فرهای خودرو، قوی‌تر و سالم‌تر باشد، بهتر و راحت‌تر، از ناهمواری‌ها عبور می‌کند؛ ولی اگر فرهای خودرو، حالت فنری خود را از دست داده باشند، در برخورد با دست‌انداز کوچک هم دچار مشکل می‌شود. در روابط اجتماعی و خانوادگی نیز اگر روحیه مداراگری حاکم نباشد، برخوردها، تند و شکننده خواهد بود. بسیاری از تنش‌ها، قهرها، دوری‌ها و جبهه‌گرفتن‌ها، با اتخاذ روش مدارا، رخت می‌بندد و بذر عطوفت و مهربانی در جامعه کاشته شده، شبنم‌های مهر در گلبرگ دل‌ها می‌نشیند.

مدارا، در لغت به معنای ملاحظت و نرمی و ملایمت و احتیاط کردن آمده است.^۱ در کتاب‌های اخلاقی می‌خوانیم: رفق، صفتی است پسندیده که در برابر عُنْف و شدت است و عُنْف، نتیجه خشم و غضب است. رفق و لینت، از آثار خوش خلقی و سلامت جان می‌باشد.^۲ ریشه بسیاری از کشمکش‌ها و درگیری‌ها را می‌توان در حساسیت‌های نابجا و عدم وجود روحیه رفق و مدارا جست. قوام بقای خانواده، به عواملی مانند میزان مدارای افراد در برابر خطاهای

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ماده «دری».

۲. ملامحسن فیض کاشانی، المحجّة البیضاء، ج ۵، ص ۳۲۲.

دیگران و روحیه همکاری، وابسته است. امام علی علیه السلام می فرماید: «دَارِ النَّاسِ تَأْمَنُ غَوَائِلُهُمْ وَتَسْلَمُ مِنْ مَكَايِدِهِمْ»^۱ با مردم مدارا کن تا از مکر و تزویر آنها در امان مانی.» پس می توان گفت: مدارا، نوعی سیاست مصلحت جویانه است که در تحکیم پایه های حکومت اسلامی نقش مؤثری ایفا می کند. از این رو، امام علی علیه السلام به کارگیری اصل مهم، مدارا را، در رأس سیاست می داند.^۲

ناراحتی در مقابل رفتارهای ناشایست دیگران، مشکلی را حل نمی کند؛ بلکه اوضاع را وخیم تر می سازد. خشم و خشونت، عصبانیت و لجابت طرف مقابل را برمی انگیزاند که قطعاً پایان خوبی نخواهد داشت؛ اما احسان و مدارا با دیگران، به خشونت پایان می دهد. اگر با هر اتفاق ساده ای، بیهوده خود را ناراحت کنیم، وقت و انرژی خویش را که می تواند صرف تجربه اندوزی شود، از دست داده ایم؛ بدون آنکه نتیجه ای گرفته باشیم؛ اما با روش صحیح مدارا، می توانیم شخصیت خود را در آینه رفتار ناموزون دیگران، بازایبیم. با حلم و مدارا و مدیریت اخلاقی، برخوردهای تلخ و گزنده دیگران را خنثی کرده و فضای عصبیت، انتقام جویی و مجادله را تلطیف نموده، نرمش و آرامش را در فضای موجود حاکم کنیم.

۶. تغافل

بهترین راه حل برای خروج از عصبانیت و تنش، عمل کردن به شیوه ای است که اسلام آن را پیشنهاد کرده و آن، تغافل و چشم پوشی است. تغافل، یعنی خود را به غفلت زدن و نادیده گرفتن برخی کارها و حرف ها. آنچه آدمی را از پا در می آورد، ادامه و استمرار فشارهای روانی و عصبی پس از وقوع حوادث است که حالت خودخوری و غصه خوردن به وجود می آورد و می توان آن را شکنجه

۱. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۵۴.

روانی نامید. مرور و کش‌دار کردن این مسائلی، حاصلی جز افسردگی و اضطراب ندارد. در امور زندگی و برخوردهای اجتماعی و مسائل که در خانواده به وجود می‌آید، نباید کور باشیم؛ ولی در برخی مواقع، بهتر است چشم‌های خود را ببندیم و برخی کارها را نادیده بگیریم. کسانی که تغافل نمی‌کنند و دنبال حرف را می‌گیرند و نمی‌خواهند حوادث گذشته را فراموش کنند، همواره در رنج و عذاب به سر می‌برند.

زندگی خانوادگی، پُر است از فرصت‌هایی که می‌توان در آنها، از گناه کوه ساخت و یا از کوه، گناه ساخت. افراد هوشمند و خردمند، راه دوم را انتخاب می‌کنند و زحمتی طاقت‌فرسا برای خویش و دیگران ایجاد نمی‌کنند. امیر مؤمنان علیه السلام درباره ارزش تغافل، نادیده‌انگاشتن و چشم‌پوشی در خانواده می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَعْضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَعَّصَتْ عَيْشَتُهُ؛^۱ هرکس در زندگانی خویش تغافل نکند و از بسیاری از امور جزئی چشم‌پوشی نکند، عیش و زندگانی او ناگوار می‌شود.» همچنین می‌فرماید: «لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهُلِ، لَا حِلْمَ كَالْتَّغَافُلِ؛^۲ تدبیری، مانند خود را به بی‌خبری زدن و صبری، همچون خود را به فراموشی زدن نیست.»

۷. عفو و گذشت

در دیدگاه اسلامی، گذشت به عنوان یکی از روش‌های درمانی در اصلاح رفتار فرد با دیگران به کار می‌رود و شرط پایداری زندگی و ایجاد فضایی سالم و مسالمت‌آمیز در خانواده و جامعه قلمداد می‌شود. افرادی که نمی‌توانند خطاهای دیگران را ببخشند، نه تنها خطاهای کوچک را بزرگ می‌کنند، بلکه به علت کینه‌توزی، کارهای مثبت دیگران از قبیل: محبت، صفا و صمیمیت را نیز

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۴۵۵.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۵۶.

نادیده می‌گیرند و می‌پندارند اشخاص با نیرنگ می‌خواهند آنها را فریب دهند. این گونه افراد، حتی به دیگران بدبین می‌شوند؛ زیرا خطای اتفاق افتاده را به آنان نیز سرایت می‌دهند. عفو، یک نوع نرمش قهرمانانه و روش بزرگوارانه و برخورد مهربانانه است که از بلندنظری، شرح صدر، بردباری و متانت اخلاقی فرد حکایت می‌کند. عفو و گذشت، در رأس ارزش‌ها قرار دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَفْوُ تَأْجِ الْمَكَارِمِ»^۱ عفو و گذشت، زینت فضیلت‌های اخلاقی است.»

در مقابل، نداشتن روحیه گذشت، بدترین عیب محسوب می‌شود. آن حضرت فرموده: «کمی عفو و گذشت، زشت‌ترین عیب‌هاست و شتاب کردن برای انتقام، بزرگ‌ترین گناه است.»^۲ دلیل کارنگی می‌گوید: «ما صاحب آن خُلق سلیم و روح ملکوتی نیستیم که بتوانیم دشمن خود را دوست بداریم؛ ولی برای سلامت و خوشی خود، باید آنها را ببخشیم و فراموششان کنیم.» کنفوسیوس نیز در این باره گفته: «اگر کسی بدی بکند یا مال شما را برآید، اهمیتی ندارد؛ بلکه فراموش نکردن و پیوسته به خاطر آوردن آن است که شما را ناراحت می‌کند.»^۳

۸. استفاده از مهارت‌های خاص

عروس و مادرشوهر می‌توانند با استفاده از مهارت‌های ارتباطی، از بروز ناراحتی و تنش پیشگیری کنند. برخی از مهارت‌ها عبارت‌اند از:

- عروس، نزد مادرشوهر خود، نسبت به همسرش رفتار و گفتار تند و غیراخلاقی نشان ندهد و او را با صدای بلند صدا نزند.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۰۵.

۳. دلیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۱۳۱.

- عروس، نقش و جایگاه راهبردی مادرشوهر را ندیده نگیرد. در عین صمیمیت، باید رابطه‌شان را به گونه‌ای بسازد که حریم‌ها باقی بماند. این، بهترین راه برای جلوگیری از تنش است.

- عروس، بزرگوارانه برای سهیم کردن زنی دیگر در قلب شوهرش پیش قدم شود؛ مثلاً از او بخواهد گاهی تنها به خانه مادرش برود و یا هدیه‌هایی تهیه کند که به مادرش بدهد.

- بی‌اهمیتی به والدین همسر، قطع رابطه با آنها، کاستن علاقه فرزندان به خانواده طرف مقابل، جبهه‌گیری در بیشتر موارد، توجه بیش از حد به والدین خود، فقط در طول زمان به جدایی بیشتر زوج از یکدیگر می‌انجامد و زمینه اختلاف‌های بعدی را فراهم می‌کند.

- برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ خانه، نظر مادرشوهر را جویا شود. بدین ترتیب، هم از به‌وجود آمدن درگیری‌های احتمالی پیشگیری شده و هم احترام او محفوظ مانده است.

- در بحث‌ها و جدال‌های خانوادگی، بهتر است عروس حرفی نزند و اجازه دهد همسر که مادرش را بهتر می‌شناسد، با برعهده گرفتن نقش میانجی، مشکل را حل کند. جنگیدن شما با مادرشوهر، هیچ فایده‌ای جز به لرزه درآوردن پایه‌های زندگی مشترک نخواهد داشت. واقعیت این است که در این رابطه، عروس باید در حاشیه حضور داشته باشد و همسر، نقش جاده‌صاف‌کن را بر عهده بگیرد.

- گاهی عروس اجازه دهد مادرشوهر، مادری نماید. عروس وانمود کند که به او محتاج است و بخش‌هایی از زندگی‌اش بدون حضور او لنگ می‌ماند؛ مثلاً مادرشوهر پیشنهاد خریدن سبزی را می‌دهد یا اینکه دوست دارد گاهی غذا درست کند. هیچ‌کدام از این رفتارها و مشابه آن، به استقلال عروس صدمه‌ای نمی‌زند.

- عروس نباید نزد خانواده شوهرش از همسر خود بدگویی کند. پدر و مادرها عیوب فرزندانشان را خوب می‌دانند و نیازی به یادآوری آنها نیست. انجام این کار، مشکلات عدیده‌ای را سبب می‌شود.

- مادرشوهر، برای خوشبختی، آرامش و سعادت فرزندان، اجازه دهد عروس و داماد افتان و خیزان در مسیر پُرفراز و فرود زندگی، گلیم خود را از آب بیرون بکشند و شیوه و شکل زندگی و تعامل خویش را خود انتخاب کنند. دخالت پیوسته مادرشوهر در برنامه زندگی زوج‌های جوان و احضار پی‌درپی پسر و در اختیارگرفتن بخش قابل توجهی از اوقات او، زمینه بدبینی و پیش‌فرض‌های نادرستی را در ذهن عروس ایجاد می‌کند.

- مادرشوهر باید بداند که دخترش به‌زودی عروس خانواده دیگری می‌شود و اگر امروز عروس خود را برنجانند، فردا دخترش به وسیله مادرشوهرش در رنج و عذاب گرفتار خواهد شد؛ چراکه:

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید، جوز جو

- آقادماد می‌تواند نقش مهمی در بهبود روابط مادر و همسرش داشته باشد؛ مثلاً با توجه به حساسیت احتمالی مادر نسبت به زندگی تازه و شخصیت عروس خانم، کاستی‌ها و نارسایی‌های زندگی مشترک و ضعف‌ها و کوتاهی‌های همسر خویش را به خانواده مادری خود انتقال ندهد. از سوی دیگر، گله‌های احتمالی مادر و خواهر خود را به خانمش منتقل نسازد و در عوض، از تعریف و تمجید آنان نسبت به شخصیت خوب عروسشان سخن بگوید و این خود، زمینه پدیدآیی نگرش‌های مثبت و رفتارهای خوشایند نسبت به خانواده همسر در اندیشه و عمل عروس خانم خواهد بود.

رفتارشناسی زن در برابر همسر

عذرا انصاری

اشاره

بی تردید، شوهرداری، هنر است و اگر زنان به این هنر آشنا باشند، می‌توانند با انجام وظایف خود، خانه را به صورت «بهشت» درآورند و از شوهر و فرزندان خویش، افرادی لایق بسازند. ازاین‌رو، از نظر اسلام شوهرداری از اهمیت والایی برخوردار است. رسول خدا ﷺ فرمود: «لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا؛^۱ اگر سجده برای غیر خدا جایز بود، هر آینه به زن دستور می‌دادم که بر شوهرش سجده کند.» علی عليه السلام نیز فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ النَّبْتِ؛^۲ جهاد زن، خوب‌شوهرداری است.»

این نوشتار که در محورهای زیر سامان یافته، می‌کوشد چگونگی رفتار زن در برابر شوهر را بیان نماید.

۱. شناخت شوهر

خانواده، جامعه کوچکی است که اصول و ساختار خاص خود را دارد. در

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۵۰۷.

اسلام، خانواده به «بنا» تعبیر شده است^۱ که بر اساس معماری و مهندسی و قوانین ویژه‌ای شکل می‌گیرد. اگر زن و شوهر این قوانین را رعایت نکنند، نظام خانواده فرو می‌ریزد. یکی از قواعد، آن است که زن و شوهر در آغاز زندگی همدیگر را بشناسند و با تفکر، اخلاق، خواسته‌ها و تمایلات یکدیگر آشنا شوند؛ البته شناخت باید به منظور تحکیم بنیاد زناشویی و دستیابی به راه‌های تنظیم زندگی و تعدیل خواسته‌ها باشد؛ نه به قصد عیب‌جویی و کشف نقاط ضعف شخص مقابل. اگر با چنین دیدی در صدد شناخت هم برآیند، چنانچه نقطه ضعفی از همدیگر یافتند، هرگز به بزرگنمایی آن مبادرت نمی‌ورزند؛ بلکه سعی می‌کنند وضع موجود را به نیکویی اصلاح نمایند.^۲

برخی مشکلات خانوادگی، ناشی از عدم شناخت زن و شوهر از یکدیگر می‌باشد؛ زن همان انتظار را از شوهر دارد که شوهر از همسر خویش دارد؛ و حال اینکه زن و مرد وظایف متفاوتی نسبت به هم دارند.

۲. آراستگی

انسان، به مقتضای فطرت، زیباگرا و جویای آراستگی است و از ژولیدگی نفرت دارد. به همین دلیل، اسلام به پیروانش دستور می‌دهد که همواره نمودهای زشتی را از خود دور سازند و با ظاهری آراسته و زیبا ظاهر شوند. آراستگی، یکی از مسئولیت‌های اخلاقی زن در برابر شوهر است؛ زیرا رعایت این امر، باعث ایجاد روابط عاشقانه و رضایت شوهر می‌گردد. چه بسا زن با این کار، نقش مهمی در حفظ عفت شوهر و سلامت جامعه ایفا می‌کند. از طرفی، با آرایش خود برای همسرش، توجه او را جلب نموده، خواسته‌های او را از طریق

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶۲: «مَا بُنِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ التَّرْوِيجِ.»

۲. ابراهیم امینی، همسررداری، ص ۱۷.

مشروع تأمین می‌کند و این امر سبب می‌شود که شوهرش از نامحرمات چشم بپوشد و تنها به او عشق ورزد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَعَلَيْهَا أَنْ تَطِيبَ بِأَطْيَبِ طِيْبِهَا وَتَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَتَزِينَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَتَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً؛^۱ بر زن لازم است که خود را با بهترین عطرها خوشبو نماید و به نیکوترین وجه آرایش کند و بهترین لباس‌های خود را بپوشد و بامدادان و شامگاهان خود را برای شوهر آماده کند.»

امام باقر (ع) می‌فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعَطِّلَ نَفْسَهَا وَلَوْ تُلَقِّ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً وَلَا يُبْغَى أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَلَوْ تَمَسَّحَهَا مَسْحًا بِالْحَنَاءِ وَإِنْ كَانَتْ مُسِنَّةً؛^۲ سزاوار نیست که زن، اگرچه پیر باشد، خود را بی‌زیور بگذارد؛ هرچند با آویختن یک گردن‌بند. و شایسته نیست که دستش را بدون خضاب بگذارد؛ هرچند با مالیدن کمی حنا.»

اما متأسفانه، کوشش برخی خانم‌ها بر این است که وقتی می‌خواهند به گردش بروند یا در مجلس جشن، شب‌نشینی و مهمانی شرکت کنند، آرایش می‌کنند، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشند و به بهترین وجهی که برایشان مقدور است، از منزل خارج می‌شوند؛ ولی به محض بازگشت به خانه، لباس‌های خوب و زیبا را از تن خارج ساخته، لباس‌های معمولی خود را می‌پوشند و یا در داخل خانه، نظافت را رعایت نمی‌کنند، آرایش و زینت نمی‌نمایند و با موهای ژولیده و لباس‌های ساده در منزل ظاهر می‌گردند؛ درحالی‌که باید برعکس باشد. زن باید در خانه برای شوهرش آرایش و دلبری کند تا دلبران کوچک و خیابان نتوانند در دلش جا باز کنند.

شخصی می‌گفت: خانم بنده در خانه، با خدمتکارمان قابل تشخیص

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۵۰۹.

نیست. به خدا برخی وقت‌ها با خود می‌گوییم: ای کاش خانمم، یکی از این لباس‌های قشنگ و زیبایی را که برای محیط کار و مهمانی‌اش دوخته، در خانه می‌پوشید و از این بلوزهای کهنه دست برمی‌داشت. چند بار به او گفتم: عزیزم! دست‌کم روزهای جمعه و تعطیل، یکی از آن لباس‌های قشنگ را بپوش؛ ولی او با ترش‌رویی پاسخ می‌داد: من در مقابل تو یا بچه‌ام مقید نیستم؛ اما اگر یک روز سر و وضع نامرتب باشد، جلوی همکارانم خجالت می‌کشم.^۱

زنان نباید به بهانه آراستگی برای شوهر، آراستگی خویش را در معرض تماشای دیگران قرار داده و با لباس‌های نامناسب از منزل خارج شوند. این‌گونه حرکات، موجب بی‌مهری شوهر و رواج فساد در جامعه می‌گردد: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»^۲ زنان، زینت‌های خود را جز آن مقدار که آشکار است (فَرَصَ صُورَتِ وَ دَسْت‌ها تا مچ)، برای دیگران آشکار نکنند. «خداوند خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^۳ همانند زمان جاهلیت پیش از اسلام، در بین مردم آشکار نشوند.»

۳. تأمین نیاز جنسی

بدیهی است که رابطه جنسی میان زن و شوهر، یکی از عوامل نشاط و استحکام خانواده است. آمارها نشان می‌دهد که بیشترین عامل افزایش طلاق در خانواده‌ها، رعایت نکردن این امر می‌باشد. زن در خلوت خود با همسرش، باید با ظرافت‌های خاص، آمادگی جنسی خویش را نشان دهد. از این‌رو، در اسلام پیش‌قدمی زن در مسائل جنسی، امری مستحب شمرده شده است. به همین دلیل، زن و شوهر برای ادامه زندگی مشترک، باید نیازهای جنسی همدیگر را

۱. ابراهیم امینی، همسررداری، ص ۱۲۹.

۲. نور، آیه ۱۳.

۳. احزاب، آیه ۳۳.

تأمین کنند. رضایتمندی از روابط جنسی، یکی از عوامل پایداری خانواده و سعادت زن و شوهر است. علی علیه السلام فرمود: «حُسْنُ الصَّوْرَةِ أَوَّلُ السَّعَادَةِ؛^۱ قشنگی و زیبایی چهره، نخستین پایه سعادت است.»

بر اساس نظر بسیاری از روان‌شناسان خانواده، اگر زوجین روابط جنسی خوبی با هم نداشته باشند، آمادگی دارند هر موضوع کوچکی را به بحرانی بزرگ تبدیل کنند و حتی کار به جدایی و طلاق بینجامد. بنابراین، زن موفق، زنی است که از خواسته‌های جنسی شوهر غفلت ننماید. قرآن کریم، زنان را به کشتزار تشبیه می‌کند که صاحبش در چهارچوب شرعی به‌هرنوعی می‌تواند از آن بهره‌مند شود.^۲ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: زن خوب، زنی است که نسبت به بیگانه عقیف و پاکدامن و شوهردوست باشد.^۳ حضرت در بیانی دیگر فرموده: زن وظیفه دارد که با بدن و لباس معطر و پاکیزه، توأم با آرایش و آراستگی کنار شوهر باشد و با ظرافت خاص، آمادگی خویش را در تمام ساعات مناسب شبانه‌روز به شوهرش اعلان نماید.^۴ حضرت از این موضوع به عنوان یک کار عبادی یاد کرده و برای آمیزش همسران، ثواب‌های فراوان برشمرده است.^۵ نیز خطاب به زنان می‌فرمود: «بهترین عطرهایتان را بزنید، زیباترین لباس‌هایتان را بپوشید و خود را به بهترین زیورهایتان بیارایید و هر صبح و شام، خویشتن را به شوهرتان عرضه کنید.»^۶ حضرت توصیه می‌کرد که «اگر شوهرتان از شما تقاضای آمیزش کرد، به او جواب رد ندهید؛ هرچند سوار شتر باشید.»^۷ نیز «با

۱. آقاجمال خوانساری، شرح غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲. بقره، آیه ۲۲۳: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ.»

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۲۴: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ الْغَلِمَةُ.»

۴. همان، ص ۵۰۸.

۵. همان، ص ۴۹۵.

۶. همان، ص ۵۰۸.

۷. همان.

طول دادن نماز، خواسته شوهرتان را به تأخیر نیندازید»^۱ که اگر «زنی از پاسخ مثبت به شوهرش خودداری کند تا شوهرش به خواب رود، تا زمانی که بیدار شود، فرشتگان او را لعنت می‌کنند.»^۲

۴. محبت

همه انسان‌ها تشنه محبت هستند و دوست دارند که محبوب دیگران باشند. دل آدمی به محبت زنده است و کسی که بداند محبوب دیگران نیست، خود را بی‌کس می‌شمارد و همواره پژمرده و افسرده است. مرد خانواده هم از این احساس به دور نیست و تشنه محبت است. او پیش از ازدواج، از محبت‌های بی‌شایبه پدر و مادر برخوردار بوده؛ اما پس از ازدواج، خود را در اختیار همسرش قرار داده و انتظار دارد که محبت‌های آنان را از سوی زن مشاهده کند. از این‌رو، زن باید شوهر خویش را از صمیم قلب دوست داشته باشد تا شوهر نیز به او علاقه‌مند شود؛ زیرا محبت، پیوندی دوسویه است که به استواری بنیان زناشویی می‌انجامد. البته باید توجه داشت که صرف محبت قلبی کافی نیست؛ بلکه باید آن را به زبان آورد. چه اشکالی دارد که گاهی زن به شوهرش بگوید: عزیزم! واقعاً تو را دوست دارم؟ شکسپیر می‌گوید: «آنچه در زن، قلب مرا تسخیر می‌کند، مهربانی اوست؛ نه روی زیبایش. من زنی را بیشتر دوست دارم که مهربان‌تر باشد.»^۳ خداوند بزرگ در قرآن به محبتی که بین زن و شوهر وجود دارد، اشاره نموده: «خدا برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با آنان انس بگیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد.»^۴ امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

۱. همان.

۲. همان، ص ۵۰۹.

۳. ابراهیم امینی، همسررداری، ص ۳۲.

۴. روم، آیه ۲۱: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.»

«بعضی زن‌ها برای شوهرشان بهترین غنیمت هستند؛ زنانی که به شوهرشان اظهار عشق و محبت می‌کنند.»^۱ امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «وقتی کسی را دوست داری، به او خبر بده.»^۲

۵. احترام

یکی از نیازهای مهم انسان‌ها حفظ حرمت آنهاست. آدم‌ها دوست دارند دیگران به آنان احترام بگذارند. در عرصه خانواده نیز رعایت این امر ضروری است؛ یعنی زن و شوهر باید حرمت همدیگر را حفظ کنند. احترام زن به شوهر، به او توانایی می‌دهد و برای تلاش بهتر و بیشتر آماده‌اش می‌گرداند. سلام به او، به احترامش ایستادن، با ادب حرف زدن، گوش دادن به سخنان او، از جمله این امور است. زن سعی نماید هنگام ورود مرد به خانه، در را باز کند و با لب خندان و چهره باز به استقبالش برود و هنگام رفتن از منزل، او را بدرقه نماید. همین عمل کوچک، تأثیر شایسته‌ای در روح شوهر بر جای خواهد گذاشت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ أَمْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَنُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ»^۳ خوشا به سعادت زنی که شوهرش را بزرگ شمارد و به او آزار نرساند و مطیع همسرش باشد.»

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم، به استقبالم می‌آید و چون از خانه بیرون می‌روم، بدرقه‌ام می‌کند. زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: اگر برای رزق و روزی (مخارج زندگی) غصه می‌خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می‌خوری، خدا اندوهت را زیاد کند (بیشتر به فکر آخرت

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۱.

۳. همان، ج ۷۲، ص ۳۵۴.

باشی). پیغمبر فرمود: «برای خدا کارگزارانی است و این زن، یکی از کارگزاران خداست که پاداش او، برابر با نیمی از پاداش شهید است؛ إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَهَذِهِ مِنْ عَمَلِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيد.»^۱

۶. مدیریت پذیری

یکی از چالش‌هایی که بین زن و شوهر به وجود می‌آید، پذیرش مدیریت مرد است. زن تصور می‌کند که چرا باید مرد مدیر خانواده باشد؟ حقیقت، این است که واگذاری مدیریت به مرد، با توجه به مسئولیت‌های او مانند تأمین مخارج زندگی و سرپرستی فرزندان، امری مشروع و منطقی است. قرآن مدیریت خانه را از آن مرد می‌داند: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...»^۲ مردان، سرپرست و نگهبان زنان‌اند. «بنابراین، وظیفه قانونی زن، پذیرش مدیریت شوهر است. پُر واضح است که مدیریت، به معنای «استبداد، خودرایی و خودمحوری» نیست؛ بلکه به معنای «تدبیر صحیح در مجموعه تحت مدیریت» است. از این رو، اگر خداوند فرموده: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، در کنارش توصیه‌های لطیفی چون «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»^۳ و یا «وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۴ را نیز مطرح می‌نماید. مدیریت مرد، یعنی هدایت‌سازی و رهبری کشتی خانواده به سوی جزیره سلامت و آرامش، و این مسئولیت سنگین، تنها از عهده مرد برمی‌آید.

زنی خدمت پیامبر ﷺ آمد و پرسید: «مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ»^۵ حق مرد بر زن چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: از او اطاعت کرده،

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲.

۲. نساء، آیه ۳۴.

۳. نساء، آیه ۱۳۵: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برپا کنندگان عدل و داد باشید.»

۴. نساء، آیه ۱۹: «و با آنها خوش رفتاری کنید.»

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

نافرمانی نکنند.» بدیهی است که یکی از مصادیق اطاعت، مدیریت‌پذیری شوهر است.

گفتنی است که در اسلام، همه اطاعت‌ها از غیر خداوند، مشروط به آن است که معصیت الهی در آن نباشد. بنابراین، اگر شوهر فرمان به معصیت داد، مثلاً به همسرش گفت: در ماه رمضان، روزه واجب خود را نگیر، نباید از او اطاعت کند. پیامبر فرمود: «لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ لِخَلْقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^۱؛ دین ندارد، آن‌کس که آنجا که معصیت خالق است، از مخلوق پیروی کند.»

۷. ارتباط کلامی

یکی از نیازهای مهم خانواده، ارتباط کلامی است؛ یعنی اعضای خانواده با همدیگر صحبت نمایند و گفتمان داشته باشند. این امر، در حل مشکلات و ایجاد صمیمیت بین اعضای خانواده بسیار مؤثر است؛ در مقابل، عدم رعایت این امر، پیامدهای منفی دارد. به اعتقاد کارشناسان، اعضای خانواده در شبانه روز باید ۲ تا ۳ ساعت با یکدیگر ارتباط کلامی و گفت‌وگو داشته باشند؛ درحالی‌که هم‌اکنون این میزان، بسیار کاهش پیدا کرده است:

«کاهش گفت‌وگو و ارتباطات کلامی میان اعضای خانواده، به مرز هشدار رسیده و سلامت خانواده‌ها را تهدید می‌کند. نتایج یک پژوهش، نشان می‌دهد که میزان هم‌کلامی والدین شاغل با فرزندان در روز، فقط ۴۹ دقیقه است! آنها به دلایلی همچون: گرفتاری‌های شغلی، مشکلات رفت‌وآمد یا تماشای تلویزیون، فقط حدود ۴۹ دقیقه در روز را با فرزندان خود سپری می‌کنند و هم‌کلام می‌شوند.»^۲

توصیه اسلام این است که هنگام سخن گفتن با یکدیگر، جملاتی که از همه

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۴۳.

۲. ر.ک: پایگاه اینترنتی آفتاب: www.aftabir.com.

زیباتر و مؤدبانه تر است، انتخاب گردد تا پاسخی زیبا شنیده شود. گاهی آمرانه سخن گفتن زن، حساسیت مرد را برانگیخته، زمینه برخورد لفظی و تنش را فراهم می‌نماید. گاهی ممکن است، هنگام صحبت، زن یا شوهر کلمه یا جمله‌ای بگوید که اثر بد آن تا سال‌ها در ذهن طرف مقابل باقی بماند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَحْسِنُوا هُنَّ الْمَقَالُ لَعَلَّهِنَّ يَحْسِنَ الْفِعَالُ»^۱ با زنان، خوش‌گفتار و نیکوسخن باشید تا ایشان هم خوش‌کردار و نیکورفتار شوند. «همچنین حضرت فرمود: «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ»^۲ زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا بشنوید.»

۸. عذرپذیری

حقیقت این است که انسان در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی دچار لغزش می‌شود. در خانواده نیز این امر اتفاق می‌افتد. گاهی زن اشتباه می‌کند و گاهی مرد؛ در این صورت، هیچ‌کدام زندگی اجتماعی‌ای به اندازه زندگی خانوادگی، نیازمند گذشت نیست. اگر اعضای خانواده بخواهند نسبت به یکدیگر سخت‌گیری کنند و لغزش‌های هم را دنبال کنند، زندگی آنها از هم می‌پاشد و با بدترین زندگی را تجربه خواهند نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «زن بد، عذر شوهرش را نمی‌پذیرد و خطاهایش را نمی‌بخشد.»^۳ امام علی علیه السلام فرمود: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ وَلَا يَقْبَلُ الذَّنْبَ»^۴ بدترین مردم، کسی است که عذرخواهی دیگران را نپذیرد و از خطای آنها نگذرد.»

زنی به رئیس دادگاه حمایت از خانواده گفت: شوهرم پیش از ازدواج به من

۱. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۰۶.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۱۵۸.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.

۴. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۴، ص ۱۶۵.

نگفت که خدمت سربازی را انجام نداده و این موضوع را از من مخفی کرده بود. چند روز پیش متوجه شدم که به همین زودی باید به خدمت سربازی بروم. من نمی‌توانم با مردی که به من دروغ گفته، زندگی کنم.^۱

بدیهی است که عدم گذشت در چنین مواردی، نتایج گران‌بایی را برای زندگی رقم می‌زند.

۹. روحیه‌دادن به شوهر

معمولاً مشکلات بیرون از خانه، بیشتر از مشکلات درون بوده و سبب می‌شود که درگیری ذهنی مرد بیشتر باشد. در این میان، زن باید در رویارویی مرد با مشکلات و رفع آن، پناهگاه شوهرش باشد. با سخنانش، روحیه مرد را در برخورد بهتر با مشکلات تقویت کند و از طرف دیگر، زمینه را برای سخن‌گفتن شوهر از مشکلات دیگرش فراهم نماید.^۲

در این خصوص، می‌توان از زندگانی ائمه اطهار علیهم‌السلام و بزرگان دین بهره گرفت. همسران آنان در میان انبوهی از مشکلات، به ایشان روحیه می‌دادند؛ برای مثال، نگاه حضرت علی علیه‌السلام به چهره فاطمه زهرا علیها‌السلام، حزن و اندوه را از دل حضرت می‌برد.^۳ وقتی نگاه چنین اثری دارد، به یقین، حرف‌زدن با آن بانوی کریمه، تأثیر بیشتری داشته است. هنگامی که زن، محیط خانه را با گفتار نیک، از مهر و محبت آکنده سازد، حریم منزل به صورت مأمنی برای مرد درآمده، نشاط و امید به او می‌بخشد و به قدرت‌مندی وی افزوده می‌شود. شاید بر این اساس است که هنر آرامش‌بخشی با کلام نیکو، از ویژگی‌های زنان شایسته به شمار می‌رود.^۴

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۰ آبان ۱۳۵۴.

۲. فرض‌الله قلی‌زاده، ازدواج پیوندی مقدس، ص ۶۶.

۳. محقق اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمه، ج ۱، ص ۳۷۳.

۴. مجید رشیدپور، مراحل ازدواج در اسلام، ص ۷۹.

۱۰. سامان بخشی در امور خانه

یکی از مسائل مهم در زندگی مشترک، نظام بخشی به امور خانه است؛ یعنی زن وضع خانه را به گونه ای سامان دهد که همه چیز سر جای خود قرار گرفته باشد. این، همان امری است که اهل بیت علیهم السلام به آن بسیار اهمیت داده اند؛ تا آنجا که علی علیه السلام در وصیت نامه الهی خویش همگان را بدان سفارش نموده و فرموده: «وَمَنْ بَلَّغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ؛^۱ به هر که وصیتم بدو برسد، توصیه به تقوای الهی و نظم در امور می کنم.»

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: «أَيُّ امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صِلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يَعْدُبْهُ؛^۲ هر زنی که در خانه همسرش چیزی را جابه جا کند تا امور خانه را سامان دهد، خداوند به او نظر لطف خواهد داشت و آن کس که مورد لطف و عنایت خدا باشد، عذاب نخواهد شد.»

۱۱. کسب اجازه برای تصرف در اموال شوهر

بر اساس آموزه های دینی، هرگونه تصرف در اموال شوهر، منوط به اجازه او می باشد. گاهی تصور می شود که زن می تواند بدون اطلاع شوهر، اموال وی را خرج نماید؛ در حالی که چنین تصوری، صحیح نیست. رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَلَا تَصَدَّقْ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ؛^۳ زن در خانه شوهر صدقه ندهد؛ مگر به اجازه او.» طبق برخی روایات، زن اگر بخواهد در خانه همسر از مال خودش هم نذر کند، باید با اجازه شوهرش باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا فِي عَتَقٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَا تَدْبِيرٍ وَلَا هَبَةٍ وَلَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي زَكَاةٍ أَوْ بَرٍّ وَالصَّيْتِ أَوْ

۱. شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۴۲۲.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۱۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

صَلَّةَ قَرَابَتِهَا؛^۱ زن حق ندارد برده آزاد کند، صدقه بدهد یا تدبیر کند (بگوید: این برده، بعد از من آزاد است) یا بخششی در مال خود نماید و یا نذری کند؛ مگر با اجازه شوهرش جز در پرداخت زکات مال یا اینکه به والدین یا پیوند با خویشان. «البته از نظر فقها، فقط نذر زن باید با اجازه شوهر باشد و سایر تصرفات وی در اموال خودش، اشکال ندارد.

۱۲. سپاسگزاری

یکی از وظایف مرد در برابر همسرش، تأمین مسکن، خوراک و پوشاک است؛ ولی سزاوار است زن بداند که شوهرش حاصل دسترنج خود را برای او و فرزندان به خانه می‌آورد و دوست دارد که از وی سپاسگزاری شود؛ چراکه مانند همه انسان‌های دیگر، دوستدار شکر و قدردانی است. امام صادق ع می‌فرماید: «خَيْرُ نِسَاءٍ كُنَّ الَّتِي اِنْ اُعْطِيَتْ شَكَرَتْ وَاِنْ مُنِعَتْ رَضِيَتْ»^۲ بهترین زنان شما، آن است که چون به او چیزی داده شود، سپاسگزاری کند و اگر به او چیزی داده نشود، راضی باشد. «

۱۳. قناعت

برنامه‌ریزی اقتصادی، از جمله عوامل پایداری بنیان خانواده است. قناعت و کم‌خرج بودن، از ویژگی‌های زن مسلمان می‌باشد. در مقابل، توقع بالا موجب آزار و رنجش همسر، و گاهی موجب انحراف او می‌شود. اگر زنان، مدیریت امور خانه را بر محور قناعت و پرهیز از خرج‌های غیرلازم و تشریفاتی تنظیم کنند و از شوهران خود، توقعات بیجا و خارج از توان مالی آنان نداشته باشند، از بروز تنش‌های بسیاری جلوگیری خواهند کرد. سست شدن پایه‌های نهاد

۱. همان، ص ۵۱۴.

۲. آقا حسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، ص ۱۴۰.

خانواده، گاهی در اثر مسائل به ظاهر کوچک مادی و اقتصادی است و چه بسا امور جزئی، سر از بحران‌های بزرگ درآورد.

از متون دینی استفاده می‌شود که زن نباید شوهر را به سختی و زحمت بیندازد. نبی اکرم ﷺ فرمود: «أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَهً أُمَّهَاتٌ مُؤَنَّةٌ؛^۱ از همه زنان پُربركت‌تر، آنانند که خرجشان کمتر باشد.» در روایتی دیگر از حضرت آمده: «لَا يَجِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُكَلِّفَ زَوْجَهَا فَوْقَ طَاقَتِهِ؛^۲ برای زن جایز نیست که شوهرش را به بیش از توانایی‌اش مجبور کند.» در زندگانی حضرت زهرا ؑ می‌خوانیم که هیچ‌گاه در خانه از شوهر خود تقاضایی نکرد و همواره در سختی‌ها، بردباری پیشه نمود و هرگز شکایتی نکرد؛ حتی گاهی غذایی برای خوردن در خانه علی ؑ یافت نمی‌شد؛ اما ایشان چیزی مطالبه نمی‌نمود مبادا سبب شرمندگی همسرش شود.

۱۴. اخلاق‌مداری

کسی که خوش‌اخلاق باشد، با مردم خوش‌رفتاری کند، با چهره‌ای خندان سخن بگوید و در برابر مشکلات بردبار باشد، همواره عزیز و محترم است و هرگز به بیماری‌های روانی مبتلا نمی‌شود؛ اما کسی که بداخلاق باشد، با صورت درهم‌کشیده با مردم ملاقات کند و یا تندخو و بدزبان باشد، زندگی تلخ و ناگواری خواهد داشت. خوش‌اخلاقی، برای همه لازم است؛ به‌ویژه برای زن و شوهر؛ زیرا این دو، همیشه با هم هستند و سال‌ها زندگی مشترکی را تجربه می‌کنند.

اگر زن می‌خواهد خودش، همسر و بچه‌هایش طعم زندگی سعادت‌مند را بچشند، باید اخلاقش را اصلاح کند، همیشه شاد و خندان باشد، اوقات تلخی

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۲۲.

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲.

و دعوا نکند و خوش بخورد و شیرین زبان باشد. با اخلاق خوش می توان خانه را به صورت بهشت در آورد. آیا حیف نیست که این محیط امن را با بد اخلاقی، به جهنمی سوزان تبدیل کنیم! بیشتر طلاق ها در اثر بد رفتاری زن و شوهر صورت می گیرد.

گویند: زنی به شورای داوری شکایت کرد که شوهرم همیشه ناهار و شام را بیرون از خانه می خورد. شوهر جواب داد: علت این است که زنم اصلاً با من سازگاری ندارد و بد اخلاق ترین زن دنیاست. زن ناگهان خیز برداشت و در حضور اعضای داوری، شوهرش را کتک زد.^۱

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ کار واجب و مستحبی را از او نمی پذیرد و هیچ کار نیکش را قبول نمی کند تا وقتی که شوهرش را راضی کند؛ هر چند روزها روزه بگیرد و شبها به عبادت مشغول شود.»^۲

۱. ابراهیم امینی، همسر داری، ص ۵۴ - ۵۵.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴.

وظیفه زن در تعامل جنسی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جباران

اشاره

این نوشتار، به بررسی وظایف زنان در تعامل جنسی همسران اختصاص دارد. هدف از طرح این بحث، جلب توجه بانوان به اهمیت رابطه جنسی در محیط خانواده و ضرورت مهارت‌آموزی در این زمینه است؛ هرچند توجه و تأمین نیاز جنسی همسر، از وظایف مشترک زن و مرد است.

مقدمه

در مقدمه به چند مطلب اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از معضلات زناشویی در خانواده‌های مسلمان، بی‌اعتنایی زوجین، به‌خصوص زنان، به روابط جنسی است. برخی زنان چنان به این رابطه بی‌اعتنا می‌شوند که هر کاری را بر آن مقدم می‌کنند، به هر بهانه‌ای از آن می‌گریزند و در نهایت، هنگامی که چاره‌ای نبینند، همانند یک وظیفه اجباری به آن تن می‌دهند. به همین دلیل، تلاش می‌کنند آن را در کمترین وقت ممکن، بدون مراعات آداب و مقدمات، همراه با اظهار نارضایی و مِتّ بر مرد انجام دهند و پس از آن، هیچ حس رضایتی از خود بروز ندهند. مجموعه این اوضاع، باعث

می شود که مرد نیز خود را همانند باری ناخوشایند، تحمیل شده بر همسر خود ببیند و از تقاضای خویش شرمنده بوده، تلاش کند آن را به کمترین مقدار برساند و خود نیز چنانکه بایسته است، از این ارتباط لذت نبرد.

۲. رابطه جنسی، یکی از روابط مهم بین زن و شوهر است؛ چنان مهم که اگر به طور صحیح و موفق صورت پذیرد و موجب لذت طرفین شود، بیش از هر عامل دیگری، در وابسته کردن زن و مرد به یکدیگر و کم کردن تنش و درگیری در محیط خانواده مؤثر است. زن و شوهری که از همدیگر لذت نبرند، آمادگی دارند هر مسئله کوچکی را در خانواده، به یک بحران تبدیل کنند و برعکس در صورتی که تجربه آمیزشی رضایت بخشی از هم داشته باشند، بسیاری از کمبودها و نارسایی های یکدیگر را تحمل می کنند. رضایت از رابطه جنسی، به زن و مرد کمک می کند که بسیاری از کمبودهای همدیگر را ندیده بگیرند و بر هم بیخشند. بسیاری از طلاق هایی که امروزه در محاکم خانواده ثبت می شود، ناشی از عدم رضایت زن و شوهر از رابطه جنسی است؛ همچنین، یکی از علل عمده طلاق عاطفی در خانواده ها، برقرار نشدن رابطه جنسی صحیح، موفق و لذت بخش است.

۳. شکی نیست که از دیدگاه اسلام، ازدواج با اهداف بلند انسانی و مقاصد متعالی معنوی صورت می گیرد؛ اهدافی چون دستیابی انسان به آرامش، تربیت نسل و در نهایت، نیل به کمال. در این میان، شهوت جنسی انسان که خداوند حکیم به منظور بقای نسل در وجود او نهاده، واقعیتی است انکارناپذیر. این میل غریزی را نه می توان به حال خود رها کرد که به هر صورتی اشباع شود و نه می توان آن را سرکوب نمود و بی پاسخ گذاشت. بهترین گزینه در مواجهه با میل جنسی، این است که پاسخی شایسته، درخور و مطابق با شئون انسانی به آن داده شود. آرامش و سعادت بشر، تا حدود بسیاری بستگی به شیوه پاسخگویی

به این نیاز دارد. بی‌اعتنایی و عدم اجابت این خواسته نفسانی، اگر هم ممکن باشد، منشأ بیماری‌های روحی و عقده‌های روانی شده، جسم را رنجور و درمانده می‌کند. در مقابل، رهایی آن نیز انسان را تا پایین‌ترین درکات حیوانی پایین می‌کشد و جامعه را به هرزگی و فساد گرفتار می‌کند. بدون شک، اگر این گزینه سرکش پاسخ خود را به طور مناسب و در محیط خانواده دریافت کند، در خارج از مرزهای خانواده به دنبال ایجاد رابطه نمی‌گردد و در صورتی که همه آحاد جامعه به این حد از انضباط جنسی برسند، علاوه بر خانواده‌هایی استوار، اجتماعی پاک و پیراسته از زشتی‌ها خواهیم داشت.

بر اساس آنچه گذشت، به نظر می‌رسد که یادگیری مهارت ارتباط جنسی صحیح و موفق می‌تواند زن و مرد را به هم وابسته و علاقه‌مند کند؛ تنش و درگیری را در محیط خانواده به حداقل برساند؛ از نظر فکری، روانی و عملی برای زن و مرد عفت را به ارمغان آورد و در نهایت، جامعه را به حد معقولی از پاکدامنی جنسی برساند.

به همین دلیل، دین مقدس اسلام با بیان وظایف حقوقی و اخلاقی چندی تلاش کرده است خانواده‌هایی بسازد که توانایی پاسخگویی به این نیاز را داشته باشند. برای رسیدن به چنین هدفی، دو مرحله طراحی شده؛ مرحله اول، ایجاد وابستگی یا مرحله مقدماتی است و مرحله دوم، تأمین نیاز جنسی است. زن در مرحله اول، باید بکوشد همسر را به خود وابسته کند. به همین دلیل، باید هر آنچه را جنس مخالف می‌پسندد، دوست و میل دارد و به آن دل می‌بندد، در خود فراهم آورد. در مرحله دوم، وظیفه دارد نیاز جنسی طرف مقابل را به بهترین شیوه و بالاترین حد پاسخ دهد.

مرحله اول: فراهم نمودن مقدمات رابطه جنسی

این مرحله، در حقیقت مرحله مقدماتی رابطه جنسی است. یک رابطه موفق جنسی، به برنامه‌ریزی نیازمند است. بنابراین، زن موظف است که از ساعت‌ها پیش، مقدمات آن را فراهم کند. به طور کلی، مقدمات رابطه جنسی شامل موارد زیر است:

۱. نشاط

مهم‌ترین مقدمه رابطه جنسی، نشاط جسمانی است. زن یا مرد خسته، هرگز موفق به ارتباطی لذت‌بخش نمی‌شود. بنابراین، زن باید برای یک رابطه صحیح، نشاط خود را حفظ کند؛ به این معنا که اگر در نظر دارد طبق برنامه با شوهر خود رابطه جنسی داشته باشد، از کارهای سنگین و خسته‌کننده پرهیزد؛ نه اینکه تنبلی و تن‌پروری کند؛ بلکه با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح، این قبیل کارها را زودتر انجام دهد یا به روز دیگری موکول کند. نشاط جسمانی، باعث می‌شود که زن سایر مقدمات را نیز فراهم کند.

۲. بهداشت و نظافت

یکی از عوامل مهم جلب توجه، تمیزی است. دندان‌های تمیز، ناخن‌های مرتب، موی شانه‌کرده و لباس و بدن تمیز را می‌توان از مهم‌ترین مقدمات رابطه جنسی موفق به شمار آورد. در شرع مقدس، دستوره‌های فراوانی وارد شده که زن و مرد را به طور یکسان به نظافت، مثل: زدودن موهای زاید بدن،^۱ گرفتن موهای بینی،^۲ مرتب کردن و نظافت موی سر و ریش،^۱ گرفتن ناخن،^۲ استنشاق (شستن

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۴ و ۱۳۵؛ محمد بن اشعث، جعفریات، ص ۲۹؛

حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۰۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۸۸.

بینی)،^۳ مضمضه (شستن دهان)^۴ و مسواک کردن^۵ سفارش می‌کنند. درباره مو از رسول خدا ﷺ روایت شده است: «مَنْ اتَّخَذَ شَعْرًا فَلْيُحْسِنْ وَلَا يَتَهُ أَوْ لِيُجْزَهُ،^۶ هرکس مو می‌گذارد، خوب به آن رسیدگی کند یا آن را بچیند.» طبق روایتی که مرحوم کلینی^۷ و شیخ صدوق^۸ آورده‌اند، رسول خدا ﷺ به مردان سفارش می‌کرد ناخن‌های خود را کوتاه کنند؛ ولی به زنان می‌فرمود: ناخن‌های خود را رها کنند تا بلند شود؛ زیرا این کار، برای زنان زیباتر است.

۳. لباس

مقدمه دیگری که رابطه جنسی صحیح را به دنبال دارد، لباس زیباست. به همین دلیل، در روایات بر آن تأکید فراوان شده است. رسول خدا ﷺ در مقام بیان وظایف زن در روابط زناشویی می‌فرماید: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَتَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَتَزِينَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا؛^۹ بر زن لازم است که خوشبوترین عطرش را بزند، بهترین لباسش را بپوشد و بهترین زیورش را به خود بندد.» رنگ و مدل لباس، از عواملی است که توجه جنس مخالف را جلب می‌کند.

۱. همان، ص ۴۸۵.
۲. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الأسناد، ص ۲۴؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۱.
۳. محمد بن اشعث، جعفریات، ص ۱۶؛ ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۱۰۱.
۴. همان.
۵. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۲.
۶. همان، ج ۶، ص ۴۸۵.
۷. همان، ص ۴۹۲.
۸. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۸.
۹. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸.

۴. زیور

مقدمه دیگر برای جلب نظر جنس مخالف، زیورآلات است. لوازم زینتی، برای زن چنان مهم است که حتی در حال نماز به داشتن آن توصیه شده است. رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «مُرِّسَاءَ كَ لَا يَصَلِّيَنَّ مُعَطَّلَاتٍ فَإِنَّ لَمْ يَجِدَنَّ فَلْيُعَقِّدَنَّ فِي أَغْنَاقِهِنَّ وَلَوْ بِالسَّبْرِ وَمُرْهَنٌ فَلْيَغَيِّرَنَّ أَكْفَهِنَّ بِالْحِنَاءِ وَلَا يَدْعَنَّهَا بِمِثْلِ أَكْفِ الرَّجَالِ؛^۱ به زنان فرمان ده بدون زیور نماز نخوانند و اگر چیزی نداشتند، دست کم تکه ای چرم به گردن خود بیاویزند و فرمانشان ده که کف دستانشان را با حنا تغییر دهند و رها نکنند تا شبیه مردان شوند.»

امام باقر علیه السلام می فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَلَوْ تَعَلَّقَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً وَلَا يَنْبَغِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَلَوْ تَمَسَّحَتْهَا مَسْحًا بِالْحِنَاءِ وَإِنْ كَانَتْ مُسِنَّةً؛^۲ سزاوار نیست که زن، حتی اگر پیر باشد، خود را بی زیور بگذارد؛ هرچند با آویختن یک گردن بند. و سزاوار نیست دستش را بدون خضاب بگذارد؛ هرچند با مالیدن کمی حنا.»

امام باقر علیه السلام می فرماید: «لَا يُجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَلَوْ أَنْ تَعَلَّقَ فِي عُنُقِهَا خَيْطًا؛^۳ برای زن سزاوار نیست که خود را بی زیور بگذارد؛ حتی اگر با آویختن یک نخ به گردن باشد.»

برای خودآرایی لازم نیست حتماً زیورآلات گران قیمت در اختیار زن باشد؛ بلکه زنان خوش سلیقه می توانند با امکاناتی اندک نیز خود را بیارایند.

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۳۰؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹؛ متقی

هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۵۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۹.

۳. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹۴.

۵. بوی خوش

مقدمه دیگر، بوی خوش است که در روایات به فراوانی سفارش شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «عَلَيْهَا أَنْ تَطِيبَ بِأَطْيَبِ طَبِيهَا؛^۱ بر زن لازم است که خوشبوترین عطرش را بزند.» امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «لِطَيبِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ لِرُؤُوسِهَا؛^۲ زن مسلمان باید خود را برای شوهرش خوشبو کند.»

بوی خوش، در جلب توجه جنس مخالف تأثیر بسیاری دارد. به همین دلیل، در روایات سفارش فراوان شده که زنان در خارج از محیط خانه، از عطر استفاده نکنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ رُؤُوسِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَبِيهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابِهَا؛^۳ هر زنی که برای غیر شوهرش عطر بزند، نمازش پذیرفته نیست؛ تا آنکه به جهت آن عطر، غسلی همانند غسل جنابت به جا آورد.»

۶. آرایش

منظور از آرایش، موادی است که انسان‌ها برای تغییر رنگ به پوست خود می‌مالند. روشن است که لوازم آرایش، در زمان‌های مختلف متفاوت است و در هر دوره، باید از لوازم آرایش رایج استفاده کرد؛ علاوه بر روایاتی که مالیدن حنا به دست و ناخن را توصیه می‌کنند و ما پیش از این، برخی را نقل کردیم.

طبق روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام، رسول خدا ﷺ به یکی از همسرانش فرمود: «چرا ژولیده مویی؛ نه رنگ سرمه‌ای بر چشم و نه خضابی بر دستان داری.»^۴ از این سخن معلوم می‌شود که زن نباید در محیط خانه دست و صورت خود را

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ص ۲۶۱؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۱۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۰.

۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۳۶.

بدون هیچ آرایشی بگذارد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «لَا يُجُوزُ أَنْ تُرَى أَظْفِرُهَا بِيَضَاءٍ وَكَوَأَنْ تَمَسَّحَهَا بِالْحِنَاءِ مَسْحًا؛^۱ سزاوار نیست ناخن های زن، سفید دیده شود؛ هر چند با مالیدن کمی حنا باشد.»

زنان مسلمان باید توجه داشته باشند که آرایش، مخصوص محیط زناشویی است. آرایش در خارج از خانه، یکی از ناهنجاری هایی است که در دوره های اخیر به جوامع اسلامی چنگ انداخته است و ناهنجارتر اینکه زنان، تنها در خارج از محیط زناشویی آرایش می کنند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است: «نَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ لِغَيْرِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَخْرِقَهَا بِالنَّارِ؛^۲ رسول خدا نهی کرد از اینکه زن برای غیرشوهرش خود را بیاراید و فرمود: هر زنی چنین کند، بر خداست که او را به وسیله آتش بسوزاند.»

۷. محیط مناسب

یکی از مقدمات رابطه جنسی موفق، محیط آماده است. قرآن کریم برای زن و مرد، سه وقت خلوت قرار داده است که باید کودکان و فرزندان آن را شناخته، از ورود به محیط خلوت والدین خودداری کنند.

قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يُلْغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛^۳

ای کسانی که ایمان آورده اید، قطعاً باید غلام ها و کنیزهایتان و کسانی از

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۵۸۷.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۱۰.

۳. نور، آیه ۵۸.

شما که به سنّ بلوغ نرسیده‌اند، سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز صبح و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان. این سه، هنگام برهنگی شماست. نه بر شما و نه بر آنان، گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام]، گرد یکدیگر بپرخید [و با هم معاشرت نمایید]. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند و خداوند، دانای سنجیده‌کار است.»

قرآن در ادامه می‌فرماید: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛^۱ و چون کودکان شما به سنّ بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند، کسب اجازه کردند.»

مطابق این آیه، زن و مرد در هر شبانه روز، سه بار می‌توانند خلوت کنند. این سه نوبت عبارت است از:

۱. پیش از نماز صبح: «مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ»؛

۲. نیمروز، هنگامی که لباس‌های معمولی خود را بیرون می‌آورید: «وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ»؛

۳. پس از نماز عشا: «وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ».

واژه «عورات» جمع «عورة»، به چیزی اطلاق می‌شود که باید پنهان بماند و دیگران نباید بر آن اطلاع و آگاهی داشته باشند^۲ و آشکار شدن آن، موجب شرم است.^۳

از آیه فوق فهمیده می‌شود:

۱. محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد. این امر، یک

۱. نور، آیه ۵۹.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۶.

۳. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۶۸.

ضرورت است؛ زیرا کودکان نباید روابط جنسی والدین را ببینند.

۲. زوجین باید در طول شبانه‌روز، اوقاتی را برای هم اختصاص دهند و کودکان در این زمان‌ها نباید بدون اجازه والدین، خلوت آنها را بر هم زنند. دلیل این دستور، آن است که شرم و حیا از حضور فرزندان، مانع از نزدیک شدن زوجین به یکدیگر و برقراری تعاملات جنسی و عاطفی خواهد شد.

۳. تعبیر «تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ» می‌فهماند که باید نوع پوشش زوجین در خلوت و در صحن عمومی خانه، متفاوت باشد.

مرحله دوم: پاسخگویی به نیاز شوهر

زن باید بداند که اگر نیاز جنسی همسرش را تأمین نکند، به طور ناخودآگاه، به دنبال پاسخگویی دیگر می‌گردد حتی اگر فرض کنیم حدود شرعی و قیود عرفی او را از به دست آوردن چنین جایگزینی محروم کند، دست‌کم در محیط ذهنی خود، فضایی دلچسب و مطلوب برای خود می‌سازد. ذهن‌گرایی جنسی، نقطه آغاز انحراف‌های بزرگ‌تر است. به همین دلیل، تأمین نیاز جنسی طرف مقابل، از وظایف مشترک زوجین است. صرف نظر از مباحث گوناگونی که درباره این موضوع از نظرگاه‌های مختلف مطرح می‌شود، به نقل پاره‌ای از سفارش‌های معصومان علیهم‌السلام در این زمینه می‌پردازیم. طبق روایات، زن برای پاسخگویی به نیاز جنسی شوهر، سه وظیفه بر عهده دارد: اجابت، عرضه و مشارکت فعال.

۱. اجابت

منظور از «اجابت»، آن است که به درخواست شوهر پاسخ مثبت داده شود. طبق روایات، زن با هیچ عذری نمی‌تواند به شوهر خود در باب مسائل جنسی پاسخ منفی دهد. به گزارش امام صادق علیه‌السلام، زنی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: «أَنْ تُجِيبَهُ إِلَى حَاجَتِهِ وَإِنْ كَانَتْ عَلَى قَتَبٍ»^۱ نیاز شوهرش

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸.

را پاسخ مثبت دهد؛ هرچند سوار بر مرکب باشد.» برخی بانوان برای شانه‌خالی کردن از وظیفه همسری، بهانه‌هایی به ظاهر معنوی می‌تراشند. رسول خدا ﷺ به منظور خط بطلان کشیدن بر این قبیل بهانه‌ها، به زنان می‌فرماید: «لَا تُطَوِّلْنَ صَلَاتِكُنَّ لِيَتَمَنَّعَنَّ أَزْوَاجُكُنَّ؛^۱ نمازتان را طول ندهید که شوهرانتان را از مباشرت بازدارید.» همچنین به زنان فرمود: بی‌رخصت شوهر، روزه مستحبی نگیرید؛^۲ مبدا موجب بی‌توجهی به خواسته او شود.

امام صادق ع می‌فرماید: «زنی برای کاری خدمت رسول خدا ﷺ آمد. حضرت به او فرمود: نکند از «همین حالا گویان» باشی. عرض کرد: منظور از «همین حالا گویان» چیست؟ فرمود: زنی که شوهرش به او نیاز دارد، وی را صدا می‌زند و او پیوسته می‌گوید: «همین حالا» تا آنکه شوهرش را خواب درمی‌رباید. این زن، پیوسته مورد لعنت فرشتگان است تا اینکه شوهرش از خواب بیدار شود.»^۳

۲. عَرَضَه

وظیفه دیگر زن، آن است که وقتی شوهرش تقاضایی ندارد، خود زمینه تقاضای او را فراهم کند. زمینه، با عرضه کردن خویش فراهم می‌شود.

رسول خدا ﷺ به زنان توصیه می‌فرماید: «تَعْرِضْ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدْوَةً وَعَشِيَّةً؛^۴ زن باید هر صبح و شام خود را به شوهرش عرضه کند.» استفاده از لباس و آرایش فریبا و نیز دلربایی در رفتار، مصداق عرضه به شوهر است. رسول خدا ﷺ در مقام آموزش زنان می‌فرماید:

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

«لَا يَجِلُّ لِامْرَأَةٍ أَنْ تَنَامَ حَتَّى تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَى رَوْحِهَا تَحْلَعُ ثِيَابَهَا وَتَدْخُلَ مَعَهُ فِي حِلْفِهِ فَتُلْزِقَ جِلْدَهَا بِجِلْدِهِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ عَرَضْتَ نَفْسَهَا»^۱ برای زن جایز نیست بخوابد؛ مگر اینکه خود را به شوهرش عرضه کند؛ یعنی لباس هایش را درآورد، زیر بستر او برود و تن خود را به تن او بچسباند. وقتی این کار را انجام دهد، خود را عرضه کرده است.»

۳. مشارکت فعال

زن موظف است همسر خود را از نظر جنسی به طور کامل اشباع کند و برای این مقصود، باید در رابطه جنسی مشارکت فعال داشته باشد. فعالیت جنسی، فعالیتی دوطرفه و تنها در صورتی لذت بخش است که هر دو طرف، در آن شرکت فعال داشته باشند. اگر تنها یکی از دو طرف رابطه، خود را در اختیار طرف دیگر قرار دهد، موجب رضایت هیچ یک از آنان نمی شود. بنابراین، برای زن کافی نیست که فقط خود را در اختیار شوهر قرار دهد؛ بلکه باید به طور فعال با او همکاری کند.

مشارکت در رابطه جنسی، در سه مرحله صورت می گیرد:

نخست، فراهم کردن مراحل مقدماتی که پیش از این نام بردیم.

دوم، گفتن سخنان فریبا و عاشقانه. امام صادق علیه السلام می فرماید: در صورتی که زن و شوهر با هم توافق دارند، سه چیز برای زن ضروری است: «... وَإِظْهَارُ الْعُشْقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ وَالْمَيْمَةِ الْحُسْنَى هَا فِي عَيْنِهِ»^۲ ... [یکی اینکه] با آراستگی کامل و فریبایی، به شوهرش اظهار عشق کند.»

سوم، فعالیت در عمل جنسی. امام باقر علیه السلام می فرماید: «حَيْرُ النِّسَاءِ مِنَ الْبَنِي إِذَا

۱. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۳۸.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۳.

دَخَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا فَخَلَعَتِ الدَّرْعَ خَلَعَتْ مَعَهُ الْحَيَاءَ وَإِذَا لَبَسَتِ الدَّرْعَ لَبَسَتْ مَعَهُ الْحَيَاءَ؛^۱ بهترین زنان، زنی است که چون با شوهرش خلوت و جامه از تن بیرون کند، همراه با آن، حیا را کنار بگذارد و چون دوباره جامه بر تن کند، همراه آن، لباس حیا را هم بپوشد.»

از این حدیث شریف استفاده می‌شود که در ارتباط با شوهر، شرم و حیا جایی ندارد. حیا در چنین جایگاهی، شاید مصداق حیای احمقانه باشد که رسول خدا ﷺ از آن نام برده است: «الْحَيَاءُ حَيَاءُ اِنْ حَيَاءٌ عَقْلٌ وَحَيَاءٌ مُتَمِّقٌ. فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَحَيَاءُ الْخَمِيْقِ هُوَ الْجَهْلُ؛^۲ حیا، بر دو نوع است: حیای عقل و حیای حماقت. حیای عقل، علم و دانایی است و حیای حماقت، جهل و نادانی.»

حیا، در فرهنگ اسلامی، عبارت از صفتی است که انسان را از انجام کار ناشایست یا ترک وظیفه باز می‌دارد. بنابراین، اگر دانستن چیزی برای یکی از شئون زندگی ضروری باشد، سخن‌گفتن درباره آن با حیا منافاتی ندارد؛ همچنین، اگر کاری وظیفه انسان باشد، انجام آن بی‌حیایی شمرده نمی‌شود؛ چون مصداق کار قبیح یا ترک وظیفه نیست. به همین جهت، پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به فراوانی و به صراحت درباره رابطه جنسی همسران سخن گفته، اصحاب خود را در این زمینه راهنمایی کرده‌اند. چیزی که ما را از انجام این وظایف باز می‌دارد، حیا نیست؛ بلکه نوعی خجالت است که از نادانی و سوء تربیت ناشی می‌شود؛ ولی به غلط نام «حیا» بر آن می‌نهمیم.

۱. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۹۹؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

مادر، تجلیگاه صفات الهی

فضه خاتمی‌نیا

اشاره

مادرشدن برای زن، همانند غنچه‌دادن برای گل و میوه‌دادن برای درخت است؛ نمادی است از خلقت و قدرت لایزال الهی؛ جلوه‌ای است از جلوه‌های الهی و تجلی روشنی است از صفات پاک خداوندی. ازاین‌رو، مادر بودن، از قداست برخوردار است و شایسته تکریم. مادر، یعنی جلوه‌گاه صبر و حلم، پناهگاه و مأمن، معلم ایثار و گذشت و مظهر شفقت و رحمت. در فرهنگ اسلامی، مادر بودن، با صفاتی مثبت همراه است؛ درحالی‌که در فرهنگ و فلسفه غربی، به‌خصوص مکتب فمینیسم، در تلاش هستند اقتضائات طبیعی زن را زیر سؤال ببرند و بکوشند خود را به دنیای مردانه وارد نمایند. آنان می‌پندارند که دنیای موجود زنان، ساخته و پرداخته مردان است و این مردان بودند که اقتضائاتی چون: جنسیت، مادرشدن یا مربی‌بودن را بر عهده زنان نهادند!

در این نوشتار، بر آنیم با تکیه بر آیات و روایات اسلامی، به ویژگی‌ها و نقش‌های مادری که بارقه‌ای است از صفات الهی، بپردازیم تا جایگاه و منزلت زن در نظام خلقت الهی روشن‌تر شود.

گرامیداشت مادر از نگاه دین

خداوند در قرآن در موارد متعددی، از مادر نام برده؛ نظیر حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام که پس از تولد، به اذن خداوند از جمله سخنانی که بر زبان جاری ساخت، محبت به مادر خویش بود: «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا»^۱ و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است.»

همچنین خداوند با واژه‌هایی نظیر: ام، ام موسی و امهات، درباره مادران آیاتی را نازل کرده است. این نوع تکریم‌ها، منحصر به آیات الهی نبوده، در احادیث اسلامی نیز دیده می‌شود. از این منظر، مهم‌ترین بزرگداشتی که از سوی خداوند در باب مادران شده، روایت مشهور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: «الْحَجَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»^۲ بهشت، زیر پای مادران است.» این گرامیداشت، از آن روست که خط‌مشی و کیفیت رفتار مادر، در تربیت فرزند و بهشتی شدن او، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و بدون رضایت مادر، نمی‌توان به بهشت دست یافت.

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در مورد تکریم مادر آمده است: «إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةٍ التَّطَوُّعِ فَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَاكَ وَالِدَتُكَ فَاقْطَعْهَا»^۳ اگر مشغول نماز مستحبی هستی و پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن اما اگر مادرت تو را خواند، نماز را قطع نما.» از این جهت، نیکی به مادر، برتر از احسان نسبت به پدر است و سرّ ترجیح آن در تحمل رنج‌های فراوان توسط مادر است؛ چنان‌که گرامیداشت خاله (خواهر مادر)، در نبود و فقدان مادر، به منزله تکریم مادر تلقی شده است.^۴ سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مواجهه با مادر

۱. مریم، آیه ۳۲.

۲. اسماعیل معزی ملابری، جامع احادیث الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۲۱، ص ۴۲۸ - ۴۲۹.

۳. همان، ج ۲۶، ص ۸۹۰.

۴. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال، ص ۳۴۳.

خویش در زمان حیات و پس از فوت ایشان و نیز رفتار ایشان با دایه‌هایشان، از جمله نمونه‌های عالی بزرگداشت مقام مادر توسط پیامبر است که نشان‌دهنده، منزلت والا و قداست ویژه مادر است.

قابلیت زادوولد

خداوند، جهان و هرچه را در آن است، برای بشر خلق کرد و تمام مخلوقات را به وجود مادر والا مقامی چون فاطمه علیها السلام منتهی نمود. خداوند فقط در خلقت حضرت آدم علیه السلام و حضرت حوا علیها السلام، مشارکت مستقیم داشته و سپس امکان تکثیر نسل بشر را در وجود جنس لطیف زن نهاد تا با تحمل مشقت نه‌ماهه بتواند انسانی را خلق کند و مفتخر به لقب مادر شود: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ^۱» انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج، به او باردار شد و با تحمل رنج، او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است؛ تا آن‌گاه که به رشد کامل خود برسد.»

شاید همین جلوه الهی است که خداوند علاوه بر بزرگداشت منزلت پدر و مادر، به طور ویژه، مقام مادر را مورد تجلیل قرار می‌دهد. در بسیاری از آیات، نام پدر و مادر در کنار یکدیگر آمده؛ ولی نام مادر در آیه ۱۵ سوره احقاف، به طور اختصاصی ذکر شده و زحمات و مشقات او را در فرزندآوری یادآوری می‌کند و در ذکر فرایند شکل‌گیری تا ولادت فرزند، هیچ نامی از پدر به میان نمی‌آورد؛ قرآن کریم، تنها یک جا سخن از پدر می‌آورد و آن هم بیان وظیفه پدر نسبت به مادر است:^۲

۱. احقاف، آیه ۱۵.

۲. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال، ص ۱۷۷ - ۱۸۰.

«وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۱ خوراک و پوشاک مادران، به طور شایسته بر عهده پدر فرزند است.» شاید به همین دلیل باشد که امام زین العابدین علیه السلام در رساله حقوق خود، اولین حق را در نظام خانوادگی در مسئله صلح رحم، به مادر می‌دهد:

«وَحُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ فَأَوْجِبُهُ عَلَيْكَ حَقَّ أُمَّكَ ثُمَّ حَقَّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقَّ وُلْدِكَ ثُمَّ حَقَّ أَخِيكَ ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَلِأَقْرَبُ؛^۲ و حقوق خویشانت، بسیار است و مربوط به اندازه نزدیکی پیوند خویشاوندی است. واجب‌ترین آنها، حق مادر توست، سپس حق پدرت و آن‌گاه حق فرزندات و بعد، حق برادرت و پس از آن، به ترتیب حق هر که نزدیک و نزدیک‌تر است.» آری، فرزند در رحم مادر شکل می‌گیرد و به انسانی کامل تبدیل می‌شود و از مادر تغذیه می‌کند تا به بلوغ برسد. خداوند تمام این مراحل را به «اُمّ» (مادر) نسبت می‌دهد.

مربی بودن

مربی، در زندگی افراد تأثیر چشمگیری دارد و از آنجایی که نوزاد از مادر به دنیا می‌آید و تعامل بیشتری با او دارد، مادر را می‌توان مربی همیشگی او، از گهواره تا گور در نظر گرفت. ذهن کودک و رفتارهای او، در ارتباط با محیط اطراف و تماس با دیگران رشد می‌کند. مهم‌ترین بخش زندگی مادر و فرزند را می‌توان وظایف پرورشی مادر و مباحث مربوط به تربیت فرزند دانست. خداوند در گام نخست برای تربیت کودک، هم به لحاظ جسمی و هم به لحاظ عاطفی، نوعی دلبستگی میان فرزند و مادر پدید می‌آورد که این امر، در مورد پدر چنین نیست.

۱. بقره، آیه ۲۳۳.

۲. رک: علی بن حسین علیه السلام، رساله حقوق (منشور متعالی حقوق در اسلام: رساله حقوق امام سجاد علیه السلام)، ص ۱۰.

شیر مادر، بهترین غذا

پرورش کودک توسط مادر، از زمان حضور فرزند در رحم مادر است که با تغذیه فرزند از خون مادر شروع می‌شود. آن‌گاه خداوند بهترین تغذیه، یعنی شیر را پس از تولد، از طریق مادر به فرزند می‌رساند تا دوسالگی از آن بنوشد و رشد یابد. آیات، روایات و یافته‌های علمی، بر اولویت تغذیه با شیر مادر دلالت دارند؛ از جمله قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ»^۱ و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند.» و در آیه دیگر می‌خوانیم: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»^۲ و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج، به او باردار شد و با تحمل رنج، او را به دنیا آورد. و باربرداشتن و از شیرگرفتن او، سی ماه است.»

خداوند در سوره‌ای دیگر خداوند می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ»^۳ و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی، و از شیر بازگرفتنش، در دو سال است. [آری، به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.»

از این آیات می‌توان استفاده کرد که اگر به غیر از شیر مادر، برای کودک غذای دیگری اولویت داشت، خداوند به آن در قرآن اشاره می‌کرد و البته این

۱. بقره، آیه ۲۳۳.

۲. احقاف، آیه ۱۵.

۳. لقمان، آیه ۱۴.

مطلب، با استفاده از روایاتی که بر اولویت و ارجحیت شیر مادر تأکید دارند، تأیید می‌گردد؛ نظیر روایت رسول اکرم ﷺ: «لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ»^۱ هیچ شیری برای نوزاد، بهتر از شیر مادر نیست.»

بر اساس یافته‌های علمی نیز شیر مادر، بهترین تغذیه برای فرزند به شمار می‌رود.^۲ این امر، تا جایی مقبولیت و شهرت جهانی یافته است که سازمان بهداشت جهانی، یک هفته را به نام «هفته جهانی تغذیه با شیر مادر» معرفی کرده و به شدت در تلاش است که میزان تغذیه با شیر مادر را افزایش دهد.

توجه به سلامت جسمانی

اولین چیزی که ذهن مادران را در دوره پیش از بارداری، هنگام بارداری و پس از آن، به خود معطوف می‌سازد، سلامت جسمانی فرزند است. این دغدغه، حتی پس از تولد فرزند نیز کاهش نمی‌یابد و بیشتر مادران، همواره در ساعت‌های مختلفی از شبانه‌روز، با کوچک‌ترین تغییر در وضعیت جسمانی کودک، به بررسی علل آن می‌پردازند. حال، اگر تغییر وضعیت جسمانی، منفی باشد، یعنی اگر فرزند در معرض بیماری یا آسیب باشد، مادر تلاش می‌کند بلافاصله اقداماتی را برای مقابله با آن در نظر بگیرد؛ مثلاً در مواردی سعی می‌کند هر چه سریع‌تر او را نزد پزشک ببرد و از راهکارهایی که دکتر تجویز می‌کند، استفاده نماید. در این مواقع، مادران آگاه معمولاً تأخیر را جایز نمی‌دانند و حتی الامکان از خوددردمانی اجتناب می‌کنند؛ زیرا نگران عواقب سوء آن هستند. خداوند در دین مبین خود، به سلامت جسمانی و پاکیزگی و طهارت جسم، توصیه‌های بسیاری نموده است. بنابراین، یکی از وظایفی که مادران باید در آن به‌درستی

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۲۳.

۲. ر.ک: رضا برداران و کاظم غفارپورسختا، مجله بیماری‌های کودکان ایران، سال ۱۳۸۱، دوره

۱۳، مقاله «تازه‌های قدرت دفاعی شیر مادر».

ایفای نقش کنند، تأمین سلامت جسمانی فرزند است که از پیش از تولد کودک، این وظیفه خطیر آغاز می‌شود؛ زیرا سلامت جسمانی، تأثیر چشمگیری بر سلامت روحی و روانی فرد دارد.

اهتمام به سلامت روحی و روانی

از سوی دیگر، تربیت اخلاقی و روحانی انسان‌ها، منوط به نقش مادر است. در حقیقت، خداوند علاوه بر نیاز جسمانی کودک به مادر، نوعی وابستگی عاطفی نیز میان این دو ایجاد کرده که در جلوه‌های مختلفی بروز می‌یابد که از آن به عنوان «دلبستگی» یاد می‌شود؛ حتی امروزه در مباحث علمی، درباره مقوله دلبستگی که هدیه‌ای الهی میان مادر و فرزند است، مباحثی متعددی مطرح شده و محققان بر این باورند که شکل‌نگرفتن دلبستگی، سبب می‌شود کودک آسیب‌های جدی جسمی و روحی را متحمل گردد.^۱

بنابراین، خداوند امکان تربیت صحیح فرزند توسط مادر را با ایجاد دلبستگی میان این دو فراهم می‌کند و از آن پس، هنر مادر است که با توجه به میزان ایمان، دانش و تجربه‌های خود، کودک را تربیت کند.

خداوند در قرآن از مادران نمونه‌ای سخن به میان می‌آورد که تربیت آنها مورد قبول پروردگار قرار گرفته؛ از جمله حضرت مریم عَلِیْهَا السَّلَامُ. مریم مقدس عَلِیْهَا السَّلَامُ، تربیت شده پدر نیست؛ بلکه تربیت یافته مادر است؛ زیرا مادرش وی را به خداوند هدیه داد و خدا هدیه او را پذیرفت: «وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَدُرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا؛^۲ او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم. پس پروردگارش وی (مریم) را با حسن قبول پذیرا

۱. ر.ک: نصرالله عرفانی، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ش ۱۵، مقاله «دلبستگی

مادر - شیرخوار».

۲. نساء، آیه ۳۶ و ۳۷.

شد و او را نیکو بار آورد.»

مادر حضرت مریم علیها السلام فرزندش را در پناه خداوند قرار داد تا در سلامت روحی و روانی کامل باشد و از گزند آسیب‌های شیطان در امان بماند. از آنجا که خداوند فقط اعمال پرهیزکاران را می‌پذیرد،^۱ می‌توان نتیجه گرفت که مادر حضرت مریم علیها السلام در شمار اهل تقوا بوده است. آری، «مریم به مقام قرب الهی رسید و خود از پرهیزکاران شد و همواره خداوند از روزی خاص خود (مانده) رزق وی می‌کرد و خداوند از رحم وی عیسی را پدید آورد و او مادر پیغمبر شد.»^۲

بریگم یونگ، در مورد اهمیت نقش آموزشی مادر در جامعه جمله زیبایی دارد: «اگر شما به یک مرد آموزش دهید، [در بهترین حالت،] تنها به یک مرد آموزش داده‌اید؛ اما اگر به یک زن آموزش دهید، به یک نسل آموزش داده‌اید.»^۳ پروین اعتصامی در اشاره به منزلت و نقش مادر می‌سراید:

گر فلاطن و سقراط، بوده‌اند بزرگ
بزرگ بوده پرستار خُردی ایشان^۲

مادر آگاه و موفق، مادری است که هم‌زمان با تغذیه جسمانی مناسب، غذای معنوی سالمی را برای روح و روان خود و فرزندش مهیا می‌سازد تا بتواند روحی پاک و شایسته را در مخلوق خویش بدمد. بدیهی است که بی‌توجهی به این مهم، خاصه در این زمان که عصر فناوری ارتباطات و اطلاعات است، صدمات جبران‌ناپذیری را برای خانواده به همراه خواهد داشت.

۱. مانده، آیه ۲۷: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ به‌درستی که خداوند، [عمل] پرهیزکاران را می‌پذیرد.»

۲. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال، ص ۱۴۱ - ۱۴۳ و ۱۶۱ - ۱۶۲.

3. Dear Rob: Lying Fully Clothed: Exposing the Naked Truth about Men, p109.

۴. ر.ک: پایگاه اینترنتی گنجور، دیوان پروین اعتصامی، نشانی:

<http://ganjoor.net/parvin/divanp/mtm/sh10>

جلوه رأفت و رحمت

مادر بودن، یعنی کسی که شایسته تجلی رأفت و رحمت الهی در بین بندگان است. از جانب مادر است که خداوند ایثار و گذشت را بین بندگان گسترش می‌دهد. از آنجا که روابط اجتماعی، صرفاً بر اساس قانون قوام نمی‌یابد، خداوند بندگان خویش را به صله رحم و برقراری ارتباط‌های عاطفی میان دوستان و خویشان امر کرده است تا آرامش و صفای ضمیر آنها تأمین شود.

جامعه، محصول و برآیند خانواده است و تنها با ایجاد رأفت بین اعضای خانواده است که میان آنان رأفت و رحمت گسترش می‌یابد. مهم‌ترین عاملی که میان افراد خانواده رأفت، گذشت و ایثار را زنده می‌کند، تجلی روح مادر در خانواده است؛ زیرا پدر به استناد «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۱ مردان، سرپرست زنان‌اند، عهده‌دار کارهای اداری و اجرایی خانواده است و اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی‌ریزی شده، به عهده مادر است؛ چون مادر، مبدأ پیدایش و پرورش فرزندان است که هر یک به دیگری وابسته‌اند؛ از این روست که مکتب اسلام، حفظ پیوند خانوادگی و فراموش نکردن آن را، از واجب‌های مهم به شمار می‌آورد.

در همین راستا، قرآن کریم در سوره بقره و رعد^۲ به وجوب صله رحم امر کرده و از ترک‌کنندگان آن، با تعبیر مختلفی نظیر «مفسد فی الأرض» و «خاسرون» یاد کرده و برای آنها عذابی دردناک در نظر گرفته است. آن‌که نتواند در محیط کوچک خانواده، چنین ارتباط و صفا و صمیمیتی را تجربه و تمرین کند، نمی‌تواند آن را در محیط بزرگ جامعه اجرا کند. به قول استاد شهریار:

۱. نساء، آیه ۳۴.

۲. بقره، آیه ۲۷؛ رعد، آیه ۲۵.

اغلب کسان که پرده حرمت دریده‌اند

در کودکی محبت مادر ندیده‌اند^۱

بدون وجود رحمت و شفقت مادرانه، ایثار و تعاون و گذشت در جامعه شکل نخواهد گرفت و آموزش ایثار و رحمت، فقط از سوی وجود سرشار از محبت مادر امکان‌پذیر است.^۲

جلوه آموزش الهی

خداوند برای عرضه رحمت خود بر بندگان، راه‌های متفاوتی را در نظر گرفته است که هرگاه بنده به یکی از آنها متوسل شود، خداوند گناهان او را بخشیده، درهای رحمت خویش را بر او باز خواهد نمود. چهارده معصوم علیهم‌السلام، ماه‌هایی همچون: رجب، شعبان و رمضان، مکان‌هایی مانند: مسجد الحرام و مسجد النبی، نیز زمان‌هایی مثل شب‌های جمعه و لیلة القدر، از جمله این راه‌ها می‌باشند. بر اساس روایت، والدین، به‌خصوص مادر، یکی از راه‌های رحمت الهی است.

امام سجاد علیه‌السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و عرض کرد: هیچ کار زشتی نمانده که انجام نداده باشم، آیا می‌توانم توبه کنم؟ فرمود: آیا هیچ‌یک از پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت: بله، پدرم. حضرت فرمود: برو به او نیکی کن [تا آمرزیده شوی]. وقتی راه افتاد، پیامبر فرمود: کاش مادرش زنده بود [یعنی اگر وی زنده بود و به او نیکی می‌کرد، زودتر آمرزیده می‌شد].^۳

در حدیثی دیگر، در مورد رحیم‌بودن مادر از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده

۱. ر.ک: پایگاه اینترنتی گنجور، دیوان استاد شهریار:

www.ganjoor.net/parvin/divanp/mtm/sh10

۲. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، ص ۳۹-۴۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ص ۸۲.

است: «دَعْوَةُ الْوَالِدَةِ أَسْرَعُ إِجَابَةً، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: هِيَ أَرْحَمُ مِنَ الْأَدَبِ، وَدَعْوَةُ الرَّجْمِ لَا تَسْقُطُ؛^۱ دعای مادر، زودتر اجابت می‌شود. از ایشان سوال شد که برای چه؟ فرمود: او، رحیم‌تر از پدر است و دعای رحیم، نمی‌افتد (بدون اجابت نخواهد ماند).»

از سویی دیگر، نفرین والدین می‌تواند یکی از مجاری عذاب الهی و محرومیت از رحمت خداوند باشد. در روایاتی از حضرت محمد ﷺ آمده: «از نفرین پدر بترسید و دور باشید که بالای ابر [بر آسمان] بلند شود و خداوند بلندمرتبه [به فرشتگان] فرماید: آن را به سوی من بلند کنید تا استجابت کنم و از نفرین مادر بترسید که، از شمشیر تیزتر است.»^۲

ملجأ و پناهگاه

در ادعیه مختلف، از خداوند به عنوان «ملجأ» یا پناهگاه یاد شده است. مادر که بارقه‌ای از صفات الهی است نیز همواره مأمن و پناهگاه فرزندان خویش است؛ گاه به‌نگاهی، غم از دل فرزندان خود می‌برد و گاه به‌لبخندی و یا سخنی، خستگی‌های زمانه و دلتنگی‌های فرزندان را می‌زداید. چه خوب سروده شاعر افغان:

دانسته‌ام کنون

ای مادر عزیز

در بحر بیکرانه و پرموج زندگی

تو ناخدای قایق بشکسته منی^۳

۱. ملامحسن فیض کاشانی، محجة البيضاء، ج ۳، ص ۴۳۵؛ ر.ک: پایگاه اینترنتی راسخون:

rasekhoon.net/article/print-102761.aspx

۲. مسعود بن عیسی ورام، مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام، ج ۱، ص ۱۲.

۳. پرتو نادری، گفت‌وگو با مجله «میرمن» به مناسبت روز مادر، برگرفته از پایگاه اینترنتی:

www.h-obaidi.com/afghanasamai-obaidi.com-ausgabe13/partaw-naderi-madar.htm

جمع بندی

زن در مکتب اسلام، جایگاهی والا در دستگاه خلقت دارد که بارزترین آن، جلوه‌ای از سنت الهی است که پرورش انسان کامل و تربیت نسلی خدایی و موفق می‌باشد. از این روست که خداوند و خلفای راستین وی، یعنی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومان علیهم‌السلام، همواره بشر را به تکریم ویژه مادر امر می‌نمایند. زن در مکتب اسلام، برخلاف رویکردهای غربی، منقطع از جهان فرض نمی‌شود. در مکاتب غربی، بر اساس رویکردهای اومانیستی، فلسفه خلق انسان را فقط به منظور بهره‌مندی از لذت بیشتر می‌دانند. از این رو، در تلاش هستند با ارائه نظریه‌ها و فلسفه‌های مادی و اباحی‌گرانه، زن را از نظام مردسالارانه رها سازند و او را به شادی بیشتر در این جهان برسانند. آنان تمامی اقتضانات طبیعی روحانی و جسمانی زن را به مسائل مادی و لذایذ دنیوی تنزل می‌دهند تا در پرتو آن، بتوانند زن را به شادی و سعادت دنیوی برسانند؛ در حالی که این کار، غفلت از ذات و طبیعت زن است و ثمره‌ای جز مشکلات و مصائب اخلاقی و روحی و روانی برای وی نداشته و نخواهد داشت.

رقابت‌های ناسالم زنان

سیده مریم طباطبایی ندوشن

اشاره

«رقابت» اگر با مبنای اخلاقی در ابعاد مثبت و معنوی رخ دهد، سوق‌دهنده آدمی به سوی کمال است؛ اما «رقابت ناسالم» زمینه‌ساز سقوط آدمی از قله بلند انسانیت می‌شود. رقابت ناسالم، اگرچه ممکن است در میان مردان نیز وجود داشته باشد، اما فراوانی این پدیده، به دلایل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، در بین زنان مشهودتر است. در این نوشتار، «رقابت ناسالم» با تعبیر عامیانه «چشم‌وهم‌چشمی» برابر دانسته شده، ریشه‌ها و علل، جلوه، آثار و راهکارهای مقابله با آن، با بهره‌گیری از منابع روایی بررسی می‌شود.

اهمیت و مفهوم‌شناسی

میزان بروز ناهنجاری‌های اجتماعی در دو گروه زنان و مردان متفاوت است؛ از جمله پدیده «رقابت ناسالم»، در «زنان» بیشتر است؛ چنان‌که بعضی دیگر از ناهنجاری‌های اجتماعی، مانند اعتیاد، بیش از زنان، دامن‌گیر مردان می‌شود.

ریشه «رقابت ناسالم» یا «چشم‌وهم‌چشمی» را باید در انگیزه انسان برای به‌دست آوردن مادیات و ظواهر زندگی جست‌وجو کرد. این پدیده که با برانگیختن حس «حسادت» همراه است، می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از

آسیب‌ها باشد؛ درحالی‌که «رقابت سالم» با زمینه «غبطه» بر دیگران، در امور معنوی و علمی رخ می‌دهد و مایه پیشرفت و کمال آدمی را میسر می‌سازد. قرآن کریم می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۱ در کارهای نیک، از یکدیگر سبقت بگیرید.»

چشم‌وهم‌چشمی، در فرهنگ^۲، «رقابت در تجمل» معنا شده است. البته نگرانی درباره این پدیده، به «رقابت در تجملات» خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پیامدهای پیدا و پنهان رقابت ناسالم، تا آنجاست که جای پای طیف وسیعی از ناهنجاری‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را می‌توان در آن دید. زنان، کانون عاطفه در خانواده و تربیت‌کننده نسل‌ها هستند و شیوع چشم‌وهم‌چشمی یا سطحی‌نگری در بانوان، یعنی کژکارکردی در نقش همسری آنان؛ درحالی‌که باید با مدیریت و دلسوزی، آرامش‌بخش مرد و تربیت‌کننده فرزندان باشند. کژکارکردی در نقش همسری، روابط زناشویی را دچار اختلال می‌کند و از سوی دیگر، وجود این ناهنجاری فکری و رفتاری در گروه زنان، به دلیل نقش پرورشی و تربیتی مادران، قابلیت سرایت به فرزندان را دارد و چندی نمی‌گذرد که مردان و زنان تربیت‌شده توسط این زنان، و به عبارتی فرهنگ حاکم بر جامعه، گرفتار این ناهنجاری و آسیب‌های آن می‌شود.

وجود دو واژه «چشم» در عبارت «چشم‌وهم‌چشمی» نشان می‌دهد بانوانی که به عارضه رقابت ناسالم دچارند، به شدت تحت تأثیر قوه بینایی قرار دارند و دیده‌هایشان، معیار قضاوت درباره دیگران است که اصطلاحاً گفته می‌شود این زنان، «عقلشان، به چشمشان است» و این، یعنی «سطحی‌نگریستن».

همچنین، کسانی که به این عارضه دچارند، ارزش خود را در «چشم»

۱. بقره، آیه ۱۴۸.

۲. ر.ک: حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، حرف «ج».

دیگران می‌بینند و خود را در نگاه دیگران تعریف می‌کنند. ملاک نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای این زنان، داشته‌های دیگران است؛ چنان‌که به جای «تفکر» و «تحقیق»، صرفاً به «تقلید» از دیگران می‌پردازند.

قرآن کریم در داستان قارون، به دو گروه «تعمق‌کننده» و «تقلیدکننده» اشاره می‌کند که با دیدن زینت‌های قارون، دو برداشت متفاوت داشتند: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ * وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ نَوَابِ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ»^۱ روزی [قارون] با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد. آنها که خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است، ما نیز داشتیم! به‌راستی که او بهره‌عظیمی دارد؛ ولی کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود، گفتند: وای بر شما! ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند، بهتر است؛ اما جز صابران، آن را دریافت نمی‌کنند.»

گرچه عقلت، سوی بالا می‌برد مرغ تقلیدت به پستی می‌چرد^۲

ریشه‌ها و علل چشم‌وهم‌چشمی

دلایل این مسئله را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. علل اجتماعی و فرهنگی

متأسفانه، در جامعه امروزی ارزش‌ها تغییر جهت داده و اعتبار داشته‌های مادی، بیشتر از ارزش‌های معنوی تلقی می‌شود. ملاک جوانان برای یافتن

۳. قصص، آیه ۷۹ و ۸۰.

۲. مثنوی معنوی.

همسر، مانند گذشته نیست حتی خانواده‌ها در ارزیابی طرف مقابل، در بررسی «معیارهای ظاهری» جوانانشان را همراهی می‌کنند؛ بسیاری از ملاک‌های مادی و حاشیه‌ای که کمترین تأثیر را در موفقیت ازدواج دارد، جایگزین ملاک‌هایی چون: تدین، اصالت خانوادگی، نجات یا متانت شده است که روزگاری باطن و معیار اصلی انتخاب‌ها بود.

در کنار تأثیر قوی ابزارهای تهاجم فرهنگی که اصالت‌یافتن «لذت‌های مادی» را تبلیغ نموده، سعادت‌مندی را در داشته‌های مادی دنبال می‌کنند، غفلت از ظرفیت‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی را نباید نادیده گرفت. توصیه‌ها و دستورهای اخلاقی و معنوی نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، اگر به قانون روشنگر زندگی‌ها مبدل شود، ژرف‌بینی و عمق‌نگری، نگاه اصلی زندگی‌ها می‌شود و قطعاً چنین جامعه‌ای در منجلاب چشم‌وهم‌چشمی که تنها یکی از آثار ظاهرینی است، اسیر نمی‌شود.

این گله‌مندی، تنها به مغفول‌ماندن از پشتوانه مذهبی فرهنگ ما خلاصه نمی‌شود. ادبیات ما، یکی از ظرفیت‌های کم‌نظیر فرهنگی است که می‌تواند بالاترین و والاترین مضامین اخلاقی، ادبی و عرفانی را در افراد جامعه درونی کند. یکی از این مضامین، داشتن روحیه قناعت، مناعت و پرهیز از دنیاطلبی است. «در مکتب‌خانه‌های ابتدایی که ویژه کودکان بود، پس از یادگرفتن الفبا و «عم جزء»، مثنوی نان و حلوا، شیخ بهایی، موش و گربه عبید زاکانی، پندنامه فریدالدین عطار، گلستان و بوستان سعدی، دیوان جودی، دیوان حافظ، حسین گرد و... تدریس می‌شد.»^۱ چنین آموزش‌هایی، دانشمندان و اندیشمندان ایرانی را تربیت می‌کرد؛ اما متأسفانه، امروزه با تکیه بر علوم وارداتی، کمتر جوان تحصیل کرده دانشگاهی ما، یک غزل از حافظ را بدون غلط می‌خواند و

۵. عیسی صدیق، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، ص ۱۱۷.

حکایت‌های پندآموز ادبیات ما کمتر شنیده شده؛ این، غفلت از ابزارهای است که بدون شک، رساترین و اثرگذارترین ابزار ابلاغ و تبلیغ خردمندی هستند. غفلت از ظرفیت‌ها، یادآور حدیثی از امام صادق علیه السلام است؛ که به والدین و مسئولان جامعه، علت جایگزینی ارزش‌های خودی را با ارزش‌های غربی گوشزد می‌کند: «بادروا أخطائکم بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمُ الْيَهُودُ الْمُرْجِيَّةُ»^۱ احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید [و در این امر عجله کنید؛] پیش از آنکه مخالفان گمراه، بر شما پیشی گیرند [و فرزندانان را گمراه سازند].»

۲. عوامل تربیتی، خانوادگی و فردی

برخی از این علل عبارت‌اند از:

- محرومیت‌های دوران کودکی

افرادی که در دوران کودکی در کنار ضعف اقتصادی، ضعف فرهنگی داشته‌اند، در بزرگسالی در صورت دست‌یافتن به امکانات مالی، با طبقات بالای اجتماعی در رقابت قرار می‌گیرند تا خلأ کودکی را سرپوش بگذارند.

- سرایت چشم‌وهم‌چشمی از والدین به فرزندان

والدینی که برای توجیه برنامه‌های زندگی خود، مانند: تحصیل، رفتن به سفر و خرید لوازم زندگی، اقدامات سایر خانواده‌ها را ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌دهند، انگیزه رقابت ناسالم را در فرزندانشان تقویت می‌کنند.

- بی‌توجهی والدین به مسائل تربیتی

پدری که همیشه عدم حضور خود را در منزل با خرید لوازم و هدایا جبران می‌کند، میل به مصرف‌گرایی را در فرزند تقویت می‌کند. مادری که در

۶. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

قبال کوچک‌ترین اشتباه و شکست فرزندش، او را با سایر همسالان مقایسه و سرزنش می‌کند، در ذهن ناخودآگاه فرزندش، برتری دیگران را اثبات می‌کند.

- احساس حقارت و خودکم‌بینی

افرادی که از خودکم‌بینی رنج می‌برند، خویشان را از نظر ارزش ذاتی، کمتر از دیگران ارزیابی می‌کنند و برای جبران حقارت درونی، به تظاهر بیرونی روی می‌آورند. این افراد، چون از درون خود، چیزی برای آرامش و مقبولیت نمی‌یابند، آن را از بیرون طلب می‌کنند و بی‌اختیار به هر آنچه جنبه تأیید در جامعه پیدا می‌کند، عمل می‌کنند.

ابعاد چشم‌وهم‌چشمی

اصلی‌ترین ابعاد چشم‌وهم‌چشمی در خانواده‌ها:

۱. ازدواج

در جامعه ما، چشم‌وهم‌چشمی در تمام مراحل ازدواج جولان می‌دهد؛ تا آنجا که:

- چون یکی از اقوام، سال تولد دختر خود را به هجری شمسی محاسبه و مهریه تعیین کرده است، خانواده‌ای دیگر، به سال هخامنشی سکه طلا تعیین می‌کند تا تعداد سکه‌ها، بیشتر شود!

- اقلام غیرضروری در جهیزیه عروس، بیش از کالاهای ضروری و کاربردی است و خانه نقلی عروس و داماد را به انبار وسایل، شبیه کرده است.

- توقعات بی‌رویه هر دو طرف از یکدیگر در: تهیه جهیزیه، خرید مسکن، برگزاری مراسم عروسی و یا انتظار دریافت هدایای ویژه در ایام عقد، موجب شده دوران عقد که زیباترین دوران زندگی یک زوج است، شیرینی خود را از دست بدهد و بسیاری از جوانان، از نیمه راه، قید عروسی را بزنند. مسئولان

آمار کشور، از این واقعه به «سونامی طلاق در دوران عقد» یاد می‌کنند. «در شهرهای بزرگ، چهل درصد طلاق‌ها در دوران عقد رخ می‌دهد که ۲۷ درصد آنها به دلیل برآورده‌نشدن توقعات و انتظاراتی مادی است.»^۱ ناگفته پیداست که مادران زوجین و زنان اقوام، تأثیر مهمی در ایجاد توقعات دارند.

۲. جراحی زیبایی

جراحی پلاستیک در ایران، یکی از ابعاد چشم‌وهم‌چشمی و بسیار پُرطرف‌دار است؛ به طوری که آمار این جراحی‌ها در ایران، هفت برابر کشور آمریکا است و نود درصد آن، مربوط به عمل بینی است. از این رو، ایران را باید به عنوان پایتخت عمل جراحی زیبایی در جهان قلمداد کرد! این در حالی است که «تنها بیست درصد از عمل‌ها، جنبه درمانی دارد و هشتاد درصد افراد، تنها برای زیبایی، عمل بینی انجام می‌دهند که ده درصد این آمار را آقایان، و نود درصد را خانم‌ها شامل می‌شوند.» به نظر می‌رسد که در کنار پدیده چشم‌وهم‌چشمی، باید از پدیده دیگری به نام «بینی‌وهم‌بینی» هم صحبت کرد!^۲

۳. پوشش و آرایش

نگران‌کننده‌ترین جلوه رقابت ناسالم زنان و دختران، در پوشش و آرایش در محیط‌های بیرون از منزل است؛ چراکه این، یک تقلید فرهنگی است و در تقلید فرهنگی، فرد هویت و هنجارهای ارزشی خود را فراموش کرده، به راحتی تسلیم هنجارهای دیگران می‌شود؛ دیگرانی که دچار بی‌مبالاتی فرهنگی هستند و به

۱. درگاه ملی آمار: www.amar.org.ir.

۲. پایگاه اینترنتی سلامت نیوز، به نقل از: دکتر محسن نراقی، رئیس انجمن تحقیقات راینولوژی

ایران: www.salamatnews.com.

دلیل ضعف تربیتی و مذهبی، اجازه حضور در خیابان با هر نوع پوشش و آرایشی را به خود می دهند. این چنین است که پوشیدن چکمه های بلند روی شلوار که مصداق صریح پوشش و لباس شهرت است، به راحتی از سوی خانواده ها اجازه استفاده داده می شود و در حقیقت، پدیده مُد با چشم و هم چشمی رواج می یابد. روزی مانتوها تنگ می شود و ماه بعد آستین ها بالا می رود؛ اما مُدهای جدید بدحجابی که به تازگی مشاهده می شود، پوششی است بسیار تنگ و بدن نما که از آن به جای شلوار و با عنوان ساپورت استفاده می شود.

امام علی علیه السلام می فرماید: «در آخر الزمان که بدترین زمان هاست، زنانی ظاهر می شوند که در عین لباس پوشیدن، لخت و عور هستند.»^۱

۴. نوع پذیرایی در مهمانی ها

روزگاری نه چندان دور، در شب نشینی ها با یک چای، یک نوع میوه و تنقلاتی در حد نخودچی کشمش، از مهمان پذیرایی می کردند. در مثل زیبای فارسی داریم: «مهمان، هر که باشد، در خانه هر چه باشد.» به دلیل همین سادگی، رفت و آمدها و صله رحم بیشتر بود؛ اما امروزه، مهمانی ها با حضور انواع میوه ها و تنقلات، به مسابقه به رخ کشیدن موجودی های یخچال شبیه تر شده است. فرار از مسابقه تجملات و هزینه های آن، رفت و آمدهای هر روزه و هرهفته را به سالی یکبار در عید نوروز کاهش داده است.

۵. سایر جلوه های چشم و هم چشمی

خرید لوازم تجملاتی منزل، تعویض پی در پی گوشی تلفن همراه، سفر به کشورهای اروپایی به جای سفر به اماکن مقدس، تعیین رشته تحصیلی بدون

۹. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۲۸.

در نظر گرفتن استعداد شخصی و اصرار بر شاغل بودن، از دیگر جلوه‌های چشم‌وهم‌چشمی در بین زنان است.

پیامدها و آسیب‌های چشم‌وهم‌چشمی

۱. آسیب‌های فردی

فردی که ذهنش انباشته از دغدغه رقابت ناسالم با دیگران است، با حسادت و ورزی، لذت زندگی و آرامش را از خود سلب می‌کند. این افراد، همیشه خشنودی خود را در آینده و در رسیدن به آرزوها می‌دانند؛ آرزوهایی که پایانی برای آن نیست؛ چون همیشه وضعیت بهتر وجود دارد. به این ترتیب، زمینه بیماری‌های جسمی و روانی را در خود فراهم می‌کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لَللَّهِ دَرُّ الْحَسَدِ مَا أَعْدَلَهُ! بَدَأَ بِصَاحِبِهِ فَقَتَلَهُ؛^۱ آفرین بر حسادت! چه عدالت‌پیشه است! پیش از همه، صاحب خود را می‌کشد.»

۲. آسیب‌های خانوادگی

- مقروض بودن خانواده

گام برداشتن در مسیر کسب مادیات با هدف جلوه‌کردن در نظر دیگران، آرامش خانواده، قربانی اقساط بانکی و پرداخت قرض‌ها می‌شود. بسیاری از وام‌های بانکی با بهره‌های بالا، برای خرید وسایل گرفته می‌شود؛ وسایلی نظیر یخچال تلویزیون‌دار، ویتترین‌هایی با ظروف قیمتی و یا گوشی تلفن همراه. این امور، نه تنها آرامش افراد خانواده را بیشتر نمی‌کند، بلکه دغدغه آسیب‌ندیدن این وسایل و پرداخت اقساط بلندمدتشان، آسایش را از حریم خانه می‌برد. روزی حضرت علی علیه السلام از جلوی قصابی می‌گذشت. قصاب از او خواست

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۱۶.

که از گوشت‌های تازه ببرد. حضرت فرمود: پولی همراه ندارم. قصاب گفت: نسیه ببر، بعد پولش را می‌آوری. حضرت در پاسخ فرمود: اگر به شکم خود بدهکار باشم، بهتر از آن است که بدهکار شخص دیگر باشم.^۱

- اختلاف‌های زناشویی

در رقابت ناسالم با دیگران، هماهنگی اقتصادی وجود ندارد و با مطرح‌شدن پیاپی خواسته‌ها توسط زن، مرد احساس ارزشمندی را از دست می‌دهد؛ هنگامی که احساس ارزشمندی در مرد خدشه‌دار می‌شود، خلق و خوی ظاهری و دنیاطلبی بر رفتار و گفتارش حاکم می‌شود که پیامد آن، رخت‌بستن صمیمیت در روابط همسران و بالارفتن اختلاف‌های زناشویی است.

- احتمال افزایش خیانت مرد به همسر

بشاش‌بودن و رضایتمندی زنان، کانون خانه را گرم نگه می‌دارد؛ اما زنانی که دچار عارضه چشم‌وهم‌چشمی هستند، همیشه مأیوس و ناخشنودند. مرد و فرزندان نیز همچون زن که آرامش را در داشته‌های دیگران جست‌وجو می‌کنند، آرامش را در خارج از خانواده می‌جویند. این موضوع، احتمال خیانت مرد به زن یا احتمال عشق‌های خیابانی را در فرزندان افزایش می‌دهد.

۳. پیامدهای اجتماعی

- افزایش آمار طلاق

آمار بالای زنان متقاضی طلاق، نشان می‌دهد که میزان رضایتمندی زنان از زندگی زناشویی، نسبت به گذشته کاهش یافته: «در تیرماه سال ۹۳، اعلام شده

۱. جواد محدثی، اخلاق معاشرت، ص ۱۷۳.

است که هفتاد درصد تقاضاهای طلاق‌ها از سوی زنان، سه درصد از طرف مردان و ۲۶ درصد توافقی بوده است.^۱

بی‌توجهی به نیازمندان جامعه

مقایسه شرایط زندگی خود با بالادستان، باعث می‌شود «حرص» در آدمی زنده شود. فرد حریص، به دلیل انبوه خواسته‌هایش همیشه خود را نیازمند می‌داند و هیچ‌گاه در خویشتن، توان دستگیری از نیازمندان را نمی‌بیند.

- سایر ناهنجاری‌های اجتماعی

دزدی و رشوه‌خواری، افزایش بیماری‌های روانی و افسردگی‌ها، خشونت‌آمیز بودن روابط بین فردی، اشاعه غیبت و بدگویی دیگران در خانواده‌ها، رواج مصرف‌گرایی و وابستگی اقتصاد کشور به واردات غیرضروری، همگی ریشه در چشم‌وهم‌چشمی‌ها و دوری از معنویت دارد.

راهکارها

برای برون‌رفت از معضل چشم‌وهم‌چشمی، راه حل‌های ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. تقویت روحیه قناعت و شکرگزاری

در روایت آمده است: «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ ۷: وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ»^۲ خداوند متعال به داود عليه السلام وحی کرد: توانگری را در قناعت نهاده‌ام؛ اما مردم آن را در فراوانی مال می‌جویند. از این رو، نمی‌یابندش.»

۱۲. پایگاه اینترنتی ایسنا، به نقل از: رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، نشانی:

حلقه مفقوده زندگی‌ها در عصر حاضر، آرامش است و تنها انسان «قانع»، از آرامش بهره‌مند است.

۲. مقایسه خود با افراد فرودست در امور مادی

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «انظروا إلی من أسفل منکم ولا تنظروا إلی من هو فوقکم فهو أجدر أن لا تزدروا نعمة الله»^۱ در امور دنیا، به پایین‌تر از خود نگاه کنید و به بالاتر از خود منگردید؛ در این صورت، نعمت‌های خداوند را که از آن برخوردارید کوچک نخواهید شمرد.»

مقایسه خود با کسانی که امکانات مادی بیشتری دارند (مقایسه صعودی)، باعث حسرت و حزن طولانی می‌شود؛ اما قیاس وضع خود با فرودستان (مقایسه نزولی)، باعث بزرگ‌نمایی نعمت‌هایی می‌شود که خداوند به ما عطا کرده است. افزایش رضایت از زندگی، حاصل چنین مقایسه‌ای است.

۳. توجه به آسیب‌های دینی و اخروی حسادت

حسادت و چشم‌وهم‌چشمی، مایه آفت دین، از بین‌برنده ایمان، خروج از ولایت و دوستی حق، دشمنی با تدابیر خداوند، عدم قبولی طاعت، پذیرفته‌نشدن توبه و شفاعت، از بین‌برنده خوبی‌ها و منشأ بسیاری از گناهان است.^۲

۴. مدیریت معاشرت‌ها

در معاشرت با افراد و خانواده‌ها، علاوه بر اموری چون تدین و اصالت،

۱. محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۵۴.

۲. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰؛ احمد نراقی، معراج السعادة، ذیل بحث «حسادت».

هم طبقه بودن و یکسانی اوضاع مالی باید در نظر گرفته شود؛ تا این مسئله به مقایسه صعودی منجر نشود. امام باقر علیه السلام خطاب به شخصی فرمود: «لَا تُجَالِسِ الْأَغْنِيَاءَ فَإِنَّ الْعَبْدَ يُجَالِسُهُمْ وَهُوَ يَرَى أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ فَمَا يَقُومُ حَتَّى يَرَى أَنَّ لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ؛^۱ با ثروتمندان همنشین نشوید؛ زیرا بنده با آنان همنشین می‌شود، درحالی‌که معتقد است خدا به او نعمت داده و بر نمی‌خیزد تا معتقد می‌شود که خدا هیچ نعمتی به او نداده است.»

۵. مجهز شدن مردان به مهارت‌های مهرورزی

معمولاً کمبودهای عاطفی به صورت رفتارهای غیرطبیعی بروز می‌کند. پدیده چشم‌وهم‌چشمی میان برخی زنان، نشانه وجود نوعی نیاز برای جلب توجه اطرافیان و مورد تأیید قرارگرفتن از سوی آنهاست. از این رو، مردان نباید از توجه به قابلیت‌های ذاتی همسر خود غفلت ورزند.

۶. افزایش علاقه به مطالعه

مطالعه، باعث وسعت فکر انسان می‌شود. آنچه مناسب‌ترین بستر برای چشم‌وهم‌چشمی است، کوتاهی فکر و کوچک بودن دنیای ذهنی افراد است. زنان اهل مطالعه، قدرت تجزیه و تحلیل بیشتری دارند و متن زندگی را قربانی حواشی نمی‌کنند. این زنان، پشت پرده تجمل‌گرایی را به‌درستی می‌بینند. بدیهی است که مطالعه کتب مذهبی و ادبیات کلاسیک فارسی، می‌تواند زنان را ژرف‌اندیش نموده، آنها را در مقابل تهاجمات فرهنگی، بیمه سازد.

۷. توجه رسانه‌ها به محتوا

اگر رسانه‌های جمعی، مفاهیم عمیق‌تر و ارزشمندتری را مورد توجه قرار دهند،

۱. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۲۶.

مخاطبان نیز به همان اندازه می‌کوشند به لایه‌های درونی‌تر زندگی توجه کنند؛ متأسفانه، امروزه نمایش وسایل لوکس و غیرضروری، جزء جداناپذیر سریال‌های تلویزیونی در کشور ما شده است.

سخن پایانی

برجسته‌ترین دلیل چشم‌وهم‌چشمی، فقر فرهنگی و عدم بلوغ منطق است که باعث می‌شود فرد به جای صرف قابلیت خود در کارهای مثبت، آن را صرف رقابت ناسالم با دیگران کند. بر متولیان فرهنگی، از جمله مبلغان است که فرهنگ جامعه را به سوی منشأ اصلی، یعنی سبک زندگی اسلامی و ایرانی سوق دهند تا شاهد تغییر سلیقه اجتماعی و ذایقه مردم به سوی فرهنگ بیگانه نباشیم.

آسیب‌شناسی شبکه‌های ماهواره‌ای

معصومه محمدی سیف

اشاره

امروزه رسانه‌های ارتباط جمعی در گونه‌های مختلف با یکدیگر بر سر حاکمیت و ربودن وقت و سرمایه و توجه و تمایلات مخاطبان خود رقابت می‌کنند. در این میان، ماهواره به عنوان یکی از رسانه‌ها و ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، بیش از گذشته چهره خود را در بین خانواده نمایان ساخته و استقبال فراوان مخاطبان از این رسانه، باعث شده طی سال‌های اخیر صدها شبکه تلویزیونی تأسیس گشته و شبانه‌روزی برنامه‌های گوناگونی را به نمایش گذارند. بی‌شک پیشرفت رسانه‌های ماهواره‌ای بی‌قید و شرط، پدیده‌ای مطلوب نیست در تجربه کوتاه و چندین ساله، معلوم شد که برخی از پیامدهای سوء این پدیده، از حیث فرهنگی به شدت آسیب‌زاست. فرایند ارتباطات از راه دور و استفاده از ماهواره و دیگر رسانه‌های گروهی برای پخش امواج در سطح گسترده، شمشیری دو لبه است که می‌تواند پی‌آمدهای مثبت و منفی داشته باشد.

در این جا به بیان برخی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی ماهواره‌ای که خانواده‌ها را با چالش مواجه ساخته است پرداخته شده و در پایان به ذکر راهکارها و پیشنهادهایی در این خصوص اشاره خواهد شد.

انواع برنامه‌های ماهواره و آسیب‌های اجتماعی آن

می‌توان برنامه‌هایی را که از ماهواره پخش می‌شود به دو دسته تقسیم کرد: ابتدا برنامه‌هایی که اطلاعاتی را از فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون پخش می‌کنند؛ از قبیل اخبار، گزارش، فیلم‌های مستند، اطلاعات علمی و مانند آن. و دیگری برنامه‌های مبتذل اخلاقی، مذهبی و سیاسی در قالب مصاحبه، فیلم و گزارش. می‌توان دسته‌ی اول را از زاویه‌ی روابط میان فرهنگ‌ها نگاه کرد و دسته دوم را از زاویه‌ی تقابل میان فرهنگ‌ها دید^۱ که معمولاً برنامه‌های دسته‌ی دوم، مورد اعتراض کارشناسان خارجی نیز واقع شده‌اند. از این‌رو ماهواره به خودی خود پدیده‌ی شومی نیست، اما از آن جایی که بسیاری از شبکه‌های ماهواره‌ای، به جای دولت، در اختیار بخش خصوصی است و غالب آن‌ها برای جلب مشتری بیشتر، به تهیه برنامه‌های تخریبی و غیرانسانی مبادرت می‌ورزند، تماشای ماهواره در جامعه اسلامی امری نابهنجار و مخالف ارزش‌های دینی تلقی می‌گردد.

بدیهی است که شبکه‌های ماهواره‌ای، مطالب جالب و موضوعات مفیدی نیز مطرح می‌کنند؛ مثل نحوه‌ی پیش‌گیری یا مهار حوادث و بلاهای طبیعی و...، اما واقعیت این است که در برنامه‌های دسته نخست نیز اخبار و گزارش و حتی فیلم‌های آموزنده با القای اندیشه‌های خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شگردهای گوناگون خبرپراکنی و سانسور و بزرگ‌نمایی در موارد دلخواه، تجزیه و تحلیل‌های نادرست و تحمیل فرهنگ پوچ غربی همراه است. یکی از روزنامه‌های کشورهای عربستان به نام «المسلمون» در سلسله گزارش‌های خود با عنوان «مهاجمان از پشت بام‌ها می‌آیند» پیامدهای بسیار منفی این گونه برنامه‌ها را از زبان متخصصان مطرح کرده، همچنین بر القای

۱. محمد سقازاده و حمزه کریم‌خانی، هجوم خاموش (آسیب‌شناسی نسل جوان)، ص ۴۲ و ۴۳.

فرهنگ غرب از طریق ماهواره به سراسر نقاط جهان تأکید فراوانی دارد. یکی از مسلمانان هندی در نامه‌ای به روزنامه‌ی اردو زبان (revolution) نوشته: امروزه ماهواره‌ها مشکل کسانی را که به خاطر حفظ آبرو، زنان و دختران خود را به سینما نمی‌برند، دو چندان کرده؛ چون فسادى که در سینماها محبوس بود، اینک داخل خانه‌ها آمده است و ماهواره‌ها، زنان برهنه و نیمه‌عریان را که در آغوش مردان جای گرفته‌اند، به نمایش می‌گذارند و ما با محارم خود در خانه‌هایمان به تماشای آن‌ها می‌نشینیم. مردم دنیا، تحت پوشش هنر، این گونه هنرپیشه‌ها را ارج می‌نهند؛ اما آن‌ها در واقع عزت و آبرو ندارند. این برنامه‌های تلویزیونی، مسلمانان را از مذهب و دین دور می‌کند و لذا، قبل از هر کاری باید این شیطان را از خانه دور انداخت و کمی هم به فکر آخرت افتاد.^۱

شبکه‌های ماهواره‌ای از ابزارهای گوناگونی در زمینه برنامه‌سازی برخوردارند و می‌توانند مفاهیم را در قالب‌های متنوع و جذاب عرضه نمایند، از این‌رو به راحتی سبب جذب مخاطبان بسیاری شده و زندگی خانوادگی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. به همین جهت شبکه‌های ماهواره از عوامل اثرگذار بر شیوه و کیفیت زندگی خانوادگی در جوامع امروز تلقی می‌گردند. سلطه رسانه‌های امروزی به حدی است که خصوصی‌ترین تجربه‌های انسانی، از جمله هیجان‌ها و احساسات را برمی‌انگیزند و در جهت دلخواه خود هدایت می‌کنند. بنابراین واکنش‌های رفتاری افراد را براساس اهداف و سیاست‌های خود شکل می‌دهند.^۲

درواقع، هدف راه‌اندازی چنین شبکه‌هایی، تأثیرگذاری بر افکار، باورها و

۱. مجله مجلس و پژوهش: شماره ۱۱، ص ۲۷، به نقل از محمد سقازاده، و حمزه کریم‌خانی، هجوم خاموش (آسیب‌شناسی نسل جوان)، ص ۴۴-۴۲.

۲. ر.ک: معصومه محمدی سیف، شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده، ص ۵۹.

رفتارهای دینداران، ترویج فرهنگ و منش غربی، سکولاریسم و زمینه‌سازی برای پذیرش برتری و حاکمیت آنان بر جهان است؛ اگرچه کشورهای غربی این اهداف را در همه کشورهای تعقیب می‌کنند، اما بر کشورهای مستقل دارای پیشینه تمدنی شرقی و به ویژه بر کشورهای مسلمان تمرکز ویژه‌ای دارند.

زیان‌ها و پیامدهای منفی ماهواره

۱. بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان

نظریه «دهکده جهانی مارشال مک لوهان» و امثال آن، با صراحت سعی بر آن دارد که زمینه را برای پذیرش فرهنگ غربی مساعد کرده و از حساسیت‌هایی که ممکن است در مقابل آن ابراز شود، بکاهد. بنابراین، مخاطبان در اثر این حملی فرهنگی و دینی، بی‌خود شده و باورهایشان را نسبت به کارایی فرهنگ خویش از دست می‌دهند و سپس، به تدریج، آماده تمایل و جذب فرهنگ بیگانه، می‌شوند. همه‌ی این‌ها، حاصل برنامه‌های حساب‌شده‌ی ماهواره است.^۱

مخاطبان برنامه‌های ماهواره‌ای بی‌آنکه خود بخواهند، بر اثر تماشای برنامه مورد علاقه خود درگیر و دچار تغییرات ذهنی شده، تماشای ماهواره باعث می‌شود که مخاطبان تحت تأثیر برنامه‌های ناپه‌نچار از خود بی‌خود شوند.

آلوین تافلر نویسنده و منتقد اجتماعی در این زمینه می‌گوید:

تکنولوژی ماهواره‌ای و دیگر رسانه‌های جدید، فرهنگ‌های ملی را از هم می‌پاشند و این ارتباط متقاطع، به هر حال تهدیدی است برای هویت ملی که حکومت‌ها برای مقاصد شخصی خود، سعی در حفظ و انتشار آن دارند.^۲

۱. محمد سقزاده، و حمزه کریم خانی، هجوم خاموش (آسیب‌شناسی نسل جوان)، ص ۳۷

و ۳۶.

۲. تافلر، آلوین، جابه‌جایی در قدرت، ج ۲، ص ۶۵۳.

«طبق نتایج به دست آمده از بیشتر تحقیقات، ویژگی اصلی فیلم‌های ماهواره‌ای در برداشتن صحنه‌های خشونت‌آمیز است. در این صحنه‌ها، عمل مادی یا اقدامی از موجود زنده هم سر می‌زند که منظور از آن آزار روحی - روانی به خود و انتقال آن به مخاطبان است. فیلم‌های ترسناک هیجانی و ماجراجویانه، از این دسته قلمداد می‌شوند. در بیشتر این فیلم‌ها، بی‌خویشتن شدگی مخاطبان در اثر مشاهده پدیدار می‌شود. مثلاً در یک اکشن، در پلان اول تیراندازی و در پلان‌های بعد هل دادن و ایجاد مزاحمت، تهدید با وسایل فلزی تیز مانند چاقو و خنجر، مشت زدن، پرت کردن از مکان بلند، تهدید لفظی، انفجار و استفاده از ابزارهای مانند دام و تله انداختن دیگران مشاهده می‌شود. بنابراین طبیعی است که بی‌خویشتن شدگی مخاطبان را شاهد باشیم.»^۱

۲. اشاعه فساد و برهنگی

امروزه در عصر ارتباطات، جنگ‌ها از جنگ رسانه‌ای آغاز می‌شوند و با جنگ رسانه‌ای ادامه می‌یابند. پیروزی و شکست کشورها در قالب سیاست‌های رسانه‌ای رقم می‌خورد و این رسانه‌ها هستند که پیروزی می‌آفرینند، مغلوب می‌سازند و افکار عمومی را به هر سو که می‌خواهند هدایت می‌کنند.^۲ سلطه غرب بر رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای، موجب گسترش فساد و افزایش اقدامات غیرقانونی و خلاف اخلاق در ورای مرزها شده، گسترش انتشار صحنه‌های ضد ارزشی با پخش فیلم‌های مستهجن و غیراخلاقی و آگهی‌های ناشایست با ابزارهایی جذاب چون سینما و ماهواره نوعی تهاجم فرهنگ

۱. حمیدرضا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۴.

۲. محمد محمدخانی ملکوه، بررسی محتوای برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی

هالیوودی به شمار می‌آید که در اثر جهانی‌سازی تقویت خواهد شد.^۱ شبکه‌های ماهواره‌ای در قالب میان برنامه‌ها و آگهی‌ها، مظاهر ضد اخلاقی را تبلیغ می‌کنند و این رسانه، همچون دیگر ابزار پیشرفت می‌تواند به آرمان‌های تعالی‌بخش انسان‌ها و جوامع، خدمت یا خیانت کند. در حال حاضر، بیشترین خیانت ماهواره در ایجاد و رواج فساد و فحشا در میان جوانان است.^۲ مقام معظم رهبری - مدظله‌العالی - در سخنانی می‌فرماید:

«یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پای‌بندهای متعصبانه به ایمان - همان چیزی که یک فرهنگ را نگه می‌دارد - منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در اندلس (اسپانیای فعلی) کردند. جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت‌رانی و می‌گساری. این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد».^۳

همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند».^۴

به نمایش گذاشتن تصاویر مستهجن، ذهن مخاطبان را دچار اختلال کرده و اعمال آنان را بدون آن که خود بخواهند تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج تحقیقات نشان داده، تصاویر مستهجن اثرات منفی هرزگرایانه‌ای بر مخاطبان به جای می‌گذارد و قدرت اندیشه را از آنان گرفته، احساسات و هیجانات کاذبی را

۱. پاستر، مارک، عصر دوم رسانه‌ها، ص ۱۲۶.

۲. محمد سقازاده، و حمزه کریم خانی، هجوم خاموش (آسیب‌شناسی نسل جوان)، ص ۴۲.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۵/۲۲

۴. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۱/۴/۲۳.

جانشین می‌سازد که در نوع خود آسیب فراوانی به همراه دارد.^۱ بدین منظور با استفاده از ابزار و شیوه‌های گوناگون، به‌ویژه به ظاهر جذاب ماهواره‌ای، فرهنگ بومی را تضعیف و فرهنگ خویش را ترویج می‌کنند. بدین ترتیب، مردم کشورهای مورد تهاجم از فرهنگ خویش فاصله گرفته، با آن بیگانه شده و به فرهنگ بیگانه و استعماری روی می‌آورند.^۲

می‌توان ادعا کرد که چنین برنامه‌هایی در مواقع بسیار، زمینه‌ساز مفاسد اخلاقی و اجتماعی بوده، بسیار مضر و خطرناک هستند.

یک آسیب‌شناس اجتماعی درباره آثار ماهواره بر جوانان می‌گوید:

«با وجود این‌که برنامه‌های ماهواره‌ای محتوای علمی و آموزنده نیز دارند، امروزه بیشتر تمایل به دیدن برنامه‌هایی دارند که آن‌ها را در برنامه‌های داخل کشور نمی‌یابند که زمینه‌ی انحراف و سقوط اخلاقی در این برنامه‌ها زیاد است. تصاویر مبتذل و مستهجن ماهواره در قالب‌های مختلف و با راهکارهای متفاوت به مخاطبان القا می‌شود.»^۳ نمایش می‌تواند در قالب برنامه ورزشی، نمایشی، فرهنگی، فیلم‌ها و ... باشد. به طور مثال در برنامه‌های ورزشی، بیش از ورزش، تکیه بر جنبه‌های نمایشی است، در میان برنامه‌های ورزشی به ترویج الگوهای لباس، وسایل ورزشی و رقص و آواز می‌پردازند. زنان ورزشکار به طور برهنه در صحنه آشکار می‌شوند یا در فیلم‌ها، برهنگی زنان و شهوت‌گرایی مردان محور قرار داده شده، روابط زن و شوهر به لذت جنسی خلاصه می‌شود، نیز به ترویج

۱. حمیدرضا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۶.

۲. محمد سقازاده، و حمزه کریم خانی، هجوم خاموش (آسیب‌شناسی نسل جوان)، ص ۳۷ و ۳۸.

۳. الهام صابری، دجال مدرن: نقش رسانه‌های جمعی در به انحراف‌کشاندن جوانان، ص ۸؛ محمد سقازاده، و حمزه کریم خانی، هجوم خاموش (آسیب‌شناسی نسل جوان)، ص ۴۰.

فحشا و منکرات و زشت ترین نوع آن در قالب داستان های جذاب و با کمک توجیه هایی روان شناسانه پرداخته می شود.^۱

۳. ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی

رسانه های دنیای امروز نقش بسزایی در پیشبرد برنامه های مختلف دولت ها دارند و استفاده بهینه و به هنگام از توان آن ها می تواند میزان کارایی دولتمردان را در اجرای سیاست هایشان افزایش دهد. در اغلب رسانه های غربی تلاش معناداری برای جهت دهی هدفمند به برنامه ها صورت می گیرد. در واقع رسانه ها می کوشند با استفاده از ابزار و تکنیک های پرهیز از بیان واقعیت، افکار عمومی را به گونه ای شکل دهند که تأثیر مورد نظر را بر ذهن مخاطب بر جای بگذارد.^۲

باید توجه داشت که وقتی سخن از ماهواره به میان می آید، ابتدا مسائل ضدفرهنگی آن جلب توجه می نماید. بیشتر شبکه های فارسی زبان ماهواره ای، در یک تقسیم بندی به شبکه های سیاسی و غیرسیاسی تقسیم می شوند. براساس تحقیقات به عمل آمده تمامی این شبکه ها، با وجود هدف ها و سلیقه های گوناگون، در هجوم به مبانی دینی به طور جدی اشتراک دارند و هر کدام با مأموریتی خاص به مقابله با اسلام برخاسته اند. هجوم اگرچه آرام و خاموش آغاز شده، اکنون شکل وسیع و جدی تر یافته، بسیار حساب شده، اصول و پایه های اعتقادی مردم را هدف قرار داده و با دقت ماهرانه ای تمام گروه های مختلف جامعه را دربرگرفته است.^۳

از جمله تلاش های شبکه های ماهواره ای ایجاد الگوهای غربی جایگزین

۱. صابری، دجال مدرن: نقش رسانه های جمعی در به انحراف کشاندن جوانان، ص ۱۱۵.

۲. محمد محمدخانی ملکوه، بررسی محتوای برنامه های شبکه تلویزیونی ماهواره ای بی بی سی فارسی، ص ۱۲۴.

۳. محمد سقازاده، و حمزه کریم خانی، هجوم خاموش (آسیب شناسی نسل جوان)، ص ۳۶.

به جای الگوهای ایرانی و اسلامی و ارائه الگوهای شرقی نزدیک به غرب جهت هموارسازی فرهنگ‌پذیری در جامعه ایران می‌باشند. این شبکه‌ها با نشان دادن فیلم‌ها و سریال‌هایی از کشورهایی که از جهاتی شباهت‌های فراوانی با فرهنگ کشور ایران دارند اما در مسیر حرکت به غربی شدن هستند، نیز با نمونه جلوه دادن این فرهنگ‌ها در افراد جهت پذیرفتن الگوی فرهنگی جدید، مخاطب را به این سمت متمایل می‌سازند.

نشان دادن جلوه خرافی از دین یکی از نمودهای این شیوه، جهت تغییر الگوی فرهنگی جامعه می‌باشد. در این الگو افراد ضمن حفظ وابستگی‌های دینی و اعتقادی، از دین و فرهنگ اصیل فاصله گرفته و از آن بیگانه می‌شوند. علاوه بر این، یکی دیگر از آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و عموماً رسانه‌های غربی، ارائه الگوهایی است که در واقع پوشالی و خالی هستند. «طبق آمار، ۷۳ درصد از جوانان مراکز استان‌ها به راحتی به ماهواره دسترسی دارند. جوانان تهرانی در استفاده از ماهواره رتبه نخست را دارند و پس از آن جوانان شهرها و روستاهای چهارمحال بختیاری و آذربایجان، رتبه‌های بعدی را کسب کرده‌اند. خوزستان، سیستان و بلوچستان، یزد، خراسان و اردبیل در رتبه‌های بعدی کاربران ماهواره قرار می‌گیرند».^۱ از این رو «برخی کارشناسان معتقدند امروزه جوانان، وسایل ارتباط جمعی ساده؛ همانند تلویزیون و ویدئو را جوابگوی نیازهای خود نمی‌دانند؛ به همین علت همیشه به دنبال راهی هستند که با وسایل مختلف، با دنیای بیرون از خود در ارتباط باشند. برنامه‌های ماهواره‌ای زمینه‌ساز مفاسد اخلاقی و اجتماعی است و بیشتر از آن که برای نسل امروز و به طور کلی مردم، مفید باشد، خطرناک و مضر است».^۲

۱. همان، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۴۰.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: چه خواهید کرد موقعی که زنان شما دچار فساد اخلاق شوند و جوانان شما به گناه آلوده گردند و از امر به معروف و نهی از منکر خودداری کنند؟! عرض شد: یا رسول الله، آیا چنین وضعی برای مسلمانان پیش می‌آید؟! فرمود: بلی و بدتر از آن. چه زیبا فرمودند که «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟» شما را چه می‌شود آن گاه که ناپسند را پسندیده می‌شمارید و بد را خوب می‌بینید؟! چه خواهید کرد وقتی در نظر شما نیکی‌ها گناه و منکر شناخته شود و منکرات و گناهان را نیک و پسندیده بدانید؟

ماهواره با بزرگ جلوه دادن زندگی خصوصی بازیگران یا فوتبالیست‌ها و متمایل کردن افراد به زندگی خصوصی و احیاناً پر از فساد این افراد با پخش مداوم اطلاعات و اخبار از آن‌ها، زمینه‌الگوگیری افراد جوان و کم اطلاع از زندگی این افراد را فراهم می‌آورد. ترویج چنین الگوهایی باعث می‌شود به نمونه‌هایی از جوانان و نوجوانانی در جامعه خویش برخوردیم که با گرایش به چنین الگوهای غلطی خود را عاشق، واله یا دیوانه یک هنرمند، خواننده یا فوتبالیستی خاص می‌دانند و همواره سعی می‌کنند در زندگی اجتماعی خود این افراد را سرمشق قرار دهند.

۴. گسترش ناهنجاری‌ها

بدون شک ارائه‌ی تصویرهای مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی از طریق ماهواره و نمایش آن‌ها، یکی از عوامل گسترش بی‌بندوباری و به فساد کشاندن جوانان است. دشمن که همواره اشاعه دینی و اعتقاد به خداوند و معنویات را مانع

۱. « قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟ فَقِيلَ لَهُ: وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؟ فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا»، حرّانی، تحف العقول، ص ۹۹.

اصلی هدف‌های خود می‌بیند، برای کم‌رنگ کردن این اعتقادات، با ایجاد خلل در اعتقادات قشر جوان، در به انحراف کشاندن و بی‌هویت کردن آنان می‌کوشد.^۱ با به نمایش گذاشتن برنامه‌های خشونت‌بار و پرجرم، همچون ترویج استفاده از مشروبات الکلی و موسیقی‌های منحط و رفتار آنان پس از مصرف، سبک و الگوی زندگی حرفه‌ای در دنیای مدرن را اشاعه و تبلیغ می‌کند.

«واقعیت این است که (برهنگی)»، «ابتذال»، «روابط جنسی نامشروع»، و بسیاری از مسائل دیگر که به عنوان بخشی از فرهنگ غرب از طریق ماهواره ترویج می‌شود، هیچ‌گاه در تمدن اصیل اسلامی ایران جایگاهی نداشته است. یقیناً ترویج آنچه در غرب ارزش نامیده می‌شود، به نابودی تدریجی ارزش‌های معنوی می‌انجامد؛ ارزش‌هایی نظیر ایثار، وفاداری، عشق، فداکاری، شهامت و ... که با گوشت و پوست فرد ایرانی عجین است. سادگی و خامی است اگر تصور شود در کنار سوغات فرهنگ غرب، که بی‌بند و باری است، قادر به پیشگیری از مسخ ارزش‌های والای جامعه خواهیم بود».^۲

۵. تزلزل جایگاه زنان

در برنامه‌های ماهواره، عمدتاً زنان بدون در نظر گرفتن مقام و جایگاه واقعی، با توانایی‌های ذهنی و فکری‌شان نشان داده نمی‌شوند و از آنان و زیبایی‌های ظاهرشان صرفاً در اموری همچون رقص و سایر برنامه‌هایی که جهت جلب مخاطب تهیه می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرند که صدمات جبران‌ناپذیری بر این قشر وارد آورده و به دلیل سیستمی بودن کانون خانواده، نسل آینده را با بحران روبه‌رو خواهد کرد.^۳

۱. محمد سقازاده، و حمزه کریم خانی، هجوم خاموش (آسیب‌شناسی نسل جوان)، ص ۴۱.

۲. محمدرضا دهشیری، جهانی شدن و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، ص ۲۳.

۳. حمیدرضا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۵-۱۶۴.

۶. ایجاد روحیه تنوع‌طلبی جنسی

موضوع اصلی اکثر برنامه‌های ماهواره، روابط خانوادگی و زناشویی است. در این سریال‌ها مخاطب به وفور با مردان و زنانی روبرو می‌شود که با چند جنس مخالف به طور همزمان رابطه دارند. نقطه عطف سریال‌ها جایی است که زن یا مرد به خیانت همسر خود پی می‌برد، و برای انتقام گرفتن، رابطه جدیدی را با فرد دیگری برقرار می‌کند. با تماشای چنین برنامه‌هایی مخاطب به بازنمایی مفاهیم بنیادینی دست می‌یابد که در آن با تفاوت‌ها سروکار دارد، موضوعی که با احساسات، نگرش‌ها، عواطف و اضطراب در بیننده همراه است، و چیزی در سطوح عمیق‌تر که "عرف عام" نامیده می‌شود.^۱ به نحوی که وقتی یک مرد و زن دائم با انواع و اقسام مردها و زن‌ها و روابط میان آن‌ها آشنا شده و این سبک از زندگی را مدام نگاه می‌کنند، بدون این که بخواهند و انتخاب کنند، دچار روحیه تنوع‌طلبی در امور جنسی شده و به خود اجازه می‌دهند که انواع و اقسام روابط را در زندگی تجربه کنند. اگرچه امروزه بسیاری از طلاق‌ها ریشه در نارضایتی جنسی یکی از دو طرف یا هر دو طرف دارد، اما دلیل نارضایتی تنها در عدم آشنایی دو طرف با روابط زناشویی نیست؛ اگر چه این هم می‌تواند یکی از دلایل باشد؛ اما یکی از دلایل اصلی این آسیب اجتماعی در جامعه ایران امروز آن است که هر دو طرف یا یکی از آن‌ها آنقدر صحنه‌های متعدد و متنوع را تماشا می‌کنند که دیگر حس خویشتن‌داری در مسائل جنسی را از دست می‌دهند و آرامش خود را تنها در تنوع و تعدد می‌بینند. در یک کلام، دستمایه‌ی اصلی اغلب شبکه‌های ماهواره‌ای، خشونت و سکس است و به مخاطب القا می‌شود که همسر قانونی از لحاظ روانی یک مزاحم به شمار می‌رود. این امر

۱. معصومه محمدی سیف، شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده، فصلنامه

تا آن جا پیش می‌رود که موجب خیانت زوجین به همدیگر و در نهایت فروپاشی خانواده می‌گردد.

۷. تزلزل بنیان خانواده

الگوهای مختلف پرورش افراد همراه با ارزش‌ها و انتظارات متعارض باعث الگوپذیری متفاوت و گاه متضاد می‌گردد. افراد در مسیر زندگی اجتماعی خود ارزش‌هایی را به واسطه‌ی کارگزاران جامعه‌پذیری در خود نهادینه کرده‌اند که ممکن است به محض ورود یک کارگزار دیگر که دارای الگوها و ارزش‌های جدید است، الگوها به راحتی از بین رفته، گرایش به الگوها و ارزش‌های جدید پیدا شده، حالت نابهنجار در جامعه شکل بگیرد. چراکه در این اوضاع الگوهای قدیمی دیگر کاربرد نداشته و الگوهای جدید جایگزین می‌شود. به حدی که تغییرات در یکی، دیر یا زود، تغییرات در دیگری یا دیگران را به دنبال خواهد داشت. خواه جهت حرکت آن‌ها همگن، یعنی به یک سو باشد، یا در جهت عکس یکدیگر حرکت کنند. به این ترتیب که ارزش‌های خانوادگی با این که در برابر دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی مقاومت می‌ورزند، از طریق ماهواره ناگزیر سست شده و به تدریج به نفع هنجارهای تازه ارائه شده کنار می‌روند. ارزش‌های جدید مانند ارضای لذت‌جویانه خواهش‌های جنسی وارد خانواده شده و در تعارض با ارزش‌های کهن، بی‌سازمانی خانواده را به دنبال دارد.^۱ اعضای خانواده، خویش را به رسانه‌ای می‌سپارند تا از آن فرهنگ بیاموزند، اما غافل از این‌که در درازمدت، نه تنها فرهنگ تازه‌ای [موافق با فرهنگ جامعه خویش] از آن نیاموختند، چه بسا که ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی را در خویش نهادینه می‌کنند که مغایر با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی

جامعه خویش بوده، نه تنها فرهنگی به آن‌ها نیاموخته، بلکه دیری نمی‌پاید که تأثیر ویرانگر آن بر ذهن و روان خویش را حس خواهند کرد.

راهکارها و پیشنهادات

به منظور پیشگیری از گسترش ماهواره‌ها و جلوگیری از پیامدهای ویرانگر آن؛ راهکارهای اجتماعی زیر قابل ارائه می‌باشد که برخی از آن‌ها باید از سوی مسئولان به اجرا درآید و برخی دیگر از سوی خانواده‌ها رعایت گردد:

الف) برنامه‌سازی می‌بایست بر اساس نیاز مخاطب جامعه باشد. در رسانه‌های معتبر دنیا قضاوت پیام بر عهده مخاطب است، در حالی که در رسانه ملی پیام به شدت سانسور شده است. با رفع این مسأله در حد معقول مخاطبان افزایش پیدا خواهند کرد.

ب) بایستی مجوز فعالیت شبکه‌های خصوصی برای ایجاد رقابت و افزایش مخاطب صادر شود. رقابت در عرصه رسانه باعث کشش و گرایش مخاطب به رسانه می‌شود. چنانچه صدا و سیما فرهنگ رسانه‌های برون مرزی همچون ماهواره را مغایر با اصول جامعه می‌داند، باید به تولید فرهنگ در برنامه‌های خود بپردازد. طبیعتاً زمانی که تولید وجود ندارد، تهاجم فرهنگی رسانه‌ها روز به روز افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین عواملی همچون محیط بسته، رقابتی نبودن، عمل نکردن بر اساس نیاز مخاطب، دروازه بانی یک طرفه پیام، آزاد نگذاشتن ذهن مخاطب در انتخاب و قطره چکانی اطلاعات به مخاطب، باعث روی آوردن مخاطبان به سوی رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و عدم استقبال از شبکه‌های داخلی می‌شود.

پ) ایجاد هماهنگی بین مسئولان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در خصوص برخورد با استفاده‌کنندگان از تجهیزات ماهواره. بدیهی است در مقابل هجوم فرهنگی باید مقابله فرهنگی صورت گیرد. برنامه‌سازان فرهنگی و هنری و

سازمان‌هایی مانند صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان‌های تبلیغات اسلامی، نظام آموزش و پرورش، نظام آموزش عالی و دیگر ارگان‌های دولتی باید در بخش غنی‌سازی و سالم‌سازی فرهنگ سرمایه‌گذاری کنند. در مقابل تهاجم فرهنگی باید فعالیت، برنامه‌سازی، تفریحات سالم و امکانات کافی ایجاد شود. چرا که منع و مقابله، تنها راه مقابله نیست.

ت) همسویی و هم‌اندیشی با سایر نهادها و مؤسسات و ارگان‌های ذیربط، در خصوص تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای قانون یکپارچه در ارتباط با ماهواره.

ث) تقویت گلوگاه‌ها و گمرک در جهت جلوگیری از ورود و عرضه تجهیزات ماهواره در سطح جامعه.

ج) همسویی و همفکری بین نظریات مراجع دینی و کارشناسان مسائل اجتماعی در خصوص استفاده و یا عدم استفاده از ماهواره از نظر شرعی و عرفی.

چ) اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عموم مردم و به ویژه والدین و جوانان از آسیب‌های ناشی از ماهواره و آشنا کردن خانواده‌ها از خطراتی که برنامه‌های مبتذل ماهواره، انحراف اخلاقی و فکری خانواده‌ها را تهدید کنند. ساختن برنامه‌هایی در قالب فیلم و سریال و پخش مصاحبه خانواده‌های متزلزل که بیانگر الگوپذیری آنان از ماهواره بوده است.

ح) پرکردن اوقات فراغت خانواده‌ها و به ویژه جوانان با پخش سریال‌ها و نمایش‌های خانوادگی و فیلم‌های سینمایی جدید از طریق رسانه‌های ملی و کاهش حجم خلأ برنامه‌های رسانه‌های داخلی جهت افزایش بار اجتماعی و فرهنگی نسل نو و نیز تغییر ذائقه آنان از فیلم‌های سطحی و بی‌محتوا به مفاهیم

و برنامه‌های جدی‌تر و ارزشی.

خ) آموزش همسرداری و تربیت اسلامی کودک با استفاده از متخصصان مجرب در برنامه‌های سیما در ساعات پر مخاطب و ساخت سریال‌هایی با همین مضمون به لحاظ کاهش اختلافات در خانواده‌ها و برخورداری کودکان از تربیت اولیه صحیح و بی‌ثمر کردن تبلیغات فمینیستی در کشور و کاهش مردسالاری در خانواده‌ها.

ارائه راهکارها و پیشنهادهای به خانواده

الف) آگاه‌سازی فرزندان از طریق والدین نسبت به اهداف و مقاصد دشمنان انقلاب اسلامی از توسعه روزافزون شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان.

ب) برقراری رابطه‌ی عاطفی مناسب اعضای خانواده با یکدیگر، تقویت نگرش معنوی درون خود و هماهنگ‌سازی گفتار و رفتار می‌تواند در دستیابی فرزندان به سلامت رفتار و سعادت آنان اثرگذار باشد.

پ) توجه به برنامه‌های هنری و مورد علاقه فرزندان در خانواده می‌تواند تا حد بسیاری آنان را از تماشای برنامه‌های نامناسب ماهواره دور کند؛ بهتر است در این خصوص والدین فکری اساسی داشته و برنامه‌ریزی درستی برای تفریحات جوانان خویش در خانواده براساس سلیقه‌های شخصی طرح‌ریزی کنند؛ چراکه اگر در این مورد علایق جوانان مدنظر قرار گیرد، تمایل کمتری نسبت به استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای خواهند داشت.

بدون تردید همه حساسیت‌هایی که دشمنان اسلام و انقلاب در حجه‌های فرهنگی خویش علیه کشور ایران دارند، هدفی جز انحراف اعتقادی و اخلاقی خانواده‌ها که سرمایه‌های عظیم کشور به شمار می‌روند، ندارند، از این رو مبارزه با تهاجم فرهنگی در کشوری که بیش از بیست میلیون جوان دارد، یکی از وظایف و تکالیف مهم در عصر حاضر به شمار می‌رود.

احکام ویژه بانوان

حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحمن انصاری

اشاره

آشنایی با احکام، به خصوص مواردی که بیشتر مورد نیاز است، از ضروریات هر مسلمان معتقد است. درباره احکام، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نگارش یافته که هر کدام می‌توانند بعد یا ابعادی از مسائل مورد ابتلا را به انسان بیاموزند. در این نوشتار، بر آنیم که برخی مسائل ضروری برای بانوان، خاصه خواهران مبلغ را گردآوری نماییم؛ ولی با توجه به گستردگی احکام، به‌ویژه در عصر ما، انجام چنین کاری نیاز به تتبع و کاوش فراوان داشت. از این‌رو، کتاب‌ها و رساله‌ها متعددی که در این باره وجود داشت، مطالعه و جست‌وجو شد.

البته با تمام تلاشی که انجام گرفت، موفق نشدیم فتاوی همه مراجع عالی‌قدر، در پرسش‌های مطرح شده را به دست آوریم؛ اما در موارد بسیاری فتاوی همه یا بیشتر مراجع آمده است. کسانی که با احکام آشنایی دارند، به‌خوبی می‌دانند که به دست آوردن دیدگاه مراجع تقلید، آن هم در موارد متنوع و گوناگونی، کار بسیار سختی است. گاهی لازم است صدها صفحه کتاب را بررسی کرد تا شاید بتوان به فتاوی مورد نظر رسید.

در نقل دیدگاه‌ها، سعی شده که متن فتوا ذکر شود؛ البته در موارد اندکی، متن تلخیص گردیده یا بخش مورد نیاز آمده است. پیش‌تر از اینکه نام مراجع عالی‌قدر بدون القاب آمده است، پوزش می‌طلبیم.

جنابت

سؤال ۱: اگر زن در حال جنابت حیض شود، غسل جنابت در حال حیض کفایت می‌کند؟

خامنه‌ای: صحت غسل در فرض مذکور، محل اشکال است.^۱

سؤال ۲: در صورت عدم دخول، در چه صورتی زن جنب می‌شود؟

امام و فاضل: اگر از وی رطوبتی خارج شود و نداند که منی است، در صورتی که همراه با شهوت باشد، حکم منی را دارد و زن جنب می‌شود و همچنین اگر رطوبتی از وی خارج شود و بداند که منی است، باز هم حکم به جنابت می‌شود.

مکارم: اگر رطوبتی از وی خارج شود و زن در آن حال، به اوج شهوت جنسی رسیده باشد، حکم منی دارد و زن جنب می‌شود؛ همچنین [است]، اگر رطوبتی خارج شود و بداند که منی است.

خوئی، گلپایگانی، سیستانی و صافی: اگر رطوبتی از وی خارج شود و نداند که منی است، در صورتی که با جستن و شهوت بیرون آید و بدن بعد از بیرون آمدن آن سست شود، حکم منی را دارد [وزن جنب می‌شود].^۲

خامنه‌ای: اگر زن به اوج لذت جنسی برسد و در آن حال، مایعی از او خارج شود، جنابت محقق شده است و غسل، واجب است. اگر شک کند [که]

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتانات، س ۱۷۵.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۳۴۶.

به این مرحله رسیده یا شک در خروج مایع دارد، غسل، واجب نیست.^۱
 تبریزی: اگر آبی از زن خارج شود و شک دارد که منی است یا نه، در صورتی که همراه با شهوت جنسی و سستی بدن باشد، حکم منی دارد و غسل جنابت واجب می‌شود.^۲

زنجانی: اگر رطوبتی از زن خارج شود و نداند که منی است، در صورتی که جداشدن رطوبت از محلش با شهوت همراه باشد، حکم منی دارد [وزن جنب می‌شود].^۳

نوری: اگر رطوبتی از زن خارج شود و نداند که منی است یا نه، در صورتی که با شهوت باشد و بدن سست شود، منی است.^۴
 وحید: اگر زن با شهوت انزال کند (رطوبتی از وی خارج شود)، غسل جنابت واجب می‌شود.^۵

سؤال ۳: ملاک جنب شدن زن در خواب، چیست؟

همه مراجع: ملاک، آن است که رطوبتی از وی خارج شود و بداند که منی است و اگر شک دارد و رطوبتی خارج شد، اگر نشانه‌هایی که ذکر شد، موجود باشد، حکم به جنابت دارد.^۶

امام: تا یقین به خروج منی نباشد، حکم به جنابت نمی‌شود.^۷

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، س ۱۷۱.

۲. میرزا جواد تبریزی، استفتائات جدید، س ۲۴۸.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۳۴۶.

۴. حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۳۴۷.

۵. حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۳۵۲.

۶. توضیح المسائل مراجع، م ۳۴۵ و ۳۴۶.

۷. امام خمینی، استفتائات، س ۵۰.

سؤال ۴: آیا غسل جنابتی که کفایت از وضو می‌کند، فقط در دخول است یا شامل انزال منی هم می‌شود؟

همه مراجع: شامل انزال منی هم می‌شود.^۱

سؤال ۵: حکم رطوبتی که بعد از غسل جنابت از زن خارج می‌شود، چیست؟

اگر یقین دارد که منی است، باید غسل کند و اگر شک دارد که منی است، چنانچه نشانه‌هایی [را] که برای جنابت ذکر شد، دارد، باز باید غسل کند. اگر آن نشانه‌ها [را] ندارد یا شک دارد که نشانه‌ها وجود داشته یا نه، غسل واجب نیست. اگر بداند که رطوبت منی مرد بوده، غسل واجب نمی‌شود؛ ولی رطوبت، نجس است. به صورت کلی، هر رطوبتی از زن خارج شود، محکوم به طهارت است و غسل واجب نمی‌شود؛ مگر اینکه یقین داشته باشد که منی است. در صورت شک، اگر نشانه‌های ذکر شده [را] دارد، حکم به جنابت می‌شود که هم غسل دارد و هم نجس است.^۲

سؤال ۶: اگر پس از غسل، عباداتی انجام داد و بعد متوجه شد که غسلش باطل بوده، وظیفه‌اش چیست؟

امام: باید نمازها را قضا کند؛ ولی قضای روزه، واجب نیست.^۳
مکارم: باید نمازها را قضا کند و اگر طواف خانه خدا کرده، طواف را اعاده نماید و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند. اگر خودش نمی‌تواند برای اعاده آنها به مکه برود، نایب بگیرد تا برایش انجام دهند. روزه‌هایی که گرفته، صحیح است.^۴

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۳۹۱ و ۳۴۵.

۲. همان، م ۳۴۶.

۳. امام خمینی، استفتانات، س ۱۰۱.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، س ۸۵.

خامنه‌ای: قضای نمازها واجب است؛ ولی روزه‌ها با فرض اینکه معتقد به صحت غسل بوده و بقای بر جنابت عمدی نبوده، محکوم به صحت است.^۱

فاضل: اگر کسی در ماه رمضان با آب نجس غسل کند و چند روز بعد بفهمد که آب نجس بوده، روزه‌هایش صحیح است؛ ولی باید نمازها را قضا نماید.^۲

تبریزی: [اگر] کسی بعد از مدتی متوجه [شود] که غسل جنابت او باطل بوده و مدتی نماز خوانده [و] روزه گرفته، روزه‌هایش صحیح است؛ ولی نمازها را باید قضا کند.^۳

حیض

سؤال: اگر حائض در بین ده روز، چند روز پاک شود و دوباره خون ببیند و مجموع آن، ده روز باشد، حکم چند روزی که پاک بوده، چیست؟

امام، خامنه‌ای، سبحانی، فاضل و نوری: تمام ده روز، از جمله روزهای پاک وسط، حیض است.

گلیپایگانی، سیستانی و صافی: باید در ایام پاک، عبادات خود را انجام دهد و اجتناب کند از چیزهایی که بر حائض حرام است.

مکارم: روزهایی که خون دیده، حیض است و روزهای پاک وسط، حکم زنان پاک را دارد.^۴

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، س ۱۹۷.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، س ۵۶۰.

۳. محمد فاضل لنکرانی، احکام جامع مسائل پزشکی، ص ۸۵، س ۲۳.

۴. توضیح المسائل مراجع، م ۴۴۴؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۴۴۶؛ جعفر

سبحانی، توضیح المسائل، م ۴۳۵.

زنجانی: در ایام پاکی، حکم زنان پاک را دارد و باید غسل کند و عبادات را انجام دهد.

خوئی، تبریزی و وحید: در صورتی ده روز، حیض است که خونی که در اول و آخر می بیند، صفات حیض داشته باشد یا در ایام عادت باشد.^۱

استحاضه

سؤال ۱: استحاضه، چند قسم است؟ حکم هر کدام را ذکر کنید.

امام، خوئی، گلپایگانی، سیستانی، تبریزی، صافی، فاضل، سبحانی، وحیدی و نوری: استحاضه، سه قسم است: قلیله، متوسطه و کثیره. قلیله، آن است که خون در پنبه بهداشتی فرو نرفته باشد. متوسطه، آن است که خون در پنبه فرو رفته و از سوی دیگر ظاهر شود؛ ولی به دستمال بهداشتی که به طور معمول، زن‌ها برای جلوگیری از خون استفاده می‌کنند، سرایت نکند. کثیره، آن است که خون در پنبه فرو رفته و از طرف دیگر هم ظاهر شود و به دستمال بهداشتی که برای جلوگیری از خون استفاده می‌شود، برسد.

مکارم: استحاضه، دو قسم است: قلیله و کثیره. قلیله، آن است که خون پنبه را آلوده نماید و از طرف دیگر خارج نشود؛ خواه خون در پنبه فرو رود یا نه. کثیره، آن است که خون در پنبه فرو رود و از آن بگذرد و جاری شود.^۲

امام، فاضل و وحید: در استحاضه قلیله، زن باید برای هر نماز وضو بگیرد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده، آب بکشد و بنا بر احتیاط واجب، پنبه را عوض کند یا آب بکشد.

۱. حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۴۵۰؛ توضیح المسائل مراجع، م ۴۴۴؛ سیدعلی حسینی خامنه‌ای، مناسک نوین، ص ۳۱۴، س ۷۱۹.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۳۹۳؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۳۸۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۳۹۹؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۳۹۴.

خوئی و تبریزی: بنا بر احتیاط، پنبه را عوض کند.
سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب، پنبه را آب بکشد یا عوض کند.
سبحانی، گلپایگانی، صافی و نوری: پنبه را عوض کند.
مکارم: بنا بر احتیاط واجب، برای هر نماز، یک وضو بگیرد و واجب است [که] از سرایت خون به سایر اعضا جلوگیری کند؛ ولی عوض کردن پنبه و دستمال، واجب نیست؛ هر چند احتیاط است.^۱

امام: در استحاضه متوسطه، علاوه بر آنچه در استحاضه قلیله ذکر شد، واجب است [که] یک غسل انجام دهد. اگر پیش از نماز صبح یا بین آن متوسطه شد، برای آن غسل کند. اگر بعد از نماز صبح متوسطه باشد، برای نماز ظهر و عصر غسل کند. اگر بعد از ظهر و عصر، متوسطه شده، برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.^۲

سبحانی، خوئی، گلپایگانی، تبریزی و صافی: در استحاضه متوسطه، باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر، برای نمازهای خود، کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد. اگر برای نماز صبح عمداً یا از روی فراموشی غسل نکرد، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر هم غسل نکرد، باید پیش از نماز مغرب و عشا غسل کند؛ چه خون بیاید یا خون قطع شده باشد.

سیستانی: در استحاضه متوسطه، بنا بر احتیاط واجب، باید زن برای نمازهای روزانه خود، یک غسل نماید [و] نیز باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد. بنابراین، اگر استحاضه پیش از نماز صبح یا در همان حال حاصل شد، باید برای نماز صبح غسل کند....

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۳۹۴.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۷.

وحید: در استحاضه متوسطه، باید برای نماز صبح غسل کند. هرگاه این حالت پیش از نماز دیگر پیش آمد، برای آن غسل کند و برای نمازها، کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد.

نوری: در استحاضه متوسطه، باید برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر، کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و این در صورتی است که استحاضه متوسطه، پیش از نماز صبح یا بین آن پیدا شود؛ ولی اگر پیش از نماز ظهر یا بین آن رخ داد، باید برای نماز غسل کند [و] همین طور پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضه متوسطه شد، باید برای آن غسل کند...^۱

امام، فاضل و سبحانی: در استحاضه کثیره، علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه، باید برای هر نماز دستمال عوض کند یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد و بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا فاصله نیندازد و اگر فاصله بیندازد، برای نماز عصر و نماز عشا نیز باید غسل انجام دهد.

گلپایگانی و صافی: در استحاضه کثیره، احتیاط آن است که پیش از غسل، به قصد رجا وضو بگیرد. میان ظهر و عصر و مغرب و عشا، اگر جمع بین آنها می‌نماید، گرفتن وضو، خلاف احتیاط است.^۲

خوئی و تبریزی: باید بنا بر احتیاط، ... و اظهر این است که غسل در استحاضه کثیره، کفایت از وضو می‌کند.

سیستانی: در استحاضه کثیره، باید بنا بر احتیاط واجب، زن برای هر نماز

۱. حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۳۹۶.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۳۹۴ - ۳۹۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۴۰۰ -

۴۰۳؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۳۸۸ - ۳۹۰؛ حسین نوری همدانی، توضیح

المسائل، م ۳۹۵ - ۳۹۷.

پنبه و دستمال را عوض کند یا آب بکشد و لازم است یک غسل برای نماز صبح، و یکی برای نماز ظهر و عصر، و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد و بین نماز ظهر و عصر و بین نماز مغرب و عشا، فاصله نیندازد. اگر فاصله انداخت، باید برای نماز عصر و نماز عشا نیز غسل به جا آورد. اینها در صورتی است که خون پی در پی از پنبه به دستمال برسد؛ اما اگر رسیدن خون به دستمال با قدری فاصله باشد که زن بتواند در آن فاصله یک نماز یا بیشتر بخواند، احتیاط لازم آن است که هرگاه خون از پنبه به دستمال رسید، پنبه و دستمال را عوض کند و یا آب بکشد و غسل نماید. بنابراین، اگر بعد از غسل و خواندن نماز ظهر، پیش از نماز ظهر یا در میان آن، خون، دوباره از پنبه به دستمال رسید، باید برای نماز عصر نیز غسل کند؛ ولی اگر فاصله به مقداری است که زن بتواند در آن میان، نماز مغرب و عشا را نیز پیش از آنکه خون، دوباره به دستمال برسد، بخواند، ظاهر آن است که برای آن نمازها لازم نیست غسل دیگری انجام دهد [و] اظهر این است که در استحاضه کثیره، غسل، از وضو کفایت می‌کند.

نوری: در استحاضه کثیره، غسل کفایت از وضو می‌کند.^۱

مکارم: در استحاضه کثیره، واجب است سه غسل انجام دهد: یک غسل برای نماز صبح، دیگری برای نماز ظهر و عصر، و سوم برای مغرب و عشا. و باید بین نمازها (ظهر و عصر و مغرب و عشا) جمع کند و احتیاط مستحب آن است که برای هر نماز، قبل یا بعد از غسل، یک وضو بگیرد.^۲

وحید: در استحاضه کثیره، برای نماز ظهر و عصر یک غسل، و برای مغرب

۱. حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۳۹۷.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۳۹۴ - ۳۹۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۴۰۰ -

۴۰۳؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۳۸۸ - ۳۹۰.

و عشا غسل دیگر انجام دهد و به احتیاط واجب، دستمال را عوض کند یا آب بکشد و غسل، از وضو کفایت می‌کند.^۱

سؤال ۲: در استحاضه، اگر دو نماز با هم خوانده شود، آیا بین دو نماز، وضو واجب است؟

تمام مراجع، جز مکارم: در استحاضه قلیله و متوسطه، وضو برای هر نماز، واجب است.

امام، فاضل و سبحانی: در مستحاضه کثیره، برای هر نماز، وضو واجب است.

مکارم: در استحاضه قلیله، بنا بر احتیاط واجب، برای هر نماز، وضو بگیرد و در استحاضه کثیره، بنا بر احتیاط مستحب، وضو بگیرد.
خوئی، تبریزی، سیستانی، نوری و وحید: در استحاضه کثیره، غسل، از وضو کفایت می‌کند.

گلپایگانی و صافی: در استحاضه کثیره، احتیاط آن است که پیش از غسل، به قصد رجا وضو بگیرد. میان ظهر و عصر و مغرب و عشا، اگر جمع بین آنها می‌نماید، گرفتن وضو، خلاف احتیاط است.^۲

سؤال ۳: اگر مستحاضه با پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، آیا بین دو نماز، وضو واجب است؟

همه مراجع، جز مکارم: اگر خون به پنبه برسد یا در آن نفوذ کند، برای هر نماز، وضو واجب است.

۱. حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۴۰۲.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۳۹۴ - ۳۹۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۴۰۰ -

۴۰۳؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۳۸۸ - ۳۹۰؛ حسین نوری همدانی، توضیح

المسائل، م ۳۹۵ - ۳۹۷.

مکارم: بنا بر احتیاط واجب، در استحاضه قلیله، وضو واجب است.^۱

یائسه

سؤال ۱: بانوان در چند سالگی یائسه می‌شوند؟

امام و فاضل: زن‌های سیّده، بعد از تمام‌شدن شصت سال، یائسه می‌شوند و زن‌های غیرسیّده، بعد از تمام‌شدن پنجاه سال.^۲

سیستانی: خونی را که زن‌ها پس از تمام‌شدن شصت سال می‌بینند، حکم حیض را ندارد [و در آن زمان یائسه می‌شوند].

زنجانی: زن‌های قُرشیّه، بعد از تمام‌شدن شصت سال قمری، یائسه می‌شوند و زنان سیّده، یکی از اقسام زن‌های قُرشیّه هستند و زنان غیرقُرشیّه، بعد از تمام‌شدن شصت سال قمری.

مکارم: زنان سیّده و غیرسیّده، بعد از پنجاه سال، یائسه می‌شوند و زنان قُرشیّه، بعد از تمام‌شدن شصت سال. البته خونی که زن بعد از پنجاه سالگی می‌بیند، اگر تمام شرایط قاعدگی در آن جمع باشد، حیض محسوب می‌شود.^۳

نوری: زن‌های غیرسیّده، بعد از تمام‌شدن پنجاه سال، یائسه می‌شوند و زن‌های سیّده، پس از گذشتن پنجاه سالگی. اگر در ایام عادت خود خون بینند یا خونی بینند که نشانه‌های حیض داشته باشد، تا سن شصت سالگی، به احتیاط واجب، [باید] اعمال زن مستحاضه را انجام دهند و چیزهایی را که بر زن حائض حرام است، ترک کنند.^۴

۱. همان.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۴۳۵.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۳، س ۱۴۷.

۴. حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۴۳۷.

سبحانی: زن‌های قرشی، بعد از تمام شدن شصت سال، یائسه می‌شوند و زن‌هایی که قرشی نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال، یائسه می‌شوند.^۱

وحید: زن، بعد از تمام شدن شصت سال، یائسه می‌شود و اگر بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال، خونی ببیند که نشانه‌های حیض دارد یا در ایام عادتش باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید جمع کند بین تروک حائض (هر آنچه را باید حائض ترک کند) و اعمال مستحاضه، و فرقی بین قرشی و غیر آن نمی‌باشد.^۲

نماز جماعت

سؤال: آیا زن می‌تواند امام جماعت شود؟

همه مراجع: امامت زن برای مرد، جایز نیست.

امام و فاضل: احتیاط واجب آن است که اگر مأموم زن هم باشد، امام جماعت، مرد باشد.

گلپایگانی: در غیر نماز میت، احتیاط لازم آن است که زن برای زنان هم امام جماعت نباشد.

صافی: در غیر نماز میت، امامت زن برای زن‌ها کراهت دارد.

خامنه‌ای و مکارم: امامت زن برای زنان، اشکال ندارد.

تبریزی، سبحانی، خوئی، سیستانی، بهجت و نوری: اگر مأموم مرد است،

باید امام جماعت مرد باشد.^۳

۱. جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۴۲۶.

۲. حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۴۴۱.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۵۳؛ سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتانات، س ۶۰۷؛

میرزاچواد تبریزی، توضیح المسائل، م ۱۴۲۶؛ سیدعلی حسینی سیستانی، توضیح المسائل، ←

وحید: امامت زن برای زن، در غیر نماز میّت، کراهت دارد و در نماز میت، اگر سزاوارتر از او به میّت کسی نباشد، کراهت ندارد.^۱

روزه

سؤال ۱: زن روزه‌داری که هنگام غروب آفتاب، عادت ماهیانه‌اش شروع می‌شود، روزه‌اش چگونه است؟

امام، خوئی، گلپایگانی، مکارم، نوری و سیستانی: هرگاه پیش از غروب، گرچه یک لحظه باشد، حیض شود، روزه‌اش باطل می‌شود.^۱
 وحید: اگر پیش از غروب، [گرچه یک لحظه باشد،] حیض شود، روزه‌اش باطل است.^۲

سؤال ۲: زن بارداری که روزه نگرفته، وظیفه‌اش چیست؟

امام و نوری: زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز، یک مد طعام (گندم، جو، آرد و مانند اینها) به فقیر بدهد. نیز اگر روزه برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط واجب، باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت، باید روزه‌ها را قضا نماید.

خوئی، تبریزی، مکارم، صافی، زنجانی و وحید: در صورتی که برای خودش ضرر داشته باشد، کفاره مد، واجب نیست و فقط قضا واجب است.

→ م ۱۴۳۴؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۱۴۵۰؛ سیدابوالقاسم خوئی، توضیح

المسائل، م ۱۴۲۶؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۱۳۸۷.

۱. سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، فی شرائط صحة الصوم.

۲. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، فی شرائط صحة الصوم، بعد از م ۱۰۲۵.

سبحانی، بهجت و سیستانی: در هر دو صورت، کفاره مد و قضا واجب است.

گلیپایگانی: در هر دو صورت، قضا واجب است و بنا بر احتیاط واجب، کفاره یک مد هم بدهد.^۱

فاضل: اگر برای خودش ضرر دارد، کفاره مد واجب نیست؛ فقط قضا واجب است.

سؤال ۳: زنی که بچه شیر می دهد و روزه نگرفته، وظیفه اش چیست؟

امام و نوری: زنی که بچه شیر می دهد [و شیر او کم است]، اگر روزه برای بچه اش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد. اگر برای خودش ضرر دارد، بنا بر احتیاط واجب، باید برای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت، باید روزه هایی را که نگرفته، قضا نماید.

صافی: اگر [روزه] برای بچه اش ضرر دارد، واجب است برای هر روز، یک مد طعام بدهد.

خوئی، زنجانی، مکارم و وحید: در صورت دوم، دادن یک مد طعام، واجب نیست.

سبحانی: زنی که شیر به بچه می دهد، در هر دو صورت، باید روزه ها را قضا کند و برای هر روز، یک مد طعام بدهد.^۲

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۸؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۱۶۳۷؛ حسین نوری

همدانی، توضیح المسائل، م ۱۷۲۵.

۲. جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۱۶۳۸.

فاضل: در صورت اول، دادن یک مد طعام، واجب نیست و اگر راه دیگری برای شیردادن بچه باشد، باید روزه بگیرد.^۱

خامنه‌ای: اگر نگرفتن روزه به جهت خوف ضرر بر جنین یا کودک باشد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مد طعام به عنوان فدیة به فقیر بدهد. اگر قضای روزه را بدون عذر شرعی تا رمضان سال بعد تأخیر انداخته، فدیة دیگری بر او واجب است؛ [یعنی باید دو مد کفاره بدهد].^۲

به صورت خلاصه، قضای روزه‌ها در حال حاملگی و شیردادن، به فتوای همه مراجع، واجب است و بیشتر مراجع، دادن یک مد طعام را نیز واجب می‌دانند.

خمس جهیزیه

سؤال ۱: آیا به جهیزیه، خمس تعلق می‌گیرد؟

امام، گلبایگانی، سبحانی، صافی، فاضل، بهجت و سیستانی: اگر انسان نتواند یکجا جهیزیه دختر را تهیه کند و مجبور باشد که هر سال مقداری از آن را تهیه نماید یا در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه می‌کنند، به طوری که تهیه نکردن آن عیب است، چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزیه بخرد، خمس ندارد.

فاضل: تهیه آن (جهیزیه)، مورد حاجت باشد.

خوئی: از شأنش زیاد نباشد.

تبریزی: بنا بر احتیاط لازم، خمس آن (جهیزیه) را بدهد.

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۹؛ عبدالرحمن انصاری و یدالله مقدسی، چگونه باید روزه گرفت، ص ۱۱۵-۱۱۷.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتاءات، س ۸۰۶.

مکارم: چنانچه سال بر جهیزیه بگذرد، خمس آن واجب است؛ مگر در شهری که جهیزیه را از قبل تهیه می‌کنند و اگر نکنند، عیب است؛ در این صورت، خمس ندارد.

وحید: اگر از منافع آن سال، در سال بعد جهیزیه تهیه نماید، باید خمس آن را بدهد.

نوری: ... اگر از شأنش زیاد باشد یا از منافع آن سال، در سال بعد جهیزیه تهیه کند، لازم است خمس آن را بدهد.

سیستانی: چنانچه تهیه نکردن جهیزیه، منافی شأنش باشد، خمس ندارد.^۱
خامنه‌ای: اگر تهیه وسایل و لوازم آینده زندگی (جهیزیه)، عرفاً جزء مئونه محسوب شود، خمس آن، واجب نیست؛ [گرچه سال بر آنها بگذرد].^۲

سؤال ۲: آیا پول جهیزیه، خمس دارد؟

امام: جمع کردن پول برای تهیه جهیزیه، اگر در آخر سال خمس جهیزیه نخورد، خمس پول را باید بدهد.^۳

بهجت: [اگر پولی جمع کند،] در صورتی که با آن پول یک مرتبه نمی‌شود تمام آن چیز (خانه، اثاثیه و جهیزیه) را خرید و در مدت کمی، مثلاً دو سال و سه سال، می‌تواند آن را بخرد و عرفاً می‌گویند محتاج به آن چیز است و پس انداز کردن هم برای خرید آن چیز باشد، خمس ندارد.^۴

فاضل: و همین طور [است،] اگر برای تهیه جهیزیه پول پس انداز کند، [خمس ندارد].

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۷۷؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۱۶۸۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۷۹۴؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۱۷۷۳.
۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، س ۹۰۶.
۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۹، م ۱۷.
۴. توضیح المسائل مراجع، بعد از م ۱۷۷۵.

گلیپایگانی، خوئی و صافی: ... اگر از منافع آن سال در سال بعد جهیزیه تهیه نماید، باید خمس آن را بدهد.

نوری: اگر انسان برای خرید جهیزیه مبلغی پول کنار بگذارد و سال بر آن بگذرد، با توجه به اینکه نمی‌تواند وسایل جهیزیه را از درآمد بین سال خریداری نماید، خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد.^۱

خامنه‌ای: هرگاه پولی از حقوق ماهیانه پس‌انداز کند، باید خمس آن را در پایان سال بدهد؛ مگر آنکه بخواهد در آینده نزدیک صرف خرید لوازم ضروری ازدواج نماید و با پرداخت خمس آن، نتواند باقیمانده لوازم مورد نیاز را تهیه کند.^۲

سؤال ۳: بعضی از دخترخانم‌های شاغل، با مقداری از این پول جهیزیه

تهیه می‌کنند، آیا به پس‌انداز یا جهیزیه آنها خمس تعلق می‌گیرد؟

مکارم: چنانچه سال خمسی بر آن بگذرد، باید خمس آن را پرداخت کنند؛ ولی در صورتی که برای پرداخت خمس در زحمت باشند، مجازند خمس آن را به ذمه گرفته و هر زمان توانستند، بپردازند. در مواردی که تهیه جهیزیه، معمول و مورد نیاز است، [مثلاً دختر در آستانه ازدواج است یا تهیه آن، جز به صورت تدریجی میسر نیست،] خمس ندارد؛ در غیر این صورت، خمس آن، واجب است؛ ولی چنانچه برای پرداخت خمس در زحمت باشند، مجازند خمس آن را بر ذمه گرفته و هر زمان توانستند، بپردازند.^۳

۱. حسین نوری همدانی، هزار و یک مسئله، ج ۲، س ۳۸۰.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، س ۸۶۱.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۴، س ۳۱۰.

تلقیح

سؤال ۱: حکم تلقیح چیست؟

امام: تلقیح اسپرم مرد به همسرش، اشکال ندارد؛ ولی پرهیزکردن از مقدمات حرام، واجب است و کودک به وجودآمده، فرزند آن دو محسوب می شود و تلقیح زن با نطفه مرد اجنبی، جایز نیست.^۱

گلپایگانی: تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه، جایز نیست.^۲

صافی گلپایگانی: تلقیح زن با اسپرم مرد اجنبی، حرام است و تلقیح اسپرم مرد به همسرش، اگر توسط شوهر باشد، جایز است و اگر توسط دیگری باشد و مستلزم حرامی گردد، جایز نیست.^۳

سبحانی: تلقیح نطفه مردی به زوجه دیگری، جایز نیست.^۴

خوئی، وحید و سیستانی: تلقیح نطفه اجنبی به زن اجنبیه، جایز نیست و تلقیح نطفه زوج به همسر خودش، جایز است؛ ولی باید این عمل توسط زوج انجام گیرد. اگر توسط دیگری باشد و مستلزم حرامی گردد، جایز نیست؛ گرچه فرزند، ملحق به آن دو است.^۵

خامنه ای: تلقیح زن از طریق نطفه مرد نامحرم، فی نفسه اشکال ندارد؛ ولی باید از مقدمات حرام، از قبیل: نگاه و لمس حرام و غیر آنها، اجتناب شود. به هر حال، در صورتی که با این روش، کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی شود؛ بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۹۱-۵۹۲، م ۲۰۱.

۲. محسن ملکلی، تلقیح مصنوعی، ص ۴۸۷.

۳. همان، ص ۴۷۷-۴۷۹.

۴. همان.

۵. سیدعلی حسینی سیستانی، منهج الصالحین، ملحقات، فصل ۲۰، م ۶۵، ۶۶ و ۶۹، ص ۴۵۹-۴۶۰.

تخمک است.^۱

سؤال ۲: شخصی که پس از چند سال بچه دارنشدن و مراجعه به پزشک زنان، پزشک معالج، IVA را به عنوان تنها راه بچه دارشدن پیشنهاد می کند، آیا می تواند چنین اقدامی کند؟

مکارم: انتقال نطفه، در صورتی جایز است که از آن مرد طلاق بگیرد؛ [هرچند به قصد جدایی موقت باشد] و پس از عده، با صاحب نطفه عقد موقت ببندد؛ [هرچند یکدیگر را نبینند.] سپس، نطفه ترکیب گردد و پس از آن، شوهر موقت باقیمانده مدت را ببخشد و نطفه ترکیب یافته به رحم زن منتقل شود. در این صورت، زن می تواند بدون رعایت عده، به عقد دائم شوهر اول درآید.^۲

نوری: انتقال نطفه غیرشوهر به رحم زن، جایز نیست. در صورت انتقال، فرزندی که از این راه به جود می آید، فرزند غیر مشروع است.^۳

رقص

سؤال: رقص مرد برای مرد و زن برای زن، چه حکمی دارد؟ و آیا رقصیدن در مجالس زنانه جایز است؟

مکارم: تنها رقص زن برای شوهر جایز است و بقیه موارد، اشکال دارد و رقص، یک امر عرفی است و آن، حرکات موزونی است که افراد مطلع تصدیق کنند که مصداق رقص است. اگر مصداق مشکوکی پیدا کرد، حرام نیست.^۴

تبریزی: رقص زن برای شوهر و رقص زن برای زنان در مجالس عروسی و

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتانات، س ۱۲۷۳، ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۳، س ۹۲۶.

۳. حسین نوری همدانی، هزار و یک مسئله، ج ۱، س ۹۸۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۳، س ۴۶۵.

مانند آن، مانعی ندارد.^۱

فاضل: رقص، نوعاً منشأ فساد و از بین رفتن حیاست و احتیاط در ترک رقص و عدم حضور در مجلس رقص است؛ ولی رقص زن برای شوهر، اشکال ندارد.^۲

امام: رقص، جایز نیست؛ مگر رقص مرد برای همسر و زن برای شوهر. بهجت: رقصیدن زن و شوهر برای یکدیگر، خلاف احتیاط است؛ [احتیاط واجب، ترک آن است].

گلدپیگانی: به طور کلی، رقصیدن مرد جایز نیست؛ حتی برای همسر؛ ولی رقص زن برای شوهر، اشکال ندارد.

سیستانی: رقص زن و شوهر برای یکدیگر، اشکال ندارد.^۳ [البته باید همراه حرام دیگری نباشد و رقص زن برای شوهرش، به دور از دید دیگران باشد]. صافی: فقط رقص زن برای شوهر تنها، جایز است.^۴

وحید: فقط رقص زن جلوی شوهرش، در صورتی که زن یا مرد دیگری چه محرم و چه نامحرم نبیند، جایز است.^۵

خامنه‌ای: به طور کلی، اگر رقص به گونه‌ای باشد که منجر به تحریک شهوت شود یا مستلزم فعلی حرام یا ترتب مفسده‌ای باشد، حرام است. رقص زنان در برابر بیگانگان، حرام است. رقص زن برای شوهرش و مرد برای همسرش، اگر همراه با ارتکاب حرامی نباشد، اشکال ندارد.^۶

۱. میرزا جواد تبریزی، استفتانات جدید، س ۱۰۵۷.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ص ۴۵۶، س ۱۷۳۷ و ۱۷۳۸.

۳. سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۲۱۵-۲۲۱ و ۲۳۴.

۴. لطف‌الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۱۵.

۵. ر.ک: پایگاه اینترنتی مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی.

۶. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتانات، س ۱۱۷۱، ۱۱۷۲ و ۱۱۷۵.

نوری: اشکال دارد؛ مگر رقص زن برای شوهر.^۱

آلات موسیقی

سؤال ۱: حد استفاده از آلات موسیقی در مجالس عروسی چیست؟ چه نوع

آلات موسیقی حرام است؟

مکارم: فرقی میان مجالس عروسی و غیرعروسی [بنا بر احتیاط] نیست و آهنگ‌ها و موسیقی‌های مناسب مجالس لهو و فساد، در هر حال، حرام است.^۲

مکارم: آلاتی که غالباً از آن برای حرام استفاده می‌شود.^۳

تبریزی: استعمال آلات لهو، هر نوع لهوی باشد، جایز نیست؛ چه در عروسی باشد یا نه؛ همچنین، دایره‌زدن، چه در عروسی یا غیر آن، جایز نیست؛ ولی غنا در مجالس عروسی، اشکال ندارد.^۴

خوئی و وحید: هرچه عرفاً از آلات لهو به حساب می‌آید، حرام است؛ ولی آوازه‌خوانی زن در مجالس عروسی، اگر همراه با حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد.^۵

امام، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی و فاضل: نواختن هرگونه موسیقی مطرب به وسیله آلات موسیقی، جایز نیست؛ چه در مجالس عقد باشد یا عروسی، یا هر مجلس دیگر، مردانه باشد یا زنانه.^۶

امام، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، فاضل و مکارم: آهنگ‌هایی که به واسطه

۱. حسین نوری همدانی، هزار و یک مسئله، ج ۲، س ۵۷۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، س ۵۲۳؛ همان، ج ۳، س ۴۶۳.

۳. همان، س ۵۲۴.

۴. میرزا جواد تبریزی، استفتائات جدید، س ۱۰۵۴، ۱۰۵۱ و ۱۰۳۸.

۵. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۸ و ۱۷.

۶. سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۲۳۱.

وسایلی غیر از آلات لهو به وجود می‌آید، مانند: تشت، قابلمه، سطل و... مشروط به آنکه به نحو مطرب نباشد، اشکال ندارد.

سیستانی: اگر به نحو مجالس لهو و لعب زده شود، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.

گلیپگانی: با غیر آلات لهو نیز مثل تشت و قابلمه، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.^۱

سؤال ۲: دایره‌زدن در مجالس عروسی، چه حکمی دارد؟

مکارم: حکم دایره‌زدن، حکم سایر آلات موسیقی است و فرقی میان مجالس عروسی و غیر آن نمی‌باشد؛ [بنا بر احتیاط].^۲
فاضل: از دایره و دف‌زدن، باید اجتناب گردد.^۳

تبریزی: استعمال آلات لهو، هر نوع لهوی باشد، جایز نیست؛ چه در عروسی باشد یا نه؛ همچنین، دایره‌زدن، چه در عروسی یا غیر آن، جایز نیست؛ ولی غنا در مجالس عروسی، اشکال ندارد.^۴

سؤال ۳: نی‌زدن اگر موجب فساد نباشد، چه حکمی دارد؟

مکارم: اگر از قبیل آهنگ‌هایی باشد که مناسب مجالس لهو و فساد است، حرام است.^۵

تبریزی: استعمال آلات لهو، هر نوع لهوی باشد، جایز نیست؛ چه در عروسی باشد یا نه؛ همچنین، دایره‌زدن، چه در عروسی یا غیر آن، جایز نیست؛

۱. همان، ص ۲۳۲ - ۲۳۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۵۲۸.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۷۴۰.

۴. میرزا جواد تبریزی، استفتانات جدید، همان، ص ۱۰۵۴، ۱۰۵۱ و ۱۰۳۸.

۵. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۵۲۱.

ولی غنا در مجالس عروسی، اشکال ندارد.^۱

خوئی و وحید: هرچه عرفاً از آلات لهو به حساب می‌آید، حرام است؛ ولی آوازه‌خوانی زن در مجالس عروسی، اگر همراه با حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد.^۲

سؤال ۴: آوازخوانی در مجالس عروسی، چه حکمی دارد؟

امام، خامنه‌ای و فاضل: آوازخوانی به صورت غنا، برای خانم‌ها جایز نیست؛ مگر در مجالس شب عروسی و مجلسی که به طور متعارف قبل یا بعد از آن می‌گیرند؛ مشروط به آنکه صدای آنان را نامحرم نشنود؛ اگرچه احتیاط مستحب، در ترک آن است.

سیستانی و مکارم: آوازخوانی به صورت غنا در مجالس عروسی هم بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست؛ بلی، اگر آواز به صورت غنا نباشد، اشکال ندارد.^۳ تبریزی: استعمال آلات لهو، هر نوع لهوی باشد، جایز نیست؛ چه در عروسی باشد یا نه؛ همچنین، دایره‌زدن، چه در عروسی یا غیر آن، جایز نیست؛ ولی غنا در مجالس عروسی، اشکال ندارد.^۴

خوئی و وحید: هرچه عرفاً از آلات لهو به حساب می‌آید، حرام است؛ ولی آوازه‌خوانی زن در مجالس عروسی، اگر همراه با حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد.^۵

۱. میرزا جواد تبریزی، استفتانات جدید، همان، س ۱۰۵۴، ۱۰۵۱ و ۱۰۳۸.

۲. منهاج الصالحین، ج ۳، م ۸ و ۱۷.

۳. سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۲۳۷.

۴. میرزا جواد تبریزی، استفتانات جدید، همان، س ۱۰۵۴، ۱۰۵۱ و ۱۰۳۸.

۵. منهاج الصالحین، ج ۳، م ۸ و ۱۷.

کاشتن ناخن

سؤال: کاشتن ناخن مصنوعی روی ناخن و یا پلک مصنوعی روی مژه که قابل برداشتن و گذاشتن است، چه حکمی دارد؟

بهبخت: اگر در وضو و غسل مانع رسیدن آب به اصل ناخن و پلک نباشد، جایز است.

تبریزی: آرایشی که مانع رسیدن آب در موقع وضو و غسل به ظاهر بدن است، باید برطرف شود؛ و الا نماز، باطل است.

خامنه‌ای: فی نفسه، مانعی ندارد. برای غسل و وضو، اگر رفع حاجب حرجی باشد، حکم جبیره مترتب است. اگر امکان برطرف شدن آن است، باید بردارد؛ وگرنه وضوی جبیره، باطل است.

صافی: اگر در موقع وضو و غسل قابل برداشتن باشد، مانعی ندارد؛ و الا جایز نیست.

سیستانی و نوری: جایز نیست.

فاضل: اگر مانع آب وضو و غسل باشد، جایز نیست.

مکارم: اگر مزاحم وضو و غسل باشد، جایز نیست؛ مگر در حال ضرورت.

وحید: اگر قابلیت برداشتن داشته باشد که آب به مواضع وضو و غسل برسد، اشکال ندارد.^۱

زینت

سؤال: حکم دست کردن انگشتر، حنا گذاشتن و سرمه کشیدن نزد نامحرم چیست؟

امام و گلپایگانی: به دست کردن حلقه، زینت است و باید در برابر نامحرم

۱. جزوه استفتائات واحد پاسخگویی به سؤالات جامعه الزهراء.

پوشانده شود.

تبریزی: پوشاندن انگشتری که به طور متعارف زنان به دست می‌کنند، واجب نیست.

خامنه‌ای: اگر [انگشتری] عرفاً زینت محسوب شود، باید از نگاه نامحرم پوشیده باشد؛ اما اگر چشم‌گیر نیست و صدق زینت نمی‌کند، اشکال ندارد. سیستانی: پوشانیدن آن (حلقه یا انگشتری) و همچنین النگو از نامحرم، لازم نیست.

فاضل: اگر عرفاً زینت به حساب آید، پوشش آن از نامحرم، لازم است.^۱

سرمه

سؤال ۱: آیا سرمه کشیدن زینت است و باید آن را پوشاند؟

امام، گلبایگانی، خامنه‌ای و فاضل: اگر عرفاً زینت محسوب شود، باید پوشانند.^۲

تبریزی: اگر سرمه‌ای کشیده که در بین زن‌های تقریباً مَسْن متعارف است، پوشاندن آن از نامحرم، لازم نیست.

سیستانی: اگر هدف خودنمایی و نیز تحریک‌کننده نباشد و از واقع شدن در حرام ایمن باشد، اشکال ندارد.^۳

سؤال ۲: آیا سرمه کشیدن، ابروچیدن، استفاده از انگشتر عقیق، ساعت و یا

عینک طبی زیبا، برای زنان زینت به حساب می‌آید؟

مکارم: ظاهراً، جزء زینت ممنوع نیست.^۴

۱. سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. همان.

۴. ناصر مکارم شیرازی، احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی، ص ۸۳.

تاتوی ابرو و خالکوبی

سؤال ۱: حکم تاتوی ابرو چیست؟

بهجت: زینت است و باید از نامحرم پوشانده شود؛ وگرنه انجام ندهد.
 تبریزی: اگر پوست روی آن را بپوشاند، گرچه زینت است، ولی اشکال ندارد و باید بانوان آن را از نامحرم بپوشانند.
 خامنه‌ای: خالکوبی، فی نفسه اشکال ندارد و اگر زینت حساب شود، باید از نامحرم پوشانده شود و تشخیص زینت، موکول به عرف است.
 سیستانی: اشکال ندارد؛ ولی اگر عرفاً زینت است، باید از نامحرم پوشانده شود.

صافی: فی نفسه مانعی ندارد؛ اما بر زن واجب است که زینت را از نامحرم بپوشاند.

فاضل: فی نفسه، اشکال ندارد؛ ولی زینت محسوب می‌شود و باید از نامحرم بپوشاند.

نوری: انجام آن اگر برای ارائه به نامحرم نباشد، مانعی ندارد و اگر جلب توجه کند، نگاه به آن حرام است و اگر جلب توجه نکند، نگاه بدون ریه و تلذذ، اشکال ندارد.

وحید: چنانچه ضرر مهمی برای انسان نداشته باشد و مانع از رسیدن آب به پوست نباشد، [برای وضو و غسل،] اشکال ندارد؛ ولی اگر زینت است، باید از نامحرم پوشانده شود و اگر ضرر مهمی دارد یا مانع رسیدن آب به پوست باشد، جایز نیست.^۱

مکارم: خالکوبی با رنگ که زیر پوست قرار می‌گیرد، اشکال ندارد [و وضو

۱. جزوه استفتانات واحد پاسخگویی به سؤالات جامعه الزهراء.

و غسل با آن، صحیح است.^۱

سؤال ۲: آیا کوبیدن خال سوزنی برای شخص خالکوب و شخصی که خالکوبی شده، جایز است؟

مکارم: خال‌های معمولی، اشکال ندارد؛ ولی اگر بیش از حد باشد و موجب آزار بدن شود، یا اسامی مقدسه معصومین علیهم‌السلام خالکوبی شود، اشکال دارد.^۲

سؤال ۳: آیا در غسل و وضو، خال سوزنی مانع رسیدن آب به نقاط خالکوبی شده می‌گردد؟
مکارم: مانع نیست.^۳

پوشش

سؤال ۱: حد پوشش نزد محارم غیرشوهر، چه اندازه است؟
امام، گلپایگانی و وحید: اگر بدون لذت و ریبه باشد، مرد می‌تواند جز عورت، به تمام اندام زن نگاه کند.
خوئی: بنا بر احتیاط، آنچه بین ناف و زانو باشد، نباید به آن نگاه کرد.
مکارم: احتیاط آن است که به جز آن اندازه که بین زنان متعارف است که نزد محارم خود را نمی‌پوشانند، مانند: سر، گردن، قسمتی از سینه، ساق و مرفق، به قسمت‌های دیگر نگاه نکنند.^۴

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، س ۵۸.

۲. همان، س ۷۸.

۳. همان، س ۷۹.

۴. سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، النکاح و آداب، م ۳۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۲۵۰۱.

امام، خوئی، گلپایگانی، فاضل، سیستانی، مکارم و نوری: احتیاط [واجب] آن است که زن از ناف تا زانوی خود را از محارم غیر شوهر بپوشاند.^۱

بهجت، صافی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و نوری: مردان می‌توانند به تمام بدن محارم، غیر از عورتین، نگاه کنند؛ مشروط به آنکه این نگاه، به قصد لذت نباشد؛ همچنین، خوف به فساد افتادن هم نباشد.

تبریزی: احتیاط واجب این است که نگاه کردن به قسمت زانو تا ناف، ترک شود؛ هر چند التذادی نباشد.

صافی: گرچه احتیاط این است که به مابین ناف و زانوها نگاه نکنند.^۲

یادآوری: در زمان ما، با توجه به وسایل ارتباطی فراوانی که در اختیار نوع مردم قرار دارد و زمینه تحریک شهوت و آلوده شدن به فساد بسیار زیاد است، احتیاط آن است که بانوان در برابر مردان محرم، قسمت‌های حساس بدن خود را بپوشانند؛ اما همان‌طور که متعارف است، می‌توانند سر، گردن، قسمت‌هایی از ساق و دست خود را از محرم مرد نپوشانند.

سؤال ۲: آیا جایز است که بدون جوراب در برابر نامحرم ظاهر شد؟

امام، فاضل، گلپایگانی، تبریزی، خوئی، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی، صافی، نوری و وحید: جایز نیست.^۳ بنابراین، خانم‌ها نمی‌توانند با پای بدون

۱. سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، النکاح و آداب، فصل فی الستر والساتر.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۷؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۲۴۳۳؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۲۳۵۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۲۵۰۱؛ سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۴۰-۴۱.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۲۴۳۱؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۲۳۵۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۲۴۹۹؛ سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۱۱۰.

جوراب، در مقابل نامحرم رفت و آمد کنند.

سؤال ۳: آیا بر زنان لازم است که پاهایشان را تا مچ بپوشانند؟

مکارم: پوشیدن روی پا و کف پا، بهتر است.^۱

سؤال ۴: آیا پوشیدن جوراب‌های نازک، در صورتی که پا در آنها پیدا باشد،

برای زنان جایز است؟

مکارم: اگر پا در آن پیدا باشد، جایز نیست؛ ولی معلوم بودن حجم پاها،

ضرری ندارد.^۲

فاضل: پوشیدن جوراب، اگر بشره (پوست) را بپوشاند و مفسده نداشته

باشد، مانعی ندارد.^۳

سؤال ۵: آیا نمایان کردن کف پا، روی پا، قوزک پا و یا پاشنه پا در مقابل

مردان نامحرم، شرعاً جایز است؟

امام، فاضل، گلپایگانی، تبریزی، خوئی، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی،

صافی، نوری و وحید: جایز نیست.^۴

سؤال ۶: آیا در نماز، اگر نامحرم حاضر نباشد، نمازخواندن بدون جوراب

جایز است؟

امام، گلپایگانی، فاضل، سبحانی، مکارم و نوری: پوشش پاها تا مچ، لازم

نیست.

۱. ناصر مکارم شیرازی، خانواده در پرتو فقه اسلامی، س ۵۹.

۲. همان، س ۶۰.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۵۲، س ۱۷۱۳.

۴. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۲۴۳۱؛ جعفر

سبحانی، توضیح المسائل، م ۲۳۵۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۲۴۹۹؛

سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد، ص ۱۱۰.

خوبی، تبریزی، زنجانی، سیستانی و وحید: پوشاندن روی پاها تا مچ، واجب نیست؛ ولی احتیاط مستحب، آن است که کف پاها را بپوشانند. خامنه‌ای: پوشاندن پاها تا مفصل، در صورتی که نامحرم حاضر نباشد، واجب نیست.^۱

امام، گلپایگانی، خوئی، تبریزی، سیستانی، سبحانی، صافی، وحید و نوری: برای اینکه اطمینان پیدا کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید... قدری پایین‌تر از مچ‌ها را بپوشاند.^۲

نفقه

سؤال: اگر مرد نفقه زن را ندهد، در چه صورتی زن می‌تواند از مال شوهر بردارد؟

امام و فاضل: اگر زن از شوهر اطاعت می‌کند و مطالبه خرجی نماید و شوهر ندهد، زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند. اگر آن هم نشد، به عدول مؤمنین^۳ و اگر آن هم ممکن نبود، به مؤمنین غیر عادل، و چنانچه اینها امکان نداشت، می‌تواند در هر روز به اندازه خرجی آن روز، بدون اجازه شوهر، از مال او بردارد.

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۷۸۸؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۶۶۸؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۷۹۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۷۹۵؛ سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، س ۴۳۸.
۲. همان.

۳. گاهی برای رفع مشکلات و اختلاف‌های مسلمانان، لازم است انسان به چند نفر مسلمان عادل که کارهای حرام را انجام نمی‌دهند و واجبات را به جا می‌آورند و دارای متانت لازم هستند، مراجعه کند تا آنان که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند، مشکل مردم را بر اساس مبانی اسلامی برطرف نمایند. در زمان ما، می‌توان شورای حل اختلاف را که در برخی جاها وجود دارد، از مصادیق عدول مؤمنین به شمار آورد.

خوئی، تبریزی، گلپایگانی، صافی، سیستانی، نوری و سبحانی: زنی که از شوهر اطاعت می‌کند و شوهر خرجی او را نمی‌دهد، می‌تواند خرجی خود را بدون اجازه، از مال او بردارد.

مکارم: احتیاط واجب آن است که این کار، با اجازه حاکم شرع باشد.^۱
 وحید: زن می‌تواند بعد از مطالبه و امتناع شوهر، خرجی خود را بدون اذن او، از مال او بردارد و بنا بر احتیاط واجب، اگر ممکن باشد، از حاکم شرع برای برداشتن، اذن بگیرد.^۲

تصرف در اموال شوهر

سؤال: حد تصرف زن در اموال شوهر چه اندازه است؟

مکارم: مرد و زن هرکدام اختیاردار مال خویش هستند و بدون رضایت دیگری، حق تصرف در مال او را ندارند.^۳
 سایر مراجع عظام نیز نظرشان همین است؛ چون هیچ‌کس بدون اجازه دیگری، حق تصرف در مال کسی را ندارد؛ مگر در موارد بسیار محدود، مانند برداشتن نفقه.

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۶؛ جعفر سبحانی، توضیح المسائل، م ۲۳۳۵؛ حسین نوری همدانی، ۲۴۱۲.

۲. حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۲۴۸۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، س ۱۱۰۰.

کتابنامه

کتاب:

قرآن کریم.

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، طبقات الاطباء، تهران: انتشارات زعیم، ۱۳۴۹ش.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، بی جا: دار احیاء الکتب العربیة، اول، ۱۳۷۸ق/ ۱۹۵۹م.
- ابن اسعد، عبدالله، مرآة الجنان، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مکتبة النینوی الحدیثة، اول، بی تا.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الأمالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۰۷ق.
- _____، من لا یحضره الفقیه، تحقیق سید حسن خراسانی، بیروت: السادسة، ۱۴۰۵ق.
- _____، الأمالی، تحقیق قسم الدراسات الإسلامیة، قم: مؤسسه البعثة، اول، ۱۴۱۷ق.
- _____، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- _____، عمون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.

_____ ، کتاب الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ششم، ۱۴۲۴ق.

_____ ، من لا يحضره الفقيه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.

ابن خطیب، الإحاطة فی الأخبار، بیروت: دار الکتب الاسلامیة، بی تا.
ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، سوم، ۱۳۶۳ش.

_____ ، تحف العقول، قم: انتشارات آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲ش.

_____ ، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، هفتم، ۱۴۲۵ق.

_____ ، تحف العقول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۰۴ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، سوم، ۱۳۸۸ق.

_____ ، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.

احمدی، علی اصغر، تحلیل تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران: سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۸ش.

احمدی، محمدرضا، روابط دختر و پسر، قم: دفتر نشر معارف، دهم، ۱۳۸۹ش.

اربلی، ابی الحسن علی بن عیسی ابن ابی الفتح، كشف الغمة فی معرفة الائمة، بیروت: انتشارات دار اضواء، دوم، ۱۴۰۵ق.

اکبری، ابوالقاسم و مینا اکبری، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات رشد و توسعه، ۱۳۹۰ش.

اکبری، محمود، دختران و پسران؛ پندها و هشدارها، انتشارات گلستان ادب، دوازدهم، ۱۳۸۶ش.

الهی قمشه‌ای، مهدی، دیوان الھی قمشه‌ای، تهران: کتاب‌فروشی برادران علمی، ۱۳۶۶ش.

- امین، محسن، اعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف، اول، ۱۴۰۳ق.
- امینی، ابراهیم، آیین همسررداری، بی جا: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۷۸ش.
- _____، آیین همسررداری، قم: بوستان کتاب، بیست و نهم، ۱۳۸۹ش.
- _____، جوان و همسرگزینی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ششم، ۱۳۹۱ش.
- انصاری، عبدالرحمن و یدالله مقدسی، چگونه باید روزه گرفت، قم: بوستان کتاب، دوم، ۱۳۸۴ش.
- بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعة، تصحیح جمعی از محققان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
- بنی هاشمی خمینی، سید محمدحسن، توضیح المسائل مراجع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۳۷۷ش.
- پاستر، مارک، عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: طرح نو، ۱۳۸۸ش.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش، چهارم، ۱۳۸۲ش.
- تافلر، آلوین، جابه‌جایی در قدرت، ترجمه شهین دخت خوارزمی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
- _____، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- _____، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران، سوم، ۱۳۶۰ش.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، مصر: انتشارات دار المعارف، ۱۳۸۵ق.

جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ش.

جمعی از نویسندگان، همسر آفتاب، قم: کتاب طه، ۱۳۸۵ش.

جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال، قم: دار الهدی، ۱۳۸۸ش.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.

_____، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.

_____، وسائل الشیعة، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۶ش.

حسن خان، محمد، خیرات حسان، تهران: ۱۳۰۴ش.

حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، اول، ۱۴۱۵ق.

حسینی خامنه‌ای، سید علی، اجوبة الاستفتانات، ترجمه احمد رضا حسینی، تهران:

انتشارات بین‌المللی الهدی، دوازدهم، ۱۳۸۶ش.

_____، مناسک نوین، به کوشش مصطفی آخوندی و عبدالرحمن انصاری،

تهران: محراب قلم، چهارم، ۱۳۹۰ش.

حسینی، داوود، راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده، قم: مرکز

پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، اول، ۱۳۸۴ش.

حسینی، احمد، بهداشت روانی ازدواج و همسر داری، تهران: انتشارات مفید، اول،

۱۳۸۰ش.

حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیة، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ

اسلامی، ۱۳۸۰ش.

حمیری، عبدالله، قرب الأُسناد، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۳ق.

خراسانی، وحید، توضیح المسائل، قم: مدرسه باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۷۹ش.

خسروی، موسی، آداب زندگی با اقتباس از زندگی فاطمه زهرا علیها السلام، مشهد: انتشارات

الف، ۱۳۷۷ش.

خوانساری، آقا جمال، شرح غرر الحکم ودرر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، چهارم، ۱۳۶۶ش.

خونی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم آیت الله العظمی خویی رحمته، دیل کارنگی، آیین زندگی، ترجمه جهانگیر افخمی، انتشارات ارمغان، ۱۳۷۳ش.
رسا، قاسم، دیوان دکتر قاسم رسا (ملک الشعرا آستان قدس رضوی)، سنایی، ۱۳۴۰ش.

رشیدپور، مجید، تعادل و استحکام خانواده، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳ش.
_____، مراحل ازدواج در اسلام، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، هفتم، ۱۳۸۱ش.

رضا حاجتی، میراحمد، عصر امام خمینی رحمته، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۸۱ش.

سبحانی، جعفر، توضیح المسائل، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۳۸۶ش.
سقازاده، محمد و حمزه کریم خانی، هجوم خاموش (آسیب شناسی نسل جوان)، قم: انتشارات عطر یاس، پنجم، ۱۳۸۸ش.

سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۶ق.

سیاح، احمد، فرهنگ سیاح، تهران: انتشارات اسلام، اول.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الجامع الصغیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.

شیر، سید عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین، کویت: مکتبه الألفین، اول، ۱۴۰۷ق.

شرتونی لبنانی، سعید الخوری، أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، قم: منشورات مکتبه المرعشی النجفی، ۱۳۶۱ش.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.

صافی، لطف الله، جامع الاحکام، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، چهارم.

- _____، منتخب الأثر، قم: مؤسسة السيدة المعصومة، ۱۳۷۷ش.
- صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۸۸ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۸ش.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: انتشارات فراهانی، بی تا.
- _____، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، چهارم، ۱۴۱۲ق.
- _____، مکارم الأخلاق، قم: منشورات الشریف الرضی، ششم، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، دوم.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۵۷ش.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة، سوم، ۱۳۶۴ش.
- _____، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- عباسی ولدی، محسن، بشقابهای سفره پشت بامان، قم: انتشارات جامعه الزهراء، دوم، ۱۳۹۲ش.
- علی بن حسین علیه السلام، رساله حقوق (منشور متعالی حقوق در اسلام)، ترجمه علی طباطبایی، نشر مطبوعات دینی، ۱۳۹۲ش.
- عمادزاده، حسین، زندگانی سید الشهداء، تهران: ۱۳۵۷ش.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر آشجع، ۱۳۸۷ش.

قتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین، تحقیق حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۶ق.

فواز العاملی، الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور، بیروت: دار المعرفة، اول، ۱۳۱۲ش.

فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی فی تفسیر کلام الله (تفسیر صافی)، مشهد: دار المرتضی.

_____، محجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۳۸۳ش.

فیلیپ. اچ. برنشتاین و مارسلی بی. برنشتاین، شناخت و درمان اختلاف های زناشویی (زناشویی درمانی)، ترجمه حمیدرضا سهرابی، انتشارات رسا، ۱۳۷۷ش.

فینچام، فرانک، رابطه همسران، ترجمه مهدی قرچه داغی، تهران: پیک بهار، ۱۳۸۰ش.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۳۶۴ش. قلی زاده، فرض الله، ازدواج پیوندی مقدس، قم: انتشارات نهانندی، ۱۳۷۶ش.

قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم: دار الأسوة، سوم، ۱۳۸۰ش.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، سوم.

کارل، الکسیس، انسان موجود ناشناخته، ترجمه عنایت الله شکیباپور، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۴ش.

کارمیان، فرهاد، مهارت های زندگی، تهران: مؤسسه فارسی تربیت، سوم، ۱۳۷۹ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.

_____، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.

- _____، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۲ش.
- _____، اصول کافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- گری، جان، مردان مریخی زنان ونوسی، ترجمه اشرف عدیلی، تهران: نشر علم، هفتم، ۱۳۷۸ش.
- لنکرانی، فاضل، احکام جامع مسائل پزشکی، قم: دار الصدیقة الشهيدة، ۱۴۳۲ق.
- _____، جامع المسائل، قم: انتشارات امیرالقلم، یازدهم.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، تحقیق حسین حسنی بیرجندی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، اول، ۱۳۷۶ش.
- مؤمن قمی، محمد، کتاب الصلاة (تقریرات درس آیت الله محمد محقق داماد)، قم: مؤسسه نشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق.
- مازندرانی، مولی محمدصالح، شرح اصول کافی، تحقیق میرزا ابوالحسن شعرانی، تصحیح سید علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۰م.
- متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی الحديث والاقوال والافعال، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
- _____، بحار الأنوار، بیروت: نشر الامیره، ۱۴۲۹ق.
- _____، بحار الأنوار، تهران: دار الکتب الإسلامية، سوم، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ۱۲ جلدی، تحقیق علی پناه اشتهاردی، قم: انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی.
- محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، سی ام، ۱۳۸۴ش.
- محقق داماد، سید محمد، کتاب الصلوة، قم: مؤسسه نشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق.
- محللاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعة، ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۰ش.

- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، بی جا: انتشارات دارالحديث، ۱۳۸۷ ش.
- _____، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث، اول، ۱۳۷۷ ش.
- _____، میزان الحکمة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، اول، ۱۳۶۳ ش.
- _____، میزان الحکمة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، دوم، ۱۳۷۳ ش.
- مرتضی، آقانهانی، یاران شیدای حسین بن علی، قم: انتشارات باقیات، سوم، ۱۳۸۵ ش.
- معزی ملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشيعة فی احکام الشريعة، نشر اسماعیل معزی، ۱۴۱۳ ق.
- معصومی، مسعود، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، قم: چهل و چهارم، بوستان کتاب، ۱۳۹۳ ش.
- مقیمي حاجی، ابوالقاسم، جوانان و روابط، قم: مرکز و مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی، تهیه و تنظیم وحید علیان نژاد، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
- _____، استفتانات جدید، قم: سرور، اول، ۱۳۷۸ ش.
- _____، استفتانات جدید، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، هشتم، ۱۳۹۳ ش.
- _____، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، اول، ۱۳۷۰ ش.
- _____، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهل و یکم، ۱۳۸۰ ش.
- موسوی خمینی رحمته الله علیه، سید روح الله، استفتانات، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.

_____ ، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام، اول، ۱۳۷۹ش.

_____ ، تحرير الوسيلة، قم: انتشارات اسماعيليان.

مولوى، محمد جلال الدين، مثنوى معنوى، تهران: نشر زوار، ۱۳۷۴ش.

ميرعظيمى، سيدجعفر، بارگاه فاطمه معصومه، قم: چاپ نهضت، دوم، ۱۳۷۶ش.

نراقى، ملا احمد، معراج السعادة، قم: انتشارات هجرت، اول، ۱۳۷۱ش.

نجفى، محمدحسن، جواهر الكلام، تحقيق عباس قوجانى، تهران: دار الكتب الاسلاميه، سوم، ۱۳۶۷ش.

نورى، ميرزاحسين، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بيروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، دوم، ۱۴۰۹ق.

_____ ، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.

نورى همدانى، حسين، توضيح المسائل، قم: مهدي موعود، سى و دوم، ۱۳۹۳ش.

_____ ، هزار و يك مسئله، قم: مهدي موعود، پنجم، ۱۳۸۸ش.

وجدانى، مصطفى، حديث تربيت، تهران: پيام آزادى، ۱۳۷۸ش.

ورام، مسعود بن عيسى، مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه محمدرضا

عطايى، مشهد: بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۳۶۹ش.

ويرجينا ستير، آدم سزاي در روان شناسى خانواده، ترجمه بهروز بيرشك، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۰ش.

مجلات:

اخلاق، ش ۱۶.

بيمارى هاى كودكان، ش ضميمه، ۱۳۸۱ش.

پاسدار اسلام، ش ۲۷۹ و ۲۸۰، اسفند و فروردين ۱۳۸۳ش.

- پاسدار اسلام، ش ۲۸۱، اردیبهشت ۱۳۸۴ ش.
- پگاه، ش ۲۲.
- پیام زن، ش ۱۸۹، آذر ۱۳۸۶ ش.
- پیام زن، ش ۲۱۷، فروردین ۱۳۸۹ ش.
- پیام زن، ش ۲۵۸، شهریور ۱۳۹۲ ش.
- پیوند، ش ۳۰۷.
- حدیث زندگی، ش ۴، سال دوم.
- خانه خوبان (ویژه خانواده‌ها)، ش ۵۲ و ۵۳، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۲ ش.
- شمیم یاس، ش ۴۰، ۱۳۸۵ ش.
- طوبی، ش ۳، اسفند ۱۳۸۴ ش.
- فصلنامه تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ش ۱۳، سال دوازدهم، بهار.
- فصلنامه تخصصی رسانه و خانواده، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ش ۷، سال دوم، تابستان.
- کتاب نقد، ش ۳۱.
- گلبرگ؛ ماهنامه فارسی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ش ۱۲۱.
- مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره ۴، ش ۳، بهار ۱۳۷۹ ش.
- مطالعات انقلاب اسلامی ایران، ش ۳۰، سال نهم، پاییز ۱۳۹۱ ش.
- مطالعات ملی، ش ۴۵، سال دوازدهم، ۱۳۸۹ ش.

روزنامه:

- اطلاعات، ۱۰ آبان ۱۳۵۴.
- جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۵/۲۲ ش.
- جمهوری اسلامی، ش ۶۵۷۱، ۱۳۸۰/۱۱/۲۹ ش.

خراسان، چهارشنبه ۱۳۹۳/۳/۷ ش.

خراسان، دوشنبه ۱۳۹۳/۳/۵ ش.

مردم‌سالاری، ش ۲۷۱۰، ۱۳۹۰/۵/۲۷ ش.

پایگاه اینترنتی:

آفتاب: www.aftabir.com

ایرنا: www.irna.ir

ایسنا: www.isna.ir

باشگاه خبرنگاران: www.yjc.ir

بانوی ایران: www.banooyeirani.ir

تابناک: www.tabnak.ir/fa/news

تبیان: www.tebyan.net

جهان نیوز: www.jahannews.com

درگاه ملی آمار: www.amar.org.ir

راسخون: <http://rasekhoon.net>

سلامت نیوز: www.salamatnews.com

سیر نیوز: www.seirnewws.com

عصر ایران: www.asriran.com

کتاب سبز: <http://ketabesabz.com>

گنجور: <http://ganjoor.net>

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی: www.pasokhgoo.ir

میگنا: www.migna.ir

منابع انگلیسی:

1. Ahmed, Early Islam and the Position of Women: The problem of interpretation; P:61.
2. Ahmed, leyla. (1991),Early Islam and the Position of Women: The problem of interpretation; in N. Keddie and B.
3. Dear Rob: Lying Fully Clothed: Exposing the Naked Truth about Men, p 109.
4. Rob, Dear, Lying Fully Clothed: Exposing the Naked Truth about Men, author hose 2012.
5. www.who.int/mental health/media